

نایب رئیس - دیگر مخالفی نیست ماده ۱۶ قرائت میشود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده ۱۶ - ترفیع رتبه از درجه سرهنگی تا آخرین رتبه نظامی با رعایت شرایط مقرر در قانونی بسته به قدمت خدمت و پیدا شدن شغل است با وجود تساوی شرایط قدمت خدمت پس از پیدا شدن شغل صاحب منصبانیکه از مدارس نظامی فارغ التحصیل شده اند مقدم هستند .

نایب رئیس - در این ماده مخالفی نیست (مخالفی نبود) .

ماده ۱۷ - در ترفیع درجات حق تقدم با کسانی است که در صف مشغول خدمت هستند مثلا هر گاه دو صاحب منصب یکی در اداره و دیگری در صف مستخدم بوده و در یک وقت ترفیضشان لازم آید صاحب منصب مقدم است ولی اگر صاحب منصب اداره را برتری داشته باشد حق تقدم با او است .

محمد هاشم میرزا - صاحب منصب و اداره را درست ملتفت نمیشوم خوب است آقای مخبر توضیح بدهند ملتفت بشوم .

معزز الملک صاحب منصب صف مقصود صاحب منصبی است که تحت السلاح و مشغول خدمت است و صاحب منصب اداری که اینجا گفته شده است ممکن است یک کسی با اصطلاح در خدمت (آکئیف) باشد ولی در صف و تحت السلاح نباشد در یکی از ادارات نظامی مشغول خدمت باشد مثل (آتماژور) (مجا که نظامی) اینها مشغول دونوع خدمت هستند یکی در اداره و یکی در صف تحت السلاح نظام این معنی است که خدمت در صف زیر سلاح مشکل تر است تا خدمت در اداره این است که خدمت در صف و ارتزاج میدهیم این در صورتی بود که هر دو در تمام شرایط متساوی باشند اما اگر آنکسیکه در اداره مشغول خدمت است علما برتری داشته باشد باین وجود اهمیت خدمت در صف آن کسی که در اداره است مقدم است بملاوه معنی تشویق مردم که زیاده از مدارس خارج شده باشد این حق تقدم را داده اند .

نایب رئیس - دیگر مخالفی نیست (مخالفی نبود) ماده ۱۸ (ببابت ذیل قرائت شد)

ماده ۱۸ - تعیین نوبت ترفیع رتبه صاحب منصب - شمشیر بند مطابق مواد ۱۵ و ۱۶ بر حسب صورتهای مخصوص هر فوج و یا هر یک از سلاحهای سه گانه و باصورت عمومی قشون مطابق ترتیب ذیل است .

نایب دوم - نایب اول - سلطان - تعیین قدمت خدمت و نوبت ترفیع رتبه در هر یک از افواج و دستجات قشونی .

یاور - نایب سرهنگ - سرهنگ - تعیین قدمت خدمت و نوبت ترفیع رتبه در هر یک از اسلحه سه گانه .

سرتیب - میرینج - امیر تومان - تعیین قدمت خدمت و نوبت ترفیع رتبه مطابق صورت عمومی قشون بدون فرق سلاح .

نایب رئیس - در این ماده مخالفی هست **محمد هاشم میرزا** - مخالفت با این مواد

فرع بردارستن آنها است بنده تا ندانم که مقصود از اسلحه سه گانه چه چیز است نمی توانم عقیده خودم را بگویم .

معزز الملک - در اینجا ما برای ترفیع رتبه صاحب منصبها حاضر شدیم بشرایطی که یکی از آنها قدمت خدمت است یعنی هر کس بر حسب خدمت از حیث قدمت مقدم است و البته رجحان دارد حالا مدت قدمت خدمت را از روی چه مآخذی باید حساب کرد هر چه درجات نظامی پست تر می رود آن دائره بالنسبه بخدمت ضیق تر میشود در آن دائره فقط قدمت خدمت حساب می شود و بعد هم درجات بالا می رود آن دائره وسیع تر میشود مثلا اگر فرض بفرمایید که این جا نوشته است تعیین قدمت خدمت از برای نایب دوم و اول که تعیین خدمت و نوبت ترفیع رتبه در هر یک از افواج و دستجات قشونی برای این است که درجات یک دائره معبودی باشد برای اینکه ممکن است در یک فوجی نایب اول و دوم و سیم باشد اگر تمام این چند هزار نفر را یکی بکنیم یعنی نسبت بر تمام آنها حساب بکنیم آنوقت ممکن است که یک نایب اولی برای اینکه سلطان بشود مجبور بشود ده سال خدمت بکند تا برسد باین مقام چرا برای اینکه میگوئیم در تمام قشون به تناسب باید سنجید با سایر مرتبه های او که عده شان خیلی زیاد است در نظام مثلا فرم بفرمائید هفت و هشت نایب اول است آنها مابین خودشان قدمت خدمت را منظور می کنند و این هیچ کار ندارد و یادر یک فوج دیگری بیست یاز دیگر هست وقتی که میخواهند ترفیع رتبه باین صاحب منصبان فوج بدهند ملاحظه قدمت خدمت فوج دیگر را هم میکنند هیچ چیز چیزی نیست هر کس خدمتش زیاد است و شغلی در خود این فوج پیدا شد آنوقت ملاحظه می کنند با تساوی شرایط کدام یکی از آنها مقدم است هر کدام از آنها که مقدم است باو می دهند بعد تجاوز می کنیم بدو درجه دیگر که وسط است نایب سرهنگ و سرهنگ که در ماده ۲۶ خواهد آمد معاشای که معلوم شد است یاریاست (باتالون) است یاریاست فوج است ولی بازم اگر ما حساب بکنیم قدمت خدمت را مابین تمام سرهنگ و نایب سرهنگ هائی که قدمت خدمت دارند و بعد بالنسبه بیکدیگر ترفیع رتبه بدهیم این اسباب این خواهد شد که مثلا یک نایب سرهنگی که بمقام سرهنگی برسد مجبور باشد که ده بانزده سال در یک مقامی باشد اینها دیگر تجاوز می کند از سایر رتبه هائی که هست باین جهت چنانچه در نظام معمول است سه اسلحه اساسی را منظور می دارند که اسلحه پیاده نظام و سواره نظام و توپخانه باشد ما اینجا برای تعیین خدمت آنها تقسیم نایب سرهنگ و سرهنگ گفتیم که لازم است که صورت نایب سرهنگ ها و سرهنگ ها در هر یک از اسلحه های سه گانه نوشته شود که بینیم یک شغلی که پیدا می شود که باید یکی از آنها واگذار کرد و ترفیع رتبه بآنها داد نگاه می کنیم که کدام یک از اینها باوجود اینکه سایر چیزهاشان مساوی است قدمت خدمتشان بیشتر است باو آن رتبه را می دهیم بعد می رسم سرتیب و میرینج و امیر تومان برای اینها بطوری که ذکر شده است خواهد آمد تقریباً فرماندهی فوج و فرماندهی

(دیویزون) فرماندهی (بریکاد) مشاغل اردو و مهمات نظامی و ممکن است که یک دیویزیون باشد و دیویزیون ۱۴ نمی شود گفت که از یک سلاح است خیر (دیویزیون) مرکب است از سه سلاح پیاده نظام سواره نظام توپخانه و بعد وقتی که یک کاری پیدا میشود و لازم است که یکی رجوع شود و آنکار هم موجب ترفیع رتبه است نمیتوان یک سلاح حساب کرد باینجهت از تمام سرهنگ ها و تمام سرتیب ها و میرینج ها یک صورتی همیشه وزارت جنگ دارد اعم از اینکه سرتیب سواره یا پیاده یا میرینج توپخانه باشد تمام اینها را که ملاحظه کرد هر یک که قدمت خدمتشان بیشتر است آن رتبه باو داده میشود .

محمد هاشم میرزا - توضیحی که دادند بنده را قانع کرد یک مطلب است را که ملتفت نمیشوم عرض میکنم که اگر یک میرینجی یا سرتیبی در میان آنها پیدا شد تمام صورتهای آنها هم در یک جا ثبت است آنوقت یک سرتیب پیاده نظام را میرینج توپخانه خواهند کرد این چه ربطی بهم دارد سرتیب پیاده نظام که اطلاعات توپخانه را ندارد دومرتبه این را توضیح بدهند که ملتفت بشویم .

معزز الملک - بله ممکن است که میرینج یک پیاده نظام فرمانده توپخانه باشد بجهت اینکه در جاهائی که سرتیب نظام است البته باید از سرتیب توپخانه هم مطلع باشد .

نایب رئیس - خاطر نمایندگان محترما مسبق میکنم که این شور اولست ممکن است این قسم توضیحاتی کمی خواهند در خارج از کمیسیون بخواهند دیگر مخالفی نیست .

ماده ۱۹ (ببابت ذیل قرائت شد)

ماده ۱۹ - اگر در یکی از افواج دستجات قشونی نوبت ترفیع رتبه زودتر حاصل بشود بدین جهت صاحب منصبان آن دسته نظامی از سایر صاحب منصبان پیش بیفتند یا بر عکس نوبت ترفیع رتبه دیرتر باشد محض تساوی سرعت ترفیع رتبه در تمام افواج و دستجات قشونی ممکن است بعضی از صاحب منصبان را رؤساء نظامی از دسته بدسته دیگری از همان سلاح مأمور کنند .

نایب رئیس - در این ماده مخالفی هست (اظهاری نشد) .

ماده ۲۰ - خواننده می شود (ببابت ذیل قرائت شد) .

ماده ۲۰ - یکی از شعب وزارت جنگ که برای نظارت در ترتیب ترفیع رتبه صاحب منصبان معین خواهد شد مطابق ماده ۱۸ صورتهای مخصوص برای تعیین نوبت ترفیع رتبه در افواج و دستجات قشونی و اسلحه سه گانه در عموم قشون مرتب خواهد کرد .

نایب رئیس - در این ماده مخالفی هست (اظهاری نشد) ماده ۲۱ خواننده میشود .

(ببابت ذیل قرائت شد) ماده ۲۱ - برای اعطاء رتبه سرتیبی و میرینجی و امیرتومانی علاوه بر تصویب وزارت جنگ شورای نظامی نیز دادن این رتبه ها را باید تصویب نماید فقط در این صورت ممکن است فرمان های یونی صادر گردد .

افتخار الواعظین - می نویسد فقط در این صورت ممکن است فرمان های یونی صادر گردد این عبارت اینطور می فهماند که ممکن است در این صورت فرمان صادر بشود و ممکن است که اصطلاح این درجات شده است بدون صدور فرمان های یونی در صورتی که تصور می کنیم غرض کمیسیون اینست که ممکن نیست که فرمان های یونی صادر نشود .

معزز الملک - مقصود کمیسیون اینست که ممکن است بدون تصویب شورای نظامی فرمان صادر بشود و ممکن است که با تصویب شورای نظامی اینکار بشود و در اینصورت فرمان های یونی صادر خواهد شد .

حاج وکیل الرعایا - گمان میکنم که این ماده قدری تولید زحمت خواهد کرد برای اینکه بعد از آنکه دستور فرمان و موشع شدن بصره های یونی شرط شد و این قانون در تمام مملکت کتبت پیدا کرد آنوقت آن سرتیبهای سابق و آن سرهنگها را اگر استاء بکنیم می بینیم که این قانون صحیحاً اجرا میشود برای این بنده گمان نمیکنم که ما موفق بشویم که بدون رحمت یک نظامی را باین ترتیبی که در این قانون تشریح شده است تشکیل بکنیم و این طوری که اینجام نویسد که برای اعطاء رتبه سرتیبی و میرینجی و امیرتومانی علاوه بر تصویب وزارت جنگ شورای نظامی نیز دادن این رتبه ها را باید تصویب نماید اگر شما بخواهید بآن ترتیب علمی رفتار بکنید گمان میکنم که خیلی از سرتیبها و میرینجها از این مقام محروم بشوند با اینکه مقصود کمیسیون این است که هم مطابق این قانون رفتار بشود هم آنها باشند اینرا خوب است توضیح بفرمائید .

دکتر امیر خاں - این اظهاری را که آقای حاج وکیل الرعایا فرمودند چندان اهمیت ندارد و حالاهم در وزارت جنگ قبل از اینکه این قانون بگذرد یک پیش بینی برای اینکار کرده اند یعنی نظام را پر دو قسم کرده اند یکی رفورم جدید و یکی رفورم قدیم علاوه بر این در رفورم قدیم اغلب مقام عالی بوده است مثلا یک امیرتومانی اگر بوده است مواجب نداشته است مگر آنکسایکه وسائط داشته بودند که آنها یک حقوق جزئی دارند ولی باقی دیگر نه آن حقوق نظامی را دارند و نه آن شئون رفورم جدید را دارند معذرا هر صاحب منصبی که رتبه در رفورم قدیم داشته است ممکن است که در رفورم جدید پائین تری را باو بدهند مثلا یک نفری که سرتیبی موزیک را داشته است حالا در رفورم جدید سرهنگ است و خودشان هم خیلی خشنود هستند برای اینکه حقوق رفورم جدید شاید زودتر برسد و شئون آنها هم خیلی بیشتر و عالی تر خواهد بود از آن امیر تومان های سابق از این جهت بنده تصور میکنم که این چندان اهمیتی ندارد آنطوری که تصور میشود اشکال ندارد .

افتخار الواعظین - علاوه بر توضیحی که سابقا بنده خواستم وقتی که این عبارت را از روی دقت مطالعه بکنیم خواهیم دید که ایراد دیگری هم هست و توضیحی هم که آقای رئیس محترم کمیسیون دادند این بود که تصویب وزارت جنگ

لازم است و شورای نظامی هم باید تصویب بکند که اگر چنانچه شورای نظامی تصویب نکرد فرمان های یونی صادر خواهد شد و اگر تصویب نکرد فرمان های یونی صادر نمیشود و این عبارت کافی نیست بجهت اینکه میگوید «علاوه بر تصویب وزارت جنگ شورای نظامی نیز دادن این رتبه ها را باید تصویب نماید» این عبارت میگوید که دادن رتبه ها را شورای نظامی باید تصویب نماید آنوقت میگوید (فقط در اینصورت ممکن است فرمان های یونی صادر گردد) یعنی اگر وزارت و شورای نظامی تصویب کردند باز ممکن است فرمان های یونی صادر بشود و ممکن است که صادر نشودو حال آنکه کمیسیون گویا مقصودشان این است که وقتی که شورای نظامی تصویب کرد باید فرمان صادر بشود دیگر اینکه میگوید (شورای نظامی دادن این رتبه ها را باید تصویب نماید) یعنی این عبارت این است که اگر وزارت جنگ تصویب کرد شورای نظامی هم مجبور باید تصویب بکند و حال آنکه بنده قطع دارم که کمیسیون این نیست بلکه مقصودشان این است که علاوه بر تصویب وزارت جنگ تصویب شورای نظامی هم در دادن این رتبه ها لازم است (باید) معنیش این است که وقتی که وزارت جنگ تصویب کرد شورای نظامی هم منزم است که تصویب بکند .

لواء الدوله - عرض کنم ممکن است وقتی این مراتب را به شورای نظامی رجوع بکنند و وزیر جنگ یک کسی را خودش بخواهد رتبه بدهد این ترتیب هم ممکن است و باید وزارت جنگ بآن صورتی که اسامی کلبه صاحب منصب ها در آن درج است و تاریخ ورود بخدمت و ارتقا رتبه آنها ضبط شده است رجوع میکند و از آنجا رجوع میشود بشورای نظامی که فلانکس چهار سال خدمت کرده است در رتبه نایب دوم و حالا موقع ترفیع رتبه اوست آنوقت بعد از آنی که معین شد خیانتی و خلافی در آن مدت نکرده است و صحیحاً خدمت کرده است شورای نظامی تصویب میکند که ترفیع رتبه باو داده شود .

آقا شیخ ابراهیم - این عبارت مطلب را خوب نمیرساند همه می فهماند که علاوه بر تصویب وزارت شورای نظامی هم باید تصویب بکند یعنی تصویب شورای نظامی بعد از تصویب وزارت جنگ است و حال آنکه مقصود گویا این نباشد بعکس است یعنی بعد از تصویب شورای نظامی تصویب وزارت جنگ خواهد بود یعنی اول باید شورای نظامی تصویب بکند بعد از روی آن وزارت جنگ تصویب بکند و فرمان صادر بشود .

معزز الملک - اینکه بفرمائید اصلاح عبارتی است که باید بشود و اصلاح و اهد شد .

حاج شیخ اسدالله - مطابق قانون اساسی اعطاء رتبه های صاحب منصبان شمشیر بند از مختصات سلطنتی است و چیزی که در آنجا قید میکند فقط تصویب وزارت جنگ است و اگر ما در اینجا بخواهیم یک قیدی را اضافه بکنیم که باید تصویب شورای نظامی هم باشد حقیقتاً بنده تصور میکنم که خلاف قانون اساسی باشد بجهت اینکه قانون

اساسی چیزی را که در این موضوع قید میکند فقط همان تصویب وزارت جنگ است و کلیتاً اصطلاحها را چه رتبه نایبی باشد چه رتبه میرینجی از مختصات سلطنتی می شمارد و فقط می نویسد که با تصویب وزارت جنگ داده خواهد شد و در این صورت مقید کردن یک قید دیگری خلاف قانون اساسی باشد **معزز الملک** - اینجا گویا برای آقای - حاج شیخ اسدالله اشتباهی حاصل شده است در اصل ۴۷ قانون اساسی گفته شده است که (اعطاء درجات نظامی و نشان و امتیازات افتخاری با مراعات قانون مختص شخص پادشاه است) مراعات قانون همین است که ما الان داریم می نویسیم و میگوئیم که وزارت جنگ در موقع ترفیع رتبه با ملاحظه لیاقت و شرایط دیگر تصویب شورای نظامی را هم شرط بداند و این هم که در قانون اساسی نوشته شده است نظر باین است که پادشاه فرمانده نظامی بری و بحری مملکت است و فرمانده باید اختصاصاً حق دادن ترفیع رتبه بآنها را داشته باشد و این یک قانون کلی است که در قانون اساسی نوشته شده است حالا حدود این اجازه چطور باید باشد آن یک حدی است که مجلس باید آنرا معین بکند و در این موقع که مجلس دارد ترتیب دادن ترفیع رتبه را معین میکند در سایر رتبه ها تصویب کرد که فقط تصویب وزارت جنگ باشد و در اینجا تصویب شورای نظامی را هم شرط قرار میدهد یعنی وقتی که یک میرینجی را میخواهند لقب امیرتومانی بدهند اول رأی و تصدیق شورای نظامی را در آن باب اتخاذ بکنند و بعد وزارت جنگ با تصویب خودش آنرا بمقام سلطنت پیشنهاد بکند و امضاء های یونی و صدور فرمان آن رتبه را باو بدهند و این هیچ مخالفی به با قانون اساسی ندارد بلکه مطابق با اصل ۴۷ قانون اساسی است .

دکتر سعیدالاطهبا - اینجا می نویسد که (برای اعطاء رتبه سرتیبی و میرینجی و امیرتومانی علاوه بر تصویب وزارت جنگ شورای نظامی نیز دادن این رتبه ها را باید تصویب نماید) بنده تصور میکنم که برای دادن ترفیع رتبه اول باید وزارت جنگ رجوع بکند بشورای نظامی برای اینکه شورای نظامی اطلاع کامل از خدمات صاحب منصبان دارد اطلاعات خودش را اظهار بکند و تصدیق بکند آنوقت وزارت جنگ تصویب بکند و در این موقع فرمان های یونی صادر بشود و در اینصورت عبارت اینطوریکه نوشته شده است ناقص و باید اصلاح بشود .

لواء الدوله - عرض کنم از هر دسته و فوجی بعضی اشخاص هستند که قابلیت و استعداد ترفیع رتبه را پیدا می کنند آنوقت صاحب منصب آن فوج شرحی می نویسد بوزارت جنگ و وزارت جنگ آنرا میفرستد بشورای نظامی و نظریات خودش را هم در اینکه این شخص قابل است یا قابل نیست اظهار میدارد که پس از آنی که شورای نظامی تصدیق کرد فرمان صادر بشود و امادد مخصوص ایرادی که آقای حاج شیخ اسدالله در باب اعطاء نشان کردند که مختص شخص پادشاه است اینطور نیست که ایشا تصور کردند برای اینکه عرض بفرمائید وزارت جنگ یک قشونی میفرستد به بلوچستان آنوقت یکی از صاحب منصب های اولایق امیرتومانی میشود حالا میفرمائید حکما

باید شاه برود به بلوچستان و آنترفیع رتبه را بدهد برای اینکه ایشان از مختصات اوست این طور نیست باید به تصویب شاه باشد که آن قشون فرستاده شود .

نایب رئیس - آقای حاج شیخ علی یك اصلاحی پیشنهاد کردند اصلاح عبارتی است خوانده می شود . (ببارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم عبارت ماده ۲۱ اینطور نوشته شود برای اعطاء رتبه سرتیپی و میرینجی و امیرتومانی پس از تصدیق شورای نظامی و تصویب وزارت جنگ فرمان همایونی صادر میشود .

لواءالدوله - عرض کنم بنده این اصلاح را قبول میکنم که در کمیسیون مذاکره بشود .

نایب رئیس - دیگر گویا در اینجاده مخالفی نیست (گفتند خیر) ماده ۲۴ خوانده میشود .

ماده ۲۲ - کسانیکه از مدارس نظامی فارغ التحصیل شده باشند در موقع رسیدن برتبه نایب دومی علاوه امتیازی که در ماده ۴ در صاحب منصبان فارغ التحصیل مدارس نظامی ذکر شده است یکسال قدمت خدمت در حق آنها منظور و محسوب میشود .

نایب رئیس - مخالفی هست (اطهاری نشد) ماده ۲۳ خوانده میشود .

(ببارت ذیل قرائت شد) ماده ۲۳ - ترتیب ترفیع رتبه صاحب منصبان صفوف معاونه از قبیل مهندسی و مهمات نظامی و غیره مثل پیاده نظام است .

نایب رئیس - در این ماده هم گویا مخالفی نیست (گفتند خیر) ماده ۲۴ خوانده میشود (ببارت ذیل قرائت شد) ماده ۲۴ - ترتیب ترفیع رتبه اظهان نظامی مثل صاحب منصبان پیاده است .

نایب رئیس - مخالفی هست .

حاج شیخ اسدالله - میخواستیم عرض کنیم که خوب است توضیح بدهند که ترفیع رتبه اظهان نظامی یعنی چه .

لواءالدوله - برای مهندسی اظهانی کدر رتبه قشونی هستند نوشته شده است که اینها رتبه ها شان مثل رتبه صاحب منصبان پیاده است نمثل نوبخانه و سواره و همان طوریکه درباره صاحب منصبان پیاده ترفیع رتبه داده میشود در باره آنها هم همین طور رفتار خواهد شد از این جهت این مطلب در این ماده نوشته شده است .

نایب رئیس - دیگر مخالفی نیست ماده ۲۵ خوانده میشود . (ببارت ذیل قرائت شد) ماده ۲۵ - هر يك از رؤسای نظامی حق دارد در اداء حسن خدمت و انجام خدمات مشکل و اظهار رشادت در مواقع جنگ و شورش و انقلاب برای صاحب منصبان مؤسس خود تقاضای ترفیع رتبه نمایند بعد از آنکه وزیر جنگ تقاضای مذکور را تصویب کرد میتواند ترفیع رتبه را از حضور اعلیحضرت همایونی درخواست نماید بشرط اینکه کسی درباره او ترفیع رتبه خواسته میشود کمتر از دو سال در آن درجه نظامی کدار است خدمت نکرده باشد .

نایب رئیس - در این ماده مخالفی هست - (اطهاری نشد) ماده ۲۶ خوانده میشود (ببارت ذیل قرائت شد) ماده ۲۶ - تناسب شغل و رتبه در قشون بری مملکت مطابق ترتیب ذیل است .

سلطان - پاور - فرمانده گروهان و (اسکادرن) و (باتری) پاور - نایب سرهنگ - سرهنگ - رئیس (پانالیون) و معاون رئیس فوج سوار توپخانه

سرتیپ - سرتیپ - فرمانده فوج . سرتیپ - میرینج - میرینج - فرمانده (بریکاد) . میرینج - امیرتومان - فرمانده (دیویزیون) و مافوق .

حاج سید ابراهیم - بنده حقیقه با استعمال این الفاظ مخالفم و هیچ دلیلی تا بحال ذکر نشده است از برای اینکه این الفاظ عیناً باید ذکر شود بجهت اینکه لفظ خصوصی بجهت معنی مخصوصی ندارد و ممکن است همین طور که این الفاظ را استعمال میکنند معانی آن را با الفاظ دیگر که فارسی باشد استعمال بکنند و تخصص پیدا بکنند و معمولی شود

مثلاً ملاحظه فرمائید که لفظ (گروهان) بگویند هزار سرباز چه لفظ (گروه) بگویند تفاوتی پیدا نمی کند برای اینکه هر دوی آن را ما باید بعلم ثانوی مطلع بشویم که (گروه) یا گروهان عبارت است از هزار یا هشتصد نفر و اسم از برای این عده است پس استعمال این معانی هیچ مستلزم این نیست که ما الفاظ خودمان را استعمال بکنیم برای اینکه همانطور که فوج را معین میکنند از برای هشتصد نفر همانطور

ممکن است معانی این الفاظ را با الفاظ فارسی از برای عده آنها معین بکنند پس اسامی منحصر باین الفاظ نیست و اشکال تمام این الفاظ برای این معانی هم کمتر از اشکال تعلق الفاظ خودمان برای این معانی نیست خصوصاً اینکه ما می خواهیم نظامی را که شامل تمام افراد مملکت است تعلیم باین الفاظ بکنیم و اگر اینطور باشد اول باید آنها پروند الفاظ فرانسه را یاد بگیرند بعد بیایند سرباز بشوند هیچ سرباز نخواهیم داشت پس بقیه بنده نوشتن این الفاظ هیچ فایده ندارد و پیشنهاد می کنم که این الفاظ را از این ماده بردارند و عوض لفظ (گروهان) مثلا بنویسند (گروه) و بنویسند که این لفظ عبارت است از هزار یا هشتصد نفر یا کمتر یا اینکه محتاج بذکر این قبیل الفاظ نشویم و اذهان عامه را مشوب نکنیم .

معزز الملک - اتفاقاً آقای حاج سید ابراهیم اشکال در یک کلمه فرمودند که فارسی است کلمه گروهان فارسی است و خیلی مستعمل است در نظام و از لغات فرانسه نیست اما کلمات دیگری که استعمال شده است حضرتعالی اگر یک قدری داخل در نظام می بودید می دانستید که (اسکادرن) و (باتری) و (دیویزیون) يك کلماتی است که امروزه بیشتر در نظام ما استعمال می شود حالا اگر تصویب داشته باشیم که حتماً کلمات خودمان را استعمال بکنیم آن يك نظری است ولی کمیسیون نظام (آکادمی) نیست که يك الفاظی از برای این کار پیدا کنند و استعمال هر وقت يك مجلس (آکادمی) را دارا شدیم و يك الفاظی بر این معانی وضع کرد آنوقت البته کمیسیون

نظام هم با کمال میل همان الفاظ را استعمال خواهد کرد و اگر مقصود از استعمال الفاظ همانند و رساندن يك معنایی است که بنده عرض می کنم (اسکادرن) و (باتری) و (دیویزیون) يك کلماتی است که تقریباً در نظام تمام ایران معمول است و معنای آنها را بخوبی می فهمند .

دکتر حاج رضاخان - اینکه می فرمایند این الفاظ الفاظی است که مستعمل است فایده الفاظ فارسی را میدهد هیچ چیزی نیست و این مثل این است که چون بنده می دانم (تیفونی) مطبفه است تصور می کنم که تمام مردم هم می فهمند و حال اینکه اینطور نیست خیلی از مردم هستند که نمی دانند و این الفاظ (باتری) و (اسکادرن) و (دیویزیون) همانطور که فرمودند را میسر است بردارند و بجای آن الفاظ فارسی بگذارند که عبارت باشد از دسته یا قسمت یا هر چه که میدانند و وقتی که آن الفاظ را نوشته همه مردم می فهمند و گوششان هم عادت می کند و خیلی بهتر از این است که بلغات خارجه نوشته شود .

شکر امیرخان - بعضی ایرادات در این جا شده است که بنده می خواهم تأیید بکنم فرمایشات آقای معزز الملک را که بعضی الفاظ هست که واقعا اگر ما بخواهیم ترجمه آنها را استعمال بکنیم هیچ کسی نمی فهمد والا مثلا تکراف را چرا نمی گوئیم سیم خبر پرو همین طور (تلفون) کمیسیون همیشه در مجلس میگویند پس چرا معانی آنها را استعمال نمی کنیم همین طور این الفاظ (اسکادرن) باتری (دیویزیون) يك الفاظی است که در نظام ما مستعمل است و بهتر از معانی آنها از آنها مقصود فهمیده می شود و هیچ شباهتی بلفظ (تیفونی) که می فرمایند ندارد بجهت این که از وقتی که تشکیلات نظامی بطور جدید در ایران شده است این الفاظ را استعمال کرده اند و اذهان بآن مانوس شده است حتی صاحب منصبانی که در ایلات هستند این الفاظ را می دانند ولی با وجود این البته باید وزارت جنگ يك ترتیبی بدهد الفاظ ترجمه شود آن وقت کمیسیون نظام هم می تواند آن الفاظ را استعمال بکند و استعمال این الفاظ را ترك بکنند .

آقا شیخ ابراهیم - گویا مقصودشان از این فرمایشات این است که (گروهان) اسکادرن باتری برداشته شود و نوشته شود مثلا بجای گروهان صد پیاده بجای اسکادرن صد سواره و غیر از این لفظی ندارد هم چنین برای هشتصد نفر مثلا يك کلمه داریم که فوج است ولی یا صد نفر یا کلمه مخصوصی نداریم ولیکن اساساً این اظهارات صحیح است و این را در کمیسیون میرویم و مذاکره می کنیم و باندازه که ممکن است الفاظی پیدا می کنیم و اشکالی هم نخواهد داشت .

نایب رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد (گفتند کافی است) ماده ۲۷ خوانده میشود (ببارت ذیل قرائت شد) ماده ۲۷ - هر دقه که بواسطه قدمت خدمت و مطابق مقررات قانونی موقع ترفیع رتبه یکی از صاحب منصبان میرسد ممکن است آن صاحب منصب بواسطه نواقص و وجودیکه مانع خدمات نظامی

باشد و با عدم صحت مزاج برای ترفیع رتبه پیشنهاد نشود در این صورت پیش از وقت بآن صاحب منصب باید اطلاع داده شود که استعفاي خود را تقدیم نماید شهادت نامه راجع بعدم امکان تحمل خدمات نظامی به آن صاحب منصب داده شده اگر در مدتی که قانوناً معین هست خدمت کرده است حقوق تقاعدی مطابق قانون تقاعد نظامی باو داده خواهد شد علاوه بر این مواج ماه جاری و ماه بعد يك جا باو داده شود **افتخار الواعظین** - این بدیهی است که این نقص که از برای این صاحب منصب حاصل شده است که بواسطه آن نمیتواند ترفیع رتبه حاصل بکند در ابتداء وارد بخدمت این نقص را نداشته است بجهت اینکه اگر این نقص را ابتدا دارا می بود نمی توانست داخل خدمت نظامی بشود بلکه بواسطه این است که در بین خدمات نظامی در يك جنگی گنوله باو خورده است و پای او از حس و حرکت افتاده است و بواسطه آن نمی شود که ترفیع رتبه باو داده شود حالا در اینجا می نویسد که در اینصورت پیش از وقت بآن صاحب منصب باید اطلاع داده شود که استعفاي خود را تقدیم نماید شهادت نامه راجع بعدم امکان تحمل خدمات نظامی بآن صاحب منصب داده شده اگر در مدتی که قانوناً معین هست خدمت کرده است حقوق تقاعدی مطابق قانون تقاعد نظامی باو داده خواهد شد از این عبارت همچو فهمیده میشود که اگر چنانچه يك صاحب منصبی از خدمات نظامی باندازه که قانون تقاعد نظامی معین کرده است که مثلا بیست سال است یا ۱۵ سال مشمول نبود مثلا ده سال خدمت کرد یا ۱۵ سال خورد خورد ترفیع رتبه که باو نمیشود داد هیچ چون مدت خدمت را ا کمل نکرده است حقوق تقاعدی هم باو داده نمیشود بنده می خواستم بدانم که با يك همچو آدمی در اینصورت چه شکل رفتار خواهد شد آیا حقوق يك نفر نظامی که داخل در خدمت است باو داده خواهد شد یا اینکه آن را هم نمیدهند و اینهم که نوشته شده است (علاوه بر این مواج ماه جاری و ماه بعد يك جا باو داده میشود) میخواستیم بدانم که مراد این است که حقوق دو ماه بعد از نقص باو داده میشود یا اینکه حقوق دو ماه تقاعدی يك جا باو داده میشود .

معزز الملک - آقای افتخار الواعظین يك ایرادی فرمودند ولی بالاخره فرمودند که چه باید کرد فرضاً اگر يك نفری در خدمت نظامی بوده است و حالا طوری شده که چشمش کور شده است یا لنگ شده است یا عیوبات دیگری در او پیدا شده است در این مورد چه باید کرد آیا باید او را در خدمت نظامی گذاشت .

افتخار الواعظین - نباید گذاشت پس باید او را برداشت و این ماده هم که میگوید که اگر کسی بواسطه نقصان در بدن یا علتی که از برای او حاصل شده باشد نتواند از عهده خدمت نظامی بر بیاید آنوقت او را بیرون نیکندند باو تکلیف می دهند که استعفا بدهد برای اینکه خلاف نزاکت رفتار نشده باشد و بعد از آنی که استعفا داد حقوق ماه جاری و ماه بعد آنرا يك جا باو می دهند این حال حالیه اش برای آنه او هم راجع کردند بقانون تقاعدی اولاً در قانون

تقاعد شصت سال معین نخواهد شد یقیناً ده سال خواهد بود و قانون تقاعد هم يك ماده نخواهد بود که يك ماده واجده نوشته شود که هر کس ده سال خدمت کرد باو حقوق تقاعدی داده میشود بلکه دارای موادی خواهد بود و مفصلاً در آنجا شرح داده میشود که آنکسی که از خدمت خارج میشود بواسطه ناخوشی است یا بواسطه زخمی است که در جنگ باو رسیده است اگر بواسطه زخم در جنگ است یا او چه باید کرد اگر بواسطه علت مزاج است آنکس هم بواسطه خدمت حاصل شده است یا بواسطه علت خارج است و از این قبیل مواد عدیده در آنجا نوشته میشود و تکلیف هر موادی از آنها را معین خواهد کرد حالا فرض فرمائید ده سال در نظام خدمت نکرده است ولی در جنگ يك علتی باو رسیده است که دیگر نمی تواند در خدمت نظام باشد آنوقت مطابق یکی از مواد قانون تقاعدی که نوشته خواهد شد يك حقوقی باو داده میشود والا نظام را که نمی شود پر کرد از لنگ و وشل و کور و اشخاصی که هیچ بکار نمیخورند این نکته را هم نباید فراموش کرد که کلیه در امور مملکتی خصوصاً در نظام زیاد حساس بودن و پر کردن صندوق اعانه و خیریه جایز نیست بواسطه اینکه نظام برای جنگ است برای خدمت است برای کار است و نظامی باید بطوری باشد که از هر حیث بتواند انجام وظایف خودش را بدهد .

حاج وکیل الرعایا - بنده با این ماده موافقم ولی در اینکه نوشته شده است در صورتی که استعفا داد حقوق دو ماه باو داده میشود مخالفم و عرض میکنم که حقوق سه ماه او را پیشکی باو بدهند .

معزز الملک - عرض میکنم اگر اینطور باشد بنده هم در آخر عرض خود عرض میکنم که سه ماه است حقوق چهار ماه باو داده شود بعد یکی دیگر از نمایندگان که رفت قلبش بیشتر است خواهد گفت چهار پنج ماه کم است حقوق ششماه باو بدهند پس این چیزی است که نهایت ندارد و این ترتیبی که در اینجا نوشته شده است يك ترتیبی است که امروزه معمول است و ما باید از پیش خودمان اجتهاد بکنیم یا اینکه تقلید بکنیم و اینجا نوشته شده است که علاوه بر حقوق جاری او حقوق يك ماه بعد هم باو داده میشود از برای اینکه يك کمکی ا برای معاش او بشود و کاری پیدا بکنند و بعد هم که مطابق قانون تقاعد يك حقوق تقاعدی خواهد داشت در اینصورت زیادتر از دو ماه تصور نمیکنم که لازم بدانند باو داده شود .

آقا شیخ ابراهیم - اگر آنچه از ظاهر این عبارت فهمیده میشود مراد باشد صحیح نیست بجهت اینکه ظاهر این عبارت این است که هر گاه نواقص وجودی داشته باشد یا کاری بر او بشود و در مقام ترفیع رتبه باشد آنوقت حقوق تقاعدی باو خواهند داد استعفا خواهند داد یا هر چه خواهد کرد ولیکن این ترتیب گویا صحیح نباشد بجهت اینکه هر صاحب منصبی وقتی باو يك نقصی وارد شد صدمه خورده لطمه خورده که دیگر قابل صاحب منصبی و خدمت نظام نیست اهم از اینکه موقع ترفیع رتبه او

رسیده باشد یا نرسیده باشد باو بگویند باید استعفا بدهی چرا بجهت اینکه تودیکر لیاقت صاحب منصبی و خدمت در نظام را نداری این دیگر شرایط دیگر لازم ندارد که بشرط اینکه موقع ترفیع رتبه او رسیده باشد یا نرسیده باشد وقتی هم که استعفا داد ممکن است که مدت خدمت خودش را تمام کرده باشد و حقوق تقاعدی رتبه که دارد باو بدهند در هر صورت مقصود این است که اگر ناقص شد و لیاقت اینرا ندارد که در خدمت نظام باشد چه باید کرد حالا میخواهد که ترفیع رتبه حاصل کرده باشد نکرده باشد رسیده باشد نرسیده باشد در اینصورت باید استعفا بدهد و حقوق تقاعدی رتبه را که دارد باو بدهند اگر مقصود اینست این عبارت کافی نیست باید اصلاح بشود .

لواءالدوله - عرض کنم خود این طرح میگوید که ترفیع رتبه این ربطی بقانون تقاعد ندارد میگوید اگر يك صاحب منصبی در موقع ترفیع رتبه يك نقص باو وارد بشود یا يك علتی در مزاجش پیدا بشود آن ترفیع باو داده نمی شود و از خدمت نظامی استعفا میدهد آنوقت حقوق دو ماه باو یکجا داده میشود برای بدهم در قانون تقاعد هر چه درباره او هست در حق او وصل میشود مثلا در قانون تقاعد نوشته میشود که اگر صاحب منصبی در جنگ يك زخمی بر او وارد شد که از نظام باید خارج بشود اگر آن زخم در سینه او است چه اندازه باید حقوق باو بدهند اگر در دستش است چقدر اگر در پایش است و نمی تواند راه برود یا کار بکند چقدر هر چه هست در آن قانون معین خواهد شد این ربطی با اینجا ندارد و گمانم این است که خود ترفیع رتبه جواب بدهد .

نایب رئیس - آقای دکتر امیرخان پیشنهاد کرده اند که جمله اگر در مدتی که قانوناً معین است خدمت کرده است حذف بشود ولی چون عده برای اخذ رأی کافی نیست بعد از تنفس خوانده میشود و رأی میگیریم حالا بیکر جمع تنفس میشود (بعد از تنفس یکساعت قبل از غروب مجلس افتتاح و پس از یک ربع رسماً تشکیل شد) **نایب رئیس** - در ماده ۲۷ آقای دکتر امیرخان پیشنهاد کرده بودند چون عده کافی نبود رأی گرفته نشد حالا خوانده میشود و رأی میگیریم . (ببارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم از ماده ۲۷ جمله (اگر در مدتی که قانوناً معین است خدمت کرده است) حذف بشود .

دکتر امیرخان - چون از این عبارت همچو فهمیده می شود که اشخاصیکه قابل صاحب منصبی نیستند و آن خدمتی را که باید کرده باشند نکرده اند بعد از بیرون رفتن آنها از نظام فقط حقوق دو ماهه باو داده میشود دیگر حقوق تقاعدی باو نمی دهند و حال اینکه اینطور نیست بلکه هر صاحب منصبی که در جنگ مجروح بشود و یا با دستش کلوله بخورد و بعد از خوب شدن نتواند در خدمت نظامی باشد برای او بکترتیبی هست که عمل میشود اولاً هر فردی از افراد نظام که بکترحتی باو برسد و راپورت آن داد میشود و بعد از روی قانون طبی که در آنجا شرح داده میشود که برای هر قسمی که وارد بشود دولت ماهانه چقدر

بول باید بدهد مثلا اگر دودست باشد چقدر اگر
یکدست و یک یا باشد چقدر از روی آن تکلیف آن
مجروح معین میشود و یک حقوق درباره او معین خواهد
شد از این جهت بنده تصور می کنم که این جمله
(اگر در مدتی که قانونا معین است خدمت کرده است)
را برداریم رفع این اشکال میشود .

نواء الدوله - بنده این پیشنهاد را قبول
می کنم .
نایب رئیس - ماده ۲۸ خوانده میشود بعبارت
ذیل قرائت شد)

ماده ۲۸ - - - اگر در هر يك از اخراج مورد
ترقیع رتبه و شغلی بواسطه فرار از خدمت نظامی و یا
طرز از خدمت نظامی بواسطه ارتکاب تقصیر و یا
خود کشتی و یا قتل در غیر موقع نظامی یکی از صاحب
منصبان پیدا شود آن مورد ترقیع رتبه و شغل صاحب
منصبان همان شغل و اگزار نشده صاحب منصب از
دستجات دیگر معین خواهد شد .

ارباب کبخسرو - بنده میخواستم از
آقای مخیر سؤال بکنم که علت اینکه بصاحب منصب
همان فوج و اگزار نخواهد شد چیست برای اینکه فرضا
یک نفر از صاحب منصبان باین علی که در اینجا ذکر
شد طرد شود آیا صاحب منصبان آن فوج ترقیع رتبه
حاصل خواهند کرد یا خیر اگر ترقیع رتبه حاصل
نخواهد کرد که این صحیح است و اگر حاصل خواهند
کرد که چرا بآنها داده نشود و این منصب از این فوج
برود ب فوج دیگری این را خوب است توضیح فرمایند

نواء الدوله - عرض کنم که این ترتیبی که
اینجا ذکر شده است برای این است که در آن دسته
با آن فوج که صاحب منصب بترقیع رتبه اش نزدیک
است ممکن است زبردستش نظر باینکه اگر او از
میان برود او بجای او خواهد رسید او را بیک کاری
و ا دارد باین اسبابی فراهم بیارود که او فرار نکند
با اینکه یک دوائی باو بدهد که از میان برود باین
جهت این ماده را نوشته اند که اگر یک همچو اتفاقی
بیفتد آن منصب بصاحب منصبان آن فوج داده
نمی شود تا این که جو گیری از این کار
ها بکنند .

حاج سید ابراهیم - این بیانکه آقای
مخیر کردند باین عبارت یک قدری موافقت ندارد
از این گذشته اول و آخر عبارت این ماده هم بهم
ارتباطی ندارد بجهت اینکه می نویسد اگر صاحب
منصب در موقع ترقیع رتبه و شغلی بواسطه فرار یا
طرز یا ارتکاب تقصیر یا غیر اینها بترقیع رتبه نایل
نشود آن ترقیع رتبه و شغل بصاحب منصبان همان
فوج داده نمیشود بعد میگوید صاحب منصب از
دستجات دیگر معین خواهد شد ممکن است بیک فوج
خیلی از دستجات داشته باشد یعنی در صورتی که
صاحب منصب بیک دسته تقصیری کرد ترقیع رتبه او
بدسته دیگر از دستجات همان فوج داده میشود و
اینکه مخیر می فرمایند که شاید یک زبردستی نیست
بصاحب منصب خود برای رسیدن ب مقام او بیک اسبابی
برای او فراهم بیارود از اینجهت بآنها داده نمیشود
بنده عرض میکنم اگر یک صاحب منصبی همچو کاری

را بکند خود اینکار یک تقصیری است که میکند و
باید نوشت که مورد مجازات بشود و در هر صورت
تصور میکنم که این عبارت بصاحب منصبان همان فوج
و اگزار نشده سهو است باید نوشت بصاحب منصب
آن دسته و اگزار نمیشود و بصاحب منصب از دستجات
دیگر معین خواهد شد

معزز الملک - من نمی دانم آقای حاج
سید ابراهیم عبارت بیکی از دستجات دیگر داده
می شود را تصور کردند که مقصود دستجات دیگر همان
فوج است در صورتی که هیچ همچو چیزی نیست و
آقای مخیر بیان کردند که مقصود چه بوده است و این
بمنظور بنده یک ماده خوبی است که در این قانون
نوشته شده است برای اینکه زندگی نظامی یک
زندگی خانوادگی است که افراد آن خانواده باید
بهم دیگر کمال صمیمیت را داشته باشند و تعاون
کامل مابین آنها باشد والا اگر اینطور نباشد و در
نظام هم مثل خارج از نظام تمام افراد آن بخواهند
دسته بندی بکنند و برضه مدبر اقدام بکنند آن
وقت هیچ کاری از پیش نخواهد رفت مثلا فرض
بفرمایند در یک فوجی همین صور که ذکر شد ممکن
است ترقیع رتبه بیک صاحب منصبی بسته نبودن یک
صاحب منصب دیگری باشد که اگر او نباشد این دارای
یک ترقیع رتبه و یک مقام عالی تری خواهد شد حالا
اگر این قید نشود و ممتنع قبل از وقت پیش بینی نکند
و نگوید که او هم از این نرود آن ترقیع رتبه بتر
داده نخواهد شد ممکن است این شخص بجز او وسیله
و او اینکه یک کسی را و ا دارد که او را بکشند یا اینکه
باو بگویند که این خدمت چه کاری است عاقبتی ندارد
و آن شخص هم یک قدری ضعیف النفس باشد و قبول
بکند یا امتثال این تشبیهات را بکند از برای اینکه
آن صاحب منصب را از این برادر والته این مخالف
است با (سولید اریته) و ترتیب فوج باین جهت
اینجا گفته شده است که اگر در یک فوج ترقیع
رتبه بواسطه فرار از خدمت نظامی باشد که این
یکی از تقصیرهای بزرگی است که در نظام تمام عالم
شمرده میشود پیدا بشود و بواسطه خود کشتی باشد
که بهر یک صاحب منصبی طوری تنگ بگیرند که او
خودش را بکشد و امثال این موارد آن ترقیع رتبه
بصاحب منصبان آن فوج داده نخواهد شد ولی البته
باید آن منصب را داخل یک دسته کرد از اینجهت
نوشته شده است که آن منصب سایر دستجات فوج
دیگری که در همان خدمت هستند و ممکن است ترقیع
حاصل بکنند داده شود دیگر تصور نمیکنم که اشکالی
در این ماده باقی مانده باشد

نایب رئیس - گویا دیگر مخالفی در این
ماده نباشد (گفتند مخالفی نیست)
ماده ۲۹ - - - خوانده میشود (بعبارت ذیل
قرائت شد)

ماده ۲۹ - هرگاه صاحب منصبی بخواهد از
خدمت نظامی استعفا دهد در مواردی که قانون
اجازه میدهد باینکه درجه ترقیع رتبه مستعفی خواهد
شد بشرط اینکه در آن منصبی که در زمان استعفا
دارا میباشد اقلا دو سال خدمت کرده باشد ولی
ثانیا بخدمت نظامی پذیرفته نخواهد شد مگر در

مواقع جنگ که دولت وجود آنها را لازم بداند
حاج سید ابراهیم - بنده می خواستم
عرض کنم که اینکه نوشته شده است (باینکه درجه
ترقیع رتبه مستعفی خواهد شد) یعنی بیکدرجه از
رتبه او بکاهد یا اینکه وقتی که باید باو ترقیع
رتبه بدهند از او مواظبه می شود خوب است آقای مخیر
اینرا توضیح بدهند که معلوم بشود

نواء الدوله - عرض کنم صاحب
منصب زمانی که خدمت می کند مجبور
نیست که در یک دسته ده سال بیست سال سی سال
باشد بلکه یک مدت معین را برای خدمت او در
قانون معین میکنند که تا آن مدت می تواند بماند ولی
یک وقتی است که میخواهد از شغل خودش استعفا
بدهد و خلاق هم از او سر نزده است رئیس آن
دسته که این صاحب منصب در تحت فرمان او است
از او راضی است در همچو صورتی برای اینکه این
شخص که خدمت کرده است خدمت او پذیرفته
باشد یک درجه افتضاراً باو ترقیع رتبه میدهند که
با داشتن آن درجه خارج بشود تا اینکه دو خارج
نگویند این بیچاره یک خلافی کرده است و باینجهت او
را خارج کرده اند و یکی هم اینکه اینکار اسباب تشویق
سایرین خواهد شد .

ارباب کبخسرو - اشکال بنده همان است
که آقای حاج سید ابراهیم فرمودند و بیشتر مشکل
شد از این جوابی که آقای مخیر فرمودند بقیه بنده
کلیه این مواد قسمی نوشته شده است که آقای مخیر
باید همراه آنها بشنود مقصود از آنها را توضیح
بدهند در شور نانی باید کلیه این مواد اصلاح بشود .

معزز الملک - آقایان گویا یک قدری درست
دقت نمی فرمایند در این ماده بجهت اینکه این ماده
بقدری واضح نوشته شده است که هیچ محتاج توضیح
و تصریح نیست میگوید هر گاه صاحب منصبی
بخواهد از خدمت نظامی استعفا دهد در مواردیکه
قانون اجازه میدهد باینکه درجه ترقیع رتبه مستعفی
خواهد شد اولاً این ماده میخواهد بگوید که کلیه
استفای صاحب منصب از خدمت نظامی همیشه اختیاری
نیست یعنی هر وقتی که صاحب منصب بخواهد استعفا
بدهد از او نمی پذیرند و از این جهت است که قید
شده است در مواظبه که قانون اجازه می دهد مثلا
فرض بفرمایند که یک جوانی داخل مدرسه نظامی میشود
و سه سال تحصیل میکند و دولت یک مخرجی از
برای او میکند و بعد از آنی که تحصیلات خودش
را تمام کرد و خارج شد می گویند که خدمت نظامی
برای من مشکل است و در ادارات غیر نظامی خدمت
کردن سهل است از این جهت من از خدمت نظامی
استعفا میدهم در چنین صورتی دولت آن استعفا
را از او قبول نمی کند والا اگر این طور باشد
پس دولت مخرج کرده و مدرسه دایر کرده است
و یک عده را فقط تربیت کرده است برای ادارات
پس قانونا اینطور است که حق ندارد استعفا بدهد
مگر اینکه دو مقابل مدتی که در مدرسه تحصیل
کرده است بدون در نظام خدمت بکند یا اینکه
ممکن است که یک عده صاحب منصبی که در غیر موقع
جنگ با کمال راحتی از دولت پول گرفته است و در
خرج کرده است و لباس قشنگ پوشیده است و در

کروچه ها راه رفته است همین که دید موقع جنگ
رسیده است و باید رفت و جنگ کرد و کشت و کشته
شد می گویند من نیروم و استقامت میم در این مورد
هم دولت استغای او را نمی پذیرد و همچنین هیچ
صاحب منصبی در مثل این موارد نمیتواند از خدمت
نظامی استعفا بدهد این است که در اینجا قید شده
است که (در مواردی که قانون اجازه میدهد) و
یک مقصود دیگر این قانون این است که در مواردی
که مستثناست یعنی صاحب منصب نظامی میتواند
از شغل خودش استعفا بدهد با یک درجه ترقیع رتبه
مستعفی خواهد بود و در این صورت آن ایراد های
حاج سید ابراهیم هم وارد نخواهد بود بجهت اینکه
ترقیع بالا بردن رتبه است یعنی یک رتبه بالاتر از
آن رتبه که دارد باو داده میشود این یک مدخلیتی
خواهد داشت در حقوق تقاعدی او و همچنین برای
اینکه خدمات گذشته او هم در آن رتبه که بوده است
منظور شده باشد در اینجا نوشته شده است
که مشروط اینکه کمتر از دو سال در آن درجه که
داشته است خدمت نکرده باشد مثلا اگر یک یاوری
یک سال و نیم در رتبه یاوری خدمت کرده است و
میخواهد استعفا بدهد و قانونا هم حق دارد یعنی
میتواند استعفا بدهد آن استغای او پذیرفته میشود
ولی ترقیع رتبه و تقاعدی باو داده نمیشود ولی اگر
یک یاور با داشتن سایر شرایط دوسال خدمت کرد
در درجه یاوری آنوقت خواست استعفا بدهد و حق
استعفا هم داشت البته آن دو سال خدمت او را نباید
از نظر دور کرد بلکه بسا مقام نایب سرهنگی
افتخاری خواهند داد و با داشتن مقام تقاعدی آن
رتبه از خدمت (آکتیف) نظامی خارج خواهد شد
پس این نیکدوسال خدمت برای این است دیگر اینکه
بطوری که در اول عرض کردم این در حقوق تقاعدی
او هم دخیل خواهد بود برای اینکه در حقوق تقاعدی
درجه نایب سرهنگی یک حقوق خواهد داشت و
درجه یاوری یک حقوقی که کمتر از آن میباشد و
دولت محض اینکه پاداش خدمت را داده باشد در
این موقع که این صاحب منصب با داشتن این شرایط میخواهد
استعفا بدهد یک درجه ترقیع رتبه باو میدهد که دخیل
باشد در حقوق تقاعدی او و یک چیزی زیاد تر مدد معاش
باو داده شده باشد و این ماده بقیه بنده بقدری واضح
است که محتاج بتوضیح نخواهد بود .

نایب رئیس - آقای حاج سید ابراهیم
پیشنهاد کرده اند که لفظ (جنگ) از آخر ماده
برداشته بشود .
حاج سید ابراهیم - مقصود بنده این است
که مقید نکند بوقوع جنگ شاید در موقع دیگر هم
دولت بخواهد او را قبول نماید بتواند از این جهت
صحیح نیست که بگوئیم مطلقا پذیرفته میشود مگر
در موقع جنگ .

معزز الملک - بنده تصور میکنم که برعکس
باید مخصوصاً مقید کرد بمواقع جنگ برای اینکه
اگر غیر از این باشد ممکن است یک منصبی برای
یک اشکالی که تصور میکنند استعفا بدهد و همین که
آن اشکال رفع شد دو باره برود پیش مصادر امور
و عجز و التماس بکند که ثانیا او را پذیرد از اینجهت
نوشته شده است که کسی که باختیار خود استعفا میدهد

معزز الملک - بنده تصور میکنم که برعکس
باید مخصوصاً مقید کرد بمواقع جنگ برای اینکه
اگر غیر از این باشد ممکن است یک منصبی برای
یک اشکالی که تصور میکنند استعفا بدهد و همین که
آن اشکال رفع شد دو باره برود پیش مصادر امور
و عجز و التماس بکند که ثانیا او را پذیرد از اینجهت
نوشته شده است که کسی که باختیار خود استعفا میدهد

معزز الملک - بنده تصور میکنم که برعکس
باید مخصوصاً مقید کرد بمواقع جنگ برای اینکه
اگر غیر از این باشد ممکن است یک منصبی برای
یک اشکالی که تصور میکنند استعفا بدهد و همین که
آن اشکال رفع شد دو باره برود پیش مصادر امور
و عجز و التماس بکند که ثانیا او را پذیرد از اینجهت
نوشته شده است که کسی که باختیار خود استعفا میدهد

و نمیخواهد در نظام خدمت بکند او هیچ لایق خدمت
نظامی نیست و نباید دولت او را قبول بکند حالا
در موقع جنگ چون ممکن است که یک وقتی دولت
خیلی محتاج بصاحب منصب باشد از اینجهت بطور
استثناه نوشته شده است که در موقع جنگ دولت
میتواند او را داخل بکند تا اینکه یک خدمتی را انجام
بدهد والا در غیر مواقع جنگ نمیشود او را ثانیا
پذیرفت .

حاج سید ابراهیم - بنده پیشنهاد خودم را
استرداد میکنم .
نایب رئیس - دیگر مخالفی نیست میگردیم
بنده سی (بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۳۰ - هر یک از صاحب منصبان پس از
رسیدن بسنی که ذیلا معین شده است اگر ترقیع رتبه
داده نشود باینکه درجه ترقیع رتبه در جزء متقاعدین
خواهد بود نایب دوم ۳۰ سال نایب اول ۳۶ سال
سلطان ۴۲ سال یاور ۴۸ سال نایب سرهنگ ۵۳
سال سرهنگ ۵۸ سال سرتیپ ۶۳ سال میر پنج
۶۸ سال .

حاج سید ابراهیم - بنده این سن ها را زیاد
میدانم مگر اینکه مخیر توضیح بفرمایند که نایب
دوم مثلا سی سال نایب اول ۳۶ سال ممکن است
نایب دوم ۲۵ سال باشد نایب اول سی سال باشد اینرا
توضیح بدهید .

نواء الدوله - عرض کنم اگر یک نفر نایب
دومی سی سال آنقدر سست و کامل باشد که نتواند در
سی سال یکدرجه را تحصیل بکند این وجودش هیچ
بدرد نمی خورد و در این مدت خدمت کرده خیانتی
هم نکرده لکن نتوانسته است بدرجه بالاتر نائل
شود در این صورت لازمه خدمت او این است که یکدرجه
باو میدهند و او را خارج میکنند و در جزء متقاعدین
هستند و ا ملاحظه بفرمایند یاوری که ۴۸ سال در
یک منصبی باشد و نتواند سرهنگ شود گمان این است
که بدرد نخورد .

دکتر امیر خان - مقصود این نیست که ۴۸
سال دارای آن شغل باشد مقصود این است که سن او ۴
سال باشد .

حاج عز الممالک - در قانون تقاعد هرگاه
پیشنهادی شده باشد آنجا یک سن مخصوص برای
مستخدمین دولت معین میکنند که در آن سن قانون
تقاعدی حقوقی برای آنها معین میکند حالا اینجا
برای هر یک یک سن مخصوص قراردادند بنده مخالفم
در آنجا در یک سال معینی معین شده است که دیگر
داخل خدمت دولت نشوند و خوب است این ماده
بر گردد بکمسیون چون شور اول است یک نظر
ثانوی در این بشود .

معزز الملک - مخصوصاً در اینجا باید
برای هر یک از درجات سن معین بشود چون خدمت
نظامی را هیچ نمیتوان قیاس کرد بخدمت اداری
بجهت اینکه در ادارات ممکن است یک نفر منشی
باشد شصت سال به نشیند چیز بنویسد اما در نظام
یک ترتیبات دیگری سوی سایر ادارات دارد
هر یک در درجانی که در آنجا معین شده است کاری
دارد که سن هم خیلی اهمیت دارد و خیلی دخیل است

اولا نایب اول و نایب دوم بر حسب این طبقه و کارکن سن
دارد مثلا یک وقت حکم میشود که این گروه را برادر
برود مثلا در شش فرسخی باید جلو آنها بیفتد و
چهار پنج فرسخ پیاده برود البته معلوم است انجام
اینوظیفه مستلزم یک قوه جوانی است یک شخصی
شصت ساله نمیتواند اینکار را بکند همین طور سایر
درجات از روی کار معین شده است مثلا از برای نایب
دوم سی سال معین شده است چرا بجهت اینکه اول رتبه
نظامی است و در آن ماده هم که گذشت قرار دادیم که
باید سن صاحب منصب کمتر از ۱۸ سال نباشد ولی
علا خیلی کم اتفاق می افتد تقریباً در صدی دوم ممکن
است نایب ۱۸ ساله باشد بجهت اینکه این شخص که

میخواهد نایب دوم بشود باید یک مدرسه را دیده باشد
و تحصیلاتی کرده باشد که خود این تحصیلات و
مدرسه رفتن شاید در سن ۲۴ سالگی تازه برسد به
نایب اولی آنوقت در سن ۲۴ یا ۲۵ سالگی که بنیات
میرسندند شامه چهار سال معین کرده اند از برای
اینکه او بتواند طی بکند آن رتبه را که دارا است
و برسد بیک مرتبه بالاتری چنانچه در ماده قبل
گذشت شما در هر یک از این موارد دوسال علاوه بر ای
آنها معین کردید که اگر مانعی پیدا شد و نتواند
ترقیع رتبه حاصل کند در آن چهار سال دوسال هم
اضافه وقت داشته باشیم که کلبه شش سال میشود ولی
وقتی که از شش سال تجاوز کرد چون معلوم میشود
آن صاحب منصب بکار نخواهد خورد از اینجهت او را
خارج میکنند و یک آدم جوان قوی می آورند در
مسئله نظامی یک تربیتی هست که شاید در سایر ادارات
آنطور نباشد و بر عکس باشد حتی الامکان سعی
میکند که یک مقصود کلی نائل شوند و آن اینست که
حتی الامکان نظام جوان باشد و همیشه سعی میکنند
که اشخاص پیر از نظام خارج شوند بجهت اینکه
جوان بواسطه قوه جوانی و حدتی که دارد بهتر بدر
اداره و وظائف نظامی میخورد از یک کسیکه در سن
بالا تری باشد سن و تجربه البته دخیل است ولی از
برای رؤساء و فرماندهای نظامی که آنها بواسطه
اطلاعاتی که دارند برای فرمانده های کل نظامی
ممکنست منصوب شوند و منصوب میشوند که بتوانند
آن اطلاعات خودشان را که از زیادی عمل حاصل شده
است بتوسط زبردستهای جوان بوقوع اجرا بکنند
و بهمینجهت است چنانچه ملاحظه میفرمائید برای امیر
تومان هیچ سن معین نشده است بجهت اینکه امیر تومان
یک رتبه ایست که او باید رئیس کل یک اردو باشد و
از او یک حرکت زیادی نمی خواهند از او فقط فکر
و قوای دماغی میخواهند که تجربیات خودش را بتوسط
زیر دستان خودش بوقوع اجرا بکنند .

ماده ۳۱ - اگر صاحب منصب شمشیر بند بخواهد
از خدمت نظامی خارج شده داخل ادارات دیگر
دولتی شود پس از پذیرفته شدن بآن اداره رتبه نظامی
از برتبه کشوری که در خور شأن او باشد تبدیل
خواهد شد ولی کسانیکه بواسطه ارتکاب تقصیر مجبور
بترك خدمت نظامی باشند از این قاعده مستثنی
خواهند بود .

نایب رئیس - با این ماده مخالفی نیست ؟
(اظهار نشد)

نایب رئیس - با این ماده مخالفی نیست ؟
(اظهار نشد)

نایب رئیس - با این ماده مخالفی نیست ؟
(اظهار نشد)

نایب رئیس - با این ماده مخالفی نیست ؟
(اظهار نشد)

ماده ۳۲ خوانده میشود .
 تمام صاحبمنصبان نظامی همیشه باید
 مجلس بلباس نظامی که برای هر دسته معین شده است و
 مسلح سلاح خود باشند .
نایب رئیس - مخالفی نیست ؟ ماده ۳۳
 را بخوانند .

ماده ۳۳ - در هر يك از افواج و دستجات قشونی
 برای افراد صاحبمنصبان از بدو ورود خدمت نظامی
 تعرفه خدمتی مرتب خواهد شد و تمام وقایع خدمتی
 از قبیل ترفیع رتبه و اعطای نشان و ارتکاب تقصیر
 و اختصار خدمتی و حبس و غیره در آن مندرج خواهد
 بود و این تعرفه در موقع تغییر محل خدمت صاحبمنصب
 بجا جدید فرار داده میشود .

نایب رئیس - در این ماده هم مخالفی نیست ؟
 (گفتند خیر)
 ماده ۳۴ - هیچکس نمیتواند رتبه نظامی کسی
 را خلع و یا تنزل دهد مگر بحکم محاکم نظامی و
 شرفی در مقابل ارتکاب تقصیراتی که قانوناً
 معین میشود .

ارباب کیخسرو - می نویسد که هیچکس رتبه
 نظامی کسی را خلع یا تنزل ندهد بنده این لفظ
 هیچکس را در اینجا مناسب میدانم مثل اینست که
 همه کس میتواند کار را بکند اگر مقصود بهر جرات
 عالی است آن صاحبمنصب بدون این شرط نمی تواند
 صاحب منصب دیگری را که مادون اوست از رتبه و دش
 خلع یا تنزل بدهد خوب است لفظ هیچکس را
 بردارند و بنویسند رتبه نظامی کسی را نمیتوان خلع یا
 تنزل داد مگر بحکم محاکم نظامی .

نایب رئیس - این اصلاح عبارتی را
 قبول دارید ؟

مخبر - بله بنده قبول دارم .
حاج شیخ الرئیس - این ماده خیلی ناموزون
 و ناتمام است می نویسد هیچکس نمیتواند رتبه نظامی
 کسی را خلع یا تنزل بدهد مگر بحکم محاکم نظامی
 و شرفی اگر بخواهد ترفی بدهد در محاکم شرفی
 باید بشود اگر بخواهد تنزل بدهد در محاکم نظامی
 قناعت بشود یا اینکه در این جمله آخر يك جمله
 دیگر اضافه بشود والا این موزون نیست .

حاج سید ابراهیم - میخواستم از مغیر سئوال
 کنم که محاکم شرفی را توضیح فرمایند .

معزز الملک - اولاً بنده ایراد آقای حاج
 شیخ الرئیس را درست منتقد نشدم ایشان گویا چنین
 تصور کردند که محاکم شرفی بابت ترفی بدهد (حاج
 شیخ الرئیس بله) اینطور نیست در نظام دو نوع
 محکمه ممکن است باشد یکی محاکم نظامی است
 مثل سایر محکمه ها است منتهی يك ترتیب مخصوصی
 دارد یکی محاکم شرفی است و جهت این هم باز
 همان است که در جلسه گذشته عرض کردم
 بعضی چیز ها است که از نظامی می خواهند
 و بعضی چیز ها سلب شرف از نظامی میکند که
 برای سایرین آنطور نیست بعضی هیچ شاید تقصیری
 هم نیست و هیچ سلب شرفی هم نمیکند مثلا ممکن
 است يك کسی در کوچی از يك کسی سبلی بخورد
 برای يك صاحب منصب اگر او سبلی بخورد او را
 در تمام جا های عالم از نظام فوراً بیرونش میکنند

بجهت اینکه يك آدمی است که نتوانسته است مقام
 خودش را حفظ کند میگویند کارش بجائی رسیده که
 سبلی خورد و اسم این آدم را در نظام بی شرف
 خوانند خوانند در صورتیکه سایرین خیلی میشود
 که توی سر و کله هم میزنند و اهمیتی هم ندارد
 خیلی هم که تعقیب بشود میروند بدلیه شاید يك
 مبلغ معینی جریمه معین شده است برای او میگیرند
 و میدهند لکن اگر نسبت بيك نظامی يك چنین
 بی اترامی واقع شود او سختی نکند او را بی شرف
 میخوانند و این قبیل چیز ها را نشود جزو تقصیرات
 قانونی شمرده که در محاکم قانونی نظامی محاکمه
 شود این قبیل مطالب در محاکم شرفی رسیدگی
 خواهد شد و حکم محاکم شرفی هم همانطور که
 حکم محاکم دیگر مجری است طبیعتاً اجرا میشود
 چرا بجهت این که اگر يك صاحب منصبی سختی
 نکند دیگر باو اعتنا نمیکند و حاضر نمیشوند و
 برای اطاعت او امر او بجهت این که میگویند این
 کسی است که سبلی خورد و نتوانست اصاده شرف
 خودش را بکند اینها يك چیز هائی است که از
 مختصات زندگی نظامی است و وضع زندگی
 نظامی غیر از سایر طبقات است بواسطه اینکه يك
 توفقاتی از این طبقه دارند که از غیر این طبقه
 ندارند به همین جهت کار های خلافی که از آنها
 سر بزند آنها را بدو قسمت منقسم کرده اند یکی
 چیز هائی است که در مقابل قانون حدود معینه قانونی
 دارد یکی چیز هائی است که نمیشود تقصیر شمرده
 این چیز هائی را که اگر از برای سایر طبقات
 اتفاق بیافتد نمیشود جزء يك تقصیر بزرگی شمرده
 بمحاکم شرفی رجوع میکنند يك چیزی است که
 شرف او را برده است او را یا خلع میکنند یا يك
 مجازات سختی باو میدهند .

نایب رئیس - مذاکرات در این ماده کافی
 است (گفتند کافی است) ماده ۳۵ خوانده میشود
 (ببابت ذیل قرائت شد)
 ماده ۳۵ - درجات و مناصب و امتیازات
 نظامی باشخاصی که داخل در خدمت نظامی نیستند
 داده نمیشود .

نایب رئیس - مخالفی در این ماده نیست (اظهار
 شده مخالفی نیست) .

نایب رئیس - ماده ۳۶ را بخوانند .
 ماده ۳۶ - مناصب و القاب سرداری و سالاری
 من بعد بکسی داده نخواهد شد و فقط کسانی که در
 جنگ ریاست اردو را خواهند داشت برای مدت جنگ
 بلب سرداری ملقب خواهند بود .

نایب رئیس - مخالفی نیست ماده ۳۷
 را بخوانند .

ماده ۳۷ - هیچ کدام از رتبه های نظامی دارای
 حمایل و نشان مخصوص نبوده نشان و حمایل يك نوع
 امتیازی شمرده شده موافق ترتیب ذیل در نظام داده
 خواهد شد از رتبه نایب اول تا رتبه نایب سرهنگی
 کسی نمیتواند دارای نشان بالاتر از درجه سوم
 باشد - از درجه نایب سرهنگی تا درجه سرتیپی که
 کسی نمیتواند دارای نشان بالاتر از درجه دوم باشد
 و فقط سرتیپ و میرینج و امیر تومان میتوانند دارای
 نشان درجه اول باشند و این ترتیب شامل صاحب
 منصبان دول خارجه هم خواهد شد .

نایب رئیس - مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد)
 پس شورای اول این قانون تمام شد شور دوم این قانون
 میماند تا اینکه نظریات وزارت جنگ در این باب
 معلوم شود و بعد شورائی بعمل خواهد آمد آقای
 معاون وزارت مالیه فرمایشی داشتید ؟

معاون وزارت مالیه - البته خاطر نمایندگان
 محترم مسبوق است که يك ماه قبل تقریباً فرار داد
 کمپانی خالصجات در مجلس منعی شد وزارت مالیه
 بر حسب تکلیفی که دارد دستور مجلس را خواست
 بموقع اجرا بگذارد کمپانی خالصه در مقابل یاره
 اظهارات کرد باین معنی که چون کمپانی خالصه منظر
 باطمینانی که از امضاء هیئت و رواء داشت منعی از
 این بابت مصارفی که کرده است در املاک خالصجات
 و اشخاصیکه اجیر کرده است برای این کار و خسارتی
 که در این مدت باو عاید شده است و منافع پولی
 که داده است يك مبلغ خطیری متضرر شده است
 و دولت اگر بخواهد املاک را متصرف شود باید
 از عهده خسارات کمپانی بیاید وزارت مالیه
 برای همین مسئله چندین جلسه با کمپانی داخل
 مذاکرات شده و هنوز آن نتیجه صحیحی که بتواند اتخاذ
 کند و تقدیم مجلس شورای ملی کند نتوانسته
 است حاصل کند از طرف دیگر هم چون محصول
 امساله در دست است و اگر از طرف دولت تکلیف
 قاطعی معین نشود گویا خسارت زیادی عاید دولت
 شود از بابت همین محصول امساله لهذا وزارت مالیه
 تقاضا میکند از مجلس که يك کمیسیون تشکیل
 شود از مجلس مقدس که با معیت وزارت مالیه داخل
 مذاکرات شوند با اعضای کمپانی و بنوریت يك نتیجه
 صحیحی اتخاذ کنند و تقدیم مجلس کنند که بزودی
 تکلیف این مسئله معلوم شود .

نایب رئیس - صلاحیت تقیث مجلس شورای
 ملی در دوائر وزارت خانها بر تریبی که آقای معاون
 پیشنهاد نمودند نمیتوانم ممکن و صلاح باشد یا خیر
 البته بسته به نظر نمایندگان است که این تقاضا را
 خواهند پذیرفت یا خیر - تقاضای کمیسیونی شش
 نفری می فرمائید (معاون وزارت مالیه)

معاون وزارت مالیه - (از چهارالی شش نفر).
نایب رئیس - حالا اگر نمایندگان اجازه
 میدهند بدون مذاکره رای میگیریم .

حاج دکتر رضاخان - يك توضیحی لازم
 است بدهند .

معاون وزارت مالیه - سؤال کنند در
 چه خصوص توضیح می خواهند تا جواب عرض کنم
حاج دکتر رضاخان - از تریبی که آقای
 معاون اینجا فرمودند برای بنده اشکالی دست داده
 فرمودند بکمپانی ضرری وارد آمده این را نقل قول
 می فرمایند از طرف کمپانی یائینکه به وزارت مالیه
 ثابت شده و عقیده وزارت مالیه اینست که يك خسارتی
 کمپانی دارد و محق است که از دولت بخواهد .

نایب رئیس - در این باب خوبست بدون
 مذاکره رای بگیریم .

معاون وزارت مالیه - بر حسب اظهار
 کمپانی عرض کردم پروزارت مالیه هنوز مسنم نشده
 است خساراتی را که کمپانی اظهار میکند .

نایب رئیس - وزارت مالیه تقاضای يك
 کمیسیون شش نفری از برای رسیدگی بامور

کمپانی و مذاکره با کمپانی و قرارداد کلیه خالصجات
 نموده است آقایانی که موافقت باین تقاضای وزارت
 مالیه که چنین کمیسیونی از مجلس انتخاب شود قیلاً
 نمایند (دش) سابقاً از کمیسیون بودجه راپورتی راجع
 بورتا یوسف مجاهد از کمیسیون بودجه آمد :
 مجلس و رای گرفته شد ولی بی نتیجه ماند مجدداً
 به کمیسیون بودجه رفته است و راپورتی داده اند
 نظر باینکه مفاد راپورت همان راپورت سابق است
 و نظر باینکه عهده از نمایندگان تقاضا کرده بودند
 که جزء دستور شود باین جهت طبع و توزیع نشده
 است قرائت میشود و رای گرفته میشود .

ببابت ذیل قرائت شد :
 لایحه وزارت مالیه و راپورت کمیسیون بودجه راجع
 بورتا یوسف مجاهد مقبول که در مجلس رأی داده شده و
 بلا تکلیف ماند مجدداً در کمیسیون بودجه مطرح
 مذاکره گردید نظر باستعفا و روات یوسف مجاهد
 مقبول و توضیحاتیکه بعضی نمایندگان محترم دادند
 کمیسیون مطابق پیشنهاد وزیر تصویب می نماید
 ماهی چهار تومان مطابق ماده ذیل در باره و روات آن
 مقبول برقرار شود .

ماده - ماهی چهار تومان سالیانه چهل و هشت
 تومان در باره و روات قانونی یوسف مجاهد مقبول
 برقرار میشود .

ادیب التجار - محض مسبقیت خاطر نمایندگان
 ایندو کلمه را توضیح میدهم که روزیکه اردوی ملی وارد
 شد به فرزین این یوسف برای حفظ رفت بالای بام کوله
 مخالفین باو خورد و مقول شد سه منبر و يك عیال دارد
 در انجن ولایتی قزوین رجیمی دیگر اظهار شد که
 باینها خیلی سخت میگردد وزارت مالیه هم پیشنهاد
 کردند که ماهی چهار تومان بآنها داده شود چون آنها
 بضاعت ندارند بنده توضیح دارم تا اینکه رعایانی از
 ورته او بشود و حضرات عالی مسو باشند اظهار
 قدر دانی نسبت بیازمانه گان او بشود .

نایب رئیس - رای می گیریم با اورا
 ماهی چهار تومان در حق ورته یوسف مجاهد تصویب
 میکنند ورقه سفید خواهند انداخت .

اوراق رای گرفته شده آقای حاج میرزا رضاخان
 بعده ۵۴ شماره و اعلام نمود .
 (اسامی اشخاصیکه تصویب کرده اند .)

ادیب التجار - حاج شیخ الرئیس - حاج وکیل الرعایا
 آقا شیخ قلامصعب - دکتر حیدر میرزا علی زاده - دکتر
 رضاخان - منصور السلطان - آقا سید محمد رضای همدانی
 ارباب کیخسرو - دکتر سعید الاحطاب - افتخار الواعظین
 طباطبائی - آقامیرزا اسدالله خان کردستانی - آقامیرزا
 قاسم خان - عز الملک معین الرعایا - نجم آبادی - ضیاع
 الملک - آقامیرزا ابراهیم قمی - حاج محمد کریم خان -
 قشقای معین الدوله - انتظام الحکماء - دکتر علیخان -
 آقا سید جلیل - اعصاب الملک - آقا شیخ علی خراسانی
 آقا سید حسین کزازی - آقا محمد بروجرودی - معزز الملک
 آقامیرزا احمد - نیر السلطان - حاج عز الملک - فرزانه
 حاج میرزا رضاخان - ذکاء الملک - معتمد التجار -
 آقا شیخ علی شیرازی - حاج سید نصرالله - صدرالعلماء
 خراسانی - دکتر امیر خان - لسان الحکماء - مشیر -
 حضور - آقامیرزا ابراهیم خان - آقامیرزا علی اصفهانی
 هشترودی - آقا شیخ حسین یزدی - محمد هاشم میرزا

آقا سید حسین اردبیلی - حاج سید ابراهیم - معین السلطانه
 وحید الملک - دهخدا - میرزایانس -
نایب رئیس - از ۷۰ نفر نمایندگان حاضر
 با کثرت ۴ رای تصویب شد راپورت کمیسیون
 بودجه راجع بنسوان اکراد خوانده میشود . بمضمون
 ذیل خوانده شد)

لایحه وزارت امور خارجه و وزارت مالیه راجع
 به میرزا اسماعیل خان دبیر الملک فرزانه و مخارجی
 که برای استرداد اسراء نواحی قوچان و غیره
 در موقع ماموریت در عشق آباد نموده قرائت گردید
 وزارت خارجه تصدیق نموده اند که بانهایت جدیت
 و زحمات فوق العاده و ضدیت حکومت معطله قریب
 سی نفر از زنها و دخترها را از چنگ تراکمه که
 هر کدام در يك اوبه واقع در حبس شده بودند نجات
 داده چهار نفر از زنانیکه کردستانی الاصل بوده اند
 بنوسط مترجم کار گذاری بظهران فرستاده و بقیه
 را با سرحدات روانه کرده و بتوس سرحداتاران و
 کار گذاران دولت علیه بصاحبان آنها تسلیم شده
 است صورت مخارج آنرا همان اوقات که قبل از
 بمباردمان مجلس بوده وزارتخانه بکمیسیون مالیه سابق
 مجلس ارسال نموده و اساساً پرداخت آنرا تصویب
 نموده بودند ولی بواسطه اتفاقات اینست در عمل
 تعویق افتاده و حالیه تقاضای پرداخت وجه را نمیتوانید
 پس از مذاکرات لازمه بواسطه زحمات فوق العاده
 و خدماتیکه آقای فرزانه در استرداد اسراء نموده اند
 مطابق صورت ارسالی وزارت خارجه مطابق ماده
 ذیل با کثرت رای داده شد

ماده - مبلغ سه هزار و سصد و هجده منات مخارج
 استرداد اسراء قوچان و غیره که بتوسط آقا میرزا
 اسماعیل خان فرزانه در عشق آباد شده به تسعیر
 نرمان وزارت مالیه به مزایا مجاز است بپردازد

حاج وکیل الرعایا - بنده میخواستم ببینم
 برای پرداخت طلب مردم کجای قانون نشان میدهد
 که مجلس رای بدهد پولیکه چهار سال پیش از
 این باید خود دولت پرداخته باشد حالا امر و زمیندهد
 این رای مجلس را کجا لازم دارد این جوابی است
 که مطلقاً باید بمن بدهید

نایب رئیس - این يك خرج فوق العاده است
 و تصویب مجلس لازم است

حاج عز الملک - چون خرج فوق العاده
 بوده است و در سابق شده است وزارت مالیه لازم
 دانسته است که از تصویب مجلس بگذرد بنده هم اساساً
 تصدیق دارم فرمایش حاج وکیل الرعایا را ولی
 چون حالا بمجلس آمده است مجلس هم رای خواهد
 داد که این پول داده شود .

محل الدوله - این اول دفعه ایست که بنده
 حاضر شده ام از برای اینکه يك نطقی میکنم و آن
 این است که يك ملت میددی است که می بینم متصل
 بودجه مخارج فوق العاده از مجلس میگردد در صورتی
 مانمیدانیم چقدر خرج داریم چقدر پول داریم نمیتانم
 چقدر پول خواهیم داشت پیش وزارت مالیه که
 برای آن خرج میترائیم این خرج موافق اظهاری که
 شد راجع است به مخارجی که در چهار سال قبل از
 این باید داده شود و این مخارج خیلی لازم بوده است

البته خرجی لازم تر از این نیست بجهت این که حفظ
 ناموس مملکت را کرده است و حفظ مقام شرف دولت
 را کرده است هیچ حرفی در این نیست اما چهار سال
 است داده شده است و این دو سوء اثر دارد یسکی
 آنکه حالا بمحض اینکه آقای فرزانه سمت نمایندگی
 پیدا کرده است در مجلس این لایحه آمده است و
 میگردد معلوم میشود که يك علتی داشته است که
 تا کنون نگذشته است نظر دیگر اینکه این معارجی
 است که باید از بقایای سنوات گذشته وزارت مالیه
 وصول بکنند و بپردازد و طلب هائیکه مردم دارند
 داده شود اینرا بچه حق ما میخواهیم بیاییم از بابت
 مالیات هفده ساله که نداریم بپردازیم در صورتی که
 نمیدانیم وقتی که بودجه به مجلس آمد چقدر فاضل
 پیدا خواهد کرد که يك هم چنین تصویری بکنیم
 پس بهترین است که باز تأمل بکنند همانطور که
 چهار سال است که مانده است البته مطالبات دیگر هم
 دارند و مسلم است که اگر این لایحه بگذرد تمام
 مخارجی را که مباشرین دولت در این سنوات متوالیه
 کرده اند وصول نشده است یا معطل مانده است یا در
 ازای چیز دیگری مانده است حالا بکی بکی بمجلس
 خواهد آمد و مامور میشویم هر يك را يك استحضانی
 قبول بکنیم .

نایب رئیس - فقط يك قسمتی از نطق
 نماینده محترم را بنده مجبورم تکذیب کنم و آن این
 است که نمایندگی آقای فرزانه بهیچوجه نمیتواند
 مربوط باین عمل باشد .

آقا سید محمد رضای همدانی - اصلش
 اینکار آقای فرزانه روی مشروطه را سفید کرد و
 حجتی شود برای مشروطیت برای اینکار یعنی این
 کار از استبداد بود و مشروطیت آمدند بوی مشروطیت
 آنها را مستفیض کردند که در زمان مشروطیت اینکار
 اقدام شد و از طرف دیگر ایشان این وجه را فرض
 کرده اند و شهادت صدق هم همراه است و تجاری که
 این وجه را فرض داده اند حی و حاضرند و ناموس
 ما را خریده اند و گمان نمیکند که در این مملکت
 پولی بهتر از مصرف صرف بشود و اگر مجلس تصویب
 نمیکند بر تمام ملت لازم است که اصلش شخصاً
 کدام يك اعانه بدهند که این وجه داده شود .

عز الملک - چون این قبیل چیزها هیچوقت
 در مجلس ندیدم بشود بعضی مطالب را نشنیده ام
 خوبست چون در کردستان همچو چیزی واقع نشده
 است خوب است آقای مخبر توضیح بدهند اگر چه
 نوشته است کردستانی الاصل خوبست اگر این مسئله
 واقع شده است توضیح بدهند در خود کردستان بوده
 یا در جای دیگر بوده است .

حاج عز الملک - اینجا چون بنده
 گمان نمیکردم مخالفی در مجلس بشود این بود
 که سکوت کردم لکن حالا لازم میبینم که توضیحی
 بدهم که این لایحه در مشروطه اولی بکمیسیون
 مالیه آمد بموجب لایحه وزارت مالیه و وزارت خارجه
 که کمیسیون مالیه سابق هم اساساً تصویب این خرج
 را نموده است معین هم هست که مجلس سابق در
 این باب رای میداد چنانچه اغلب آقایان مسبوق
 هستند که چندین جلسه مجلس سابق مصروف این
 مسئله اسراء قوچان بود و آنوقت که تمام مردم در

صند انجام این مسئله بودند کسیکه این خدمت را انجام داد البته هر هیت دولتی لازم بوده است که اداء این مخارج را بکنند متوجه این مسئله بواسطه مبارزه با مجلس و تعطیل مشروطیت بود تا اینکه در اوائل مشروطه جدید وزارت خارجه ووزارت مالیه این مسئله را مجدداً بمجلس پیشنهاد کردند و تقریباً ده دوازده ماه است (تاریخش نوشته نشده است درست نیدانم) ولی همینقدر میدانم که در دوره اجلاسیه آن کمیسیون بودجه چندین مرتبه این مسئله بمجلس پیشنهاد شده بود و چندین مرتبه هم در کمیسیون مطرح شد و مخصوصاً کمیسیون هم در این مسئله زود رأی نداد و توضیحات از وزارت خارجه خواست و نماینده آن خراسان هم در کمیسیون بودجه تشریف دارند و خواستند که اگر موقع بشود اظهار عقیده بکنند تصدیق کردند که يك همچو چیزی واقع شده است و واقعاً این مصارف از روی حق و يك محل خیلی صحیح است که باید اسباب تشکر عمومی باشد رسیده است نظر باین سوابق که کمیسیون در دست داشت و بفین کرده است که این خرج شده است و البته يك فرضی را که دولت مجبور است که بپردازد موکول داشتیم بتصویب مجلس و این هیچ مربوط نیست بنمایندگی آقای فرزانه و اینکه کردستانی الاصل که آقای عز الملک اظهار کردند از قراریکه وزارت مالیه اظهار کرده است گمان میکنم همان کردستان طرف خراسان است و مقصود کردستان طرف سنندج نبوده است

معدل الدوله

این جایکسوء تقاضی شده است بنده هیچ اظهاری نکردم که این باین مناسبت میگردد عرض کردم اثر بدی خواهد کرد یعنی شاید بعضی مردم در خارجه تصور بکنند که این بواسطه نمایندگی آقای فرزانه بمجلس آمده است نه اینکه خودم این عرض را کرده باشم.

نایب رئیس

رأی بگیریم راپورت کمیسیون بودجه که تصویب کرده است ۳۱۸ منات را بتسعیر تومان دروجه مخارج اسراف قوچان داده شود آقایانی که تصویب میکنند وره سفید بپندازند.

(اوراق رأی اخذ و آقای حاج میرزا رضاخان احصاء نمودند وره سفید علامت قبول ۳۸ ورقه آبی علامت رد یک.)

(اسامی کسانی که تصویب کرده اند)
معمداًالتجار - حاج شیخ الرئیس - انتظام الحکماء حاج محمد کریم خان - لسان الحکماء - حاج سید نصرالله - آقامیرزا ابراهیم قمی - دکتر جیدر میرزا آقاسید محمدرضا - مناصر السلطان - حاج وکیل - الرعایا - رکن الممالک - حاج شیخ علی - آقا محمد آقا سید محمد رضا همدانی - افتخار الواعظین - آقا ارباب بکسر - آقامیرزا احمد - طباطبائی - آقا میرزا قاسم خان - محمد هاشم میرزا - آقامیرزا رضا مستوفی - دکتر سید الاطباء - فرزانه - اعتصام الملک مشیرحضور - معزز الملک - عز الملک - معین الرعایا آقا شیخ غلامحسین - ادیبالتجار - حاج عز الممالک آقا میرزا ابراهیم خان - حاج سید ابراهیم - دکتر امیرخان - متین السلطنه - جیدالملک - آقامیرزای آدینه محمدخان
رد کنند: آقای معدل الدوله.

نایب رئیس

حاضر با اکثریت ۳۸ رأی تصویب شد . آقای معزز الملک و آقای معاضد السلطنه تقاضا کرده اند که چون راجع بکمیانی خالصجات سوء تقاضی شده است توضیحی بدهند.

معزز الملک

چون از طرف وزارت مالیه کمیسیونی تقاضا شده بود از مجلس شورا و تصویب نشد باین جهت ممکن است در خارج همچو تصور کنند که مجلس شورایی نمیخواهد اینکار خاتمه پیدا بکند بنده تصور می کنم نماینده مجلس شورای ملی باشم اگر عرض کنم مجلس جداً مایل است که هر چه زودتر وزارت مالیه این مسئله را ختم بکند و نتیجه اش را بر عرض مجلس مقدس برساند منتهی چون مجلس تصویب نکرد برای این بود که از وظیفه مجلس شورای ملی خارج بود که برود و ببیند و با کمیانی قرار می دهد البته برای همین است که يك قوه مجریه در مملکت هست که اینکار هارا تمام کند و بعضی مجلس برساند و اینجا باید گفته شود که البته آن چیز را که مجلس شورایی با اتفاق آراء تصویب نکرد داخل موادش بشود البته آنرا رد کرده است و این دیگر جلی تردید و مذاکره و برگشت نخواهد بود فقط چیزی که باقی خواهد بود و حق کمیانی خالصه خواهد بود این است که اگر خسارتی بر آنها وارد شده است البته پس از رسیدگی و ثبوت آن خسارت البته باید بآنها داده شود جای هیچ حرفی نیست برای مجلس شورای ملی و البته ساعی خواهد بود که حقوق افراد ملت ایران محفوظ بماند و البته کمیانی خالصه هم اگر خسارتی بر او وارد شده است باید وزارت مالیه رسیدگی بکند و خسارت او را بدهد پس در این باب همانطور که عرض کردم حرفی نیست و حالاً چون آقای معاون وزارت مالیه آمدند عرایض خود را تکرار میکنند جهت اینکه این کمیسیون تصویب نشد برای این بود که مجلس این را وظیفه خودش نمی داند که در این خصوص رسیدگی بکند و این را از وظایف مختصه وزارت مالیه میدانست که بنشیند مذاکره بکند طرفها و خودهای آنها را به بیند که آیا فلان مبلغ خسارتیکه آنها اظهار میکنند بآنها وارد شده است یا خیر اگر خسارتی وارد نشده است که مذاکره ندارد و اگر وارد شده است که البته آن وقت جز دیون عمومی که دولت بپرس کس که مدیون باشد باید بدهد این را هم جزء آن فراموشی دهه که هر چه خسارت بآنها وارد شده است باید به آنها بدهد و در باب يك مسئله دیگر که از طرف وزارت مالیه میخواستند که رجوع یابو بشود که زود تر خود وزیر مالیه حل بکند و آن يك تکلیفی است از تکالیف آتی خلی بزودی برای وزارت مالیه بجهت اینکه اگر به همین ترتیب کار بماند یعنی بلا تکلیف باشد و هیچکس نداند که با خالصجات تهران چه باید کرد من تصور میکنم مجبوراً متحمل يك خسارت فوق العاده بشود حالا برای اینکه گرفتار يك خسارت فوق العاده نشود اولاً تصور میکنم مجلس شورا ملی دعوت بکند وزارت مالیه را باتفاق آراء که هر چه زودتر بنشینند و يك قراری در خالصجات بگذارد و نظر هم باین نباشد که آن موادی که بمجلس شورا آمده است و رد شده است دو باره

ممکن است بمجلس آورد و تصویب کرد بواسطه اینکه مجلس شورا هیچ حرفی نداشت در این باب آن کمیانی خوب است یا بد بلکه نظر باینکه تقاضا داخل مواد شود خواست ثابت کند که دادن اجازه یکی از مختصات مجلس است و باین جهت چون این شرط قانونی بعمل نیامده بود چنانکه از شرایط صحت کتورات در بین بود یعنی چندین اجازه ها به تصویب مجلس داده شده بود و یکی از آنها همین کمیانی خالصه بود که در زمان مجلس اول بود پس باین ملاحظات و شروط که شده بود مجلس این کتورات را لغو پنداشت و دعوت میکند وزارت مالیه را که بر حسب مسؤلیتیکه دارد هر چه زودتر يك تکلیفی برای خالصجات معین بکند و البته بعد از رسیدگی اگر يك خسارتی هم وارد شده است به کمیانی خالصه پرداخت خواهد شد .

معاضد السلطنه

بنده همچو حس کردم که وزراء از این رو که با اتفاق آراء این کتورات رد شد بکفوری احتیاط میکنند و می ترسند که داخل این مذاکرات بشوند مثل آنکه آنروز هم معاون وزارت مالیه اینجا بود و حرف نزد و بعد از آنهم يك روزی آقای ممتاز الدوله را ملاقات کردم دیدم با بعضیها مذاکره میکردند و خیلی ملاحظه داشتند که داخل در مذاکره خالصجات بشوند و این خیلی بدترتبی است که وزراء از مجلس بترسند و جرات نکنند يك مسئله که برعهده آنها است دفاع بکنند با عقاید خودشان را عنوان بکنند عقایدشان خوب یا بد باید بیابند در مجلس بگویند و هیچ ملاحظه نکنند امروز ما می بینیم که این ترتیبی که پیش آمده است راست است که کتورات کتورات بدی بود و نمی شد آنرا قبول کرد ولی از طرف دیگر هم این ترتیب بلاتکلیف ماندنش هم خیلی بد خواهد بود برای اینکه از قراریکه شنیدم الان که محصول دارد بدست می آید بعضی ها مشغولند و می آورند می فروشند می برند میخورند و فردا يك ضرر کلی بدولت عاید خواهد شد و فردا همین عنوانی که امروز آقای معاون وزارت مالیه آمده است تقاضای يك کمیسیونی میکنند و مجلس آنرا رد میکند فردا خواهد گفت که من آمدم تقاضای کمیسیونی کردم مجلس با من مساعدت نکرد و اگر ضروری وارد آمده است مجلس شریک این مسؤلیت بوده است و برای اینکه این مسؤلیت بعهده مجلس وارد نیامده باز اخطار میشود بوزارت مالیه که بدون هیچ ملاحظه هر فکر اساسی ندارد میکند و هر ترتیبی میدهد بدهد و او را بیاورد بمجلس اظهار میکند مجلس او را یار دیا قبول میکند گذشته از این هر روز باید يك جمعی را بزرگت انداخت يك صحنه کثیری آمده اند سرگردان مانده اند و يك مخارج کلی میکنند خود کمیانی هنوز بکلی مایوس نشده است و بعضی اتباع آنها در دهات و بلوکات هستند بعضی راپیرون کرده اند بعضی هنوز هستند و وزارت مالیه بواسطه زیادی مشغله نمیتواند درست رسیدگی باینکار بکند و بالاخره بنده می بینم که محصول امروزه از میان میرود و هیچکس نخواهد توانست که از عهده بر آید برای آنکه مسؤلیت بزرگی برعهده ما خواهد وارد شد باز تکلیف میکنم که هر چه زودتر وزارت مالیه عقیده خودش راپیاورد روی کاغذ

و بمجلس پیشنهاد کند آنوقت مجلس رأی خودش را بقبول یارد خواهد داد .
معاون وزارت مالیه - وزارت مالیه هم متذکر همین مسئله بود که تقاضای کمیسیون در این مورد شاید قدری تصویبش برای مجلس مشکل باشد لکن نظر باینکه نظر دولت باین است که محصول اسامال از میان نرود و خسارتی متوجه دولت نشود باین جهت این تقاضا را که از مجلس کرد که شاید کمیسیون انتخاب بشود از مجلس و قراریکه باید وزارت مالیه بدهد با اطلاع کمیسیون این قرار داده شود که زودتر این مسئله از تصویب مجلس بگذرد و چون اگر میخواست که يك قرار قاطعی بدهد بیاورد به مجلس می بایستی که اول آنرا از وزارت مالیه بدهند که بیاورند بمجلس و برود به کمیسیون و کمیسیون بمجلس راپورت بدهد و از تصویب مجلس بگذرد قریب ده روز این مسئله طول میکشد باین جهت خواست که يك کمیسیونی قبلاً تشکیل بشود که با وزارت مالیه مساعدت کند و این مسئله رابا کمیانی قطع بکند و زودتر بمجلس تقدیم نمایند حالا که مجلس اینطور تصویب کرد البته این را وزارت مالیه تکلیف خودش میدانند و با کمیانی داخل مذاکره خواهد شد و قرار قاطعی در این کار میدهیم و هر چه زود تر تقدیم مجلس خواهد کرد .

نایب رئیس

یکمده از نمایندگان محترم اجازه خواسته اند اگر در این موضوع است که تصور میکنم محتاج به مذاکرات نباشد فقط قرار بود توضیحی داده شود و داده شد ولی در ضمن توضیح دولفت استعمال شد لازم است یکی تکذیب شود و دیگری توضیح اما تکذیب راجع باستعمال لفظ ترس است که آقای معاضد السلطنه استعمال کردند این لفظ در این مورد البته صورتی نداشت است و اما آقای معزز الملک در ضمن نطق خودشان اشاره فرمودند که معزز است که اجازات کتبتاً باید بتصویب مجلس باشد باید نظر داشته باشند که در این باب يك طرحی پیشنهاد شده بود و شور اول آنهم شده بود و هر چه زودتر باید تکلیف آن معین شود .

معزز الملک

بنده توضیحی داشتم و آن اینست که بنده باز تکرار می کنم که همان اکثریتی که تقاضا داخل در مواد شود روح عدم دخول چه بود ایرادش در این کتورات که هیچ مجلس داخل در مواد نشد که بدانند این کمیانی خوب است یا بد است مراد شرایط نبود ایراد این است که روح این کمیانی را شرایط این کمیانی را تشکیل این کمیانی را مخالف قانون اساسی می دانستند چرا اینکار را می کرده است نظر بسابقه کدام سابقه همان سابقه مجلس اول که همین مسئله کمیانی اجازه معین فیروزه اجازه باغات دولتی به تصویب مجلس بوده است در اینصورت البته حق دارد که تا وقتی که آمانده قانون اساسی تفسیر نشده است نظر بکنند بسابقه حق دارد که مطابق این سابقه ها می گوید که اجازه دادن حق من است و تا اینشرط عمل نیامده است من اینرا تصویب نمی کنم شاید یکمده از نمایندگان باشند که بآن مواد هیچ ایراد وارد نیاورند و می گویند خیلی خوب کمیانی

است و خیلی خوب آباد می کند اما من رأی نمیدهم برای اینکه این کمیانی که برپا شده است مطابق قانون اساسی عمل نیامده است و اساس آنکه باید بر حسب قانون بیاید بمجلس نیامده است و لغو است .
نایب رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله در باب کمیسیون انتخابات اظهاری داشتید بفرمائید .
حاج شیخ اسدالله - یکی راجع بنظامنامه انتخابات است یکی راجع بیودجه مملکتی است اما بانتخابات دومام متجاوز است که کمیسیون نظامنامه انتخابات از مجلس معین شده برای خاطر این که نظامنامه انتخابات رانجدید نظر کرده زودتر بمجلس بیاید و این دومام که میگردد بلکه متجاوز تا بحال دو مطلب اساسی که در این نظامنامه محل مذاکره و نظر بود بنده هر چه تحقیق میکنم می بینم که آندو مطلب هنوز حل نشده است نمیدانم کی میتوانیم نتیجه بگیریم و این نظامنامه را از مجلس بگذرانیم که تکلیف مردم در موقع انتخابات آتی معلوم باشد و اسباب اشکال فراهم نشود اگر باین وتیره باشد که میگردد دومام گذشته است و نتیجه ندیدیم باز هم دومام دیگر بهمان وتیره بگذرد گمان نمیکنم که این نظامنامه نتیجه برای انتخابات آتی داشته باشد و همین اجمال باقی بماند تا دوره منقضی بشود و دیگر اینکه در باب بودجه مملکتی خواستم عرض کنم دوره تقنینیه که این دوره انتخابات باشد تقریباً دارد میگردد و خیلی جای افسوس است که این دوره نمایندگان نتوانستند يك بودجه را از هیئت دولت بگیرند و بمجلس بیاورند بنده میخواستم سؤال کنم از مخیر کمیسیون بودجه که آیا هیچ بودجه از بودجه مملکتی از کمیسیون گذشته است یا خیر و آیا موفق میشویم باینکه در این چندماهه که از آخر دوره انتخابات باقی مانده است يك بودجه در این مجلس به بینیم که بمجلس آمده است باید این بودجه قبل از سنه تنگوزیل در سنه است ثیل بمجلس آمده باشد و مذاکره کمیسیون بودجه هم در آنوقتی بود که میگفتند بودجه ایت ثیل بمجلس آمده است باین تفصیل الان قریب سه ماه است که از سنه تنگوزیل میگردد و دوره انتخابات هم تمام میشود باز بنده می بینم که بودجه بمجلس نیامده است در کمیسیون بودجه هم بعضی از بودجه های جزء مثل بودجه اداره پستخانه یا تلگرافخانه گذشته است اهداً نه جمعی مامیدانیم و نه بودجه کی آخرش هم میترسم و همین طور هم خواهد شد که این چندماه هم بگذرد و ما بودجه کل را نفهمیم و يك بدنامی برای خودمان بگذاریم که در آتی بیابند و بما بگویند در دوسال نتوانستند يك بودجه را بمجلس بیاورند .
نایب رئیس - در باب نظامنامه انتخابات خاطر نمایندگان محترم را مسوق میکنم که در سابق هم وعده داده شد از طرف کمیسیون که خیلی زود راپورت دادم شود فقط چیزی که اسباب معطلی شد خود بنده اطلاع دارم این است که در صورت حوزه بندیهای که میشود بایستی که از طرف وزارت داخله حاضر بشوند و توضیحاتی بدهند که زودتر این مطلب بگذرد در یکی دو جلسه اخیر که تشکیل شده است از طرف وزارت داخله کسی حاضر نشده است ولی اطلاع دارم که کمیسیون نظامنامه انتخابات فردا بطور فوق العاده تشکیل میشود و وزارت داخله هم وعده داده است که

بآقای وزیر و آقای معاون بیابند و اینکار را انجام بدهند چنانچه باین وعده رفتار بشود گمان میکنم که بعد از دو جلسه دیگر بتواند کمیسیون راپورت خودش را بمجلس تقدیم کند .
حاج عز الممالک - چندی قبل یکی از نمایندگان محترم در باب بودجه سئوالی کردند بنده هم جواب عرض کردم حالا نیز مختصری برای اطلاع آقایان عرض میکنم همانطور که فرمودند هنوز بودجه تنگوزیل به مجلس نیامده است و بودجه ایت ثیل است فقط در یک سئوالی که اضافات هم برای تنگوزیل خواسته اند توضیحی کرده اند در حقیقت صورت حسابی برای ایت ثیل و بودجه تنگوزیل خواهد بود کمیسیون بودجه هفته سه روز منقذ میشود و تقریباً هر جلسه سه ساعت چهار ساعت و نمی توان گفت تا حال غفلت کرده است اگر بودجه مملکتی را وزرای سابق دیر آورده اند ربطی بکمیسیون بودجه مجلس ندارد و عجلتاً کارهایی که کمیسیون بودجه تا بحال کرده است عرض میکنم اولاً بودجه دربار است گذشته و راپورت آن بهیشت رتبه داده شده است آقای نایب رئیس هم قبول کردند که جزء دستور سه شب گذشته شود بودجه بست و تلگراف هم تمام است و معترقب راپورتش داده خواهد شد مشغول نوشتن هستند بودجه وزارت مالیه راجع بولایات گذشته است اما راجع بر مرکز وزارت مالیه تقاضا کرده است تأمل شود که نظر مستخدمین آمریکائی را تحصیل بکنند و باین دلیل بعهده متعین افتاده است و بنده مخصوصاً سئوال کردم گفتند که مستر شوستر مشغول نوشتن بودجه است برای مالیه در هین هفته تقدیم مجلس خواهد کرد بودجه مرکزی وزارت عدلیه و ثبت اسناد با حضور وزیر عدلیه که بهترین بودجه ها می توان گفت در دو روز کمیسیون گذرانند و از این بیمه شروع خواهد شد بودجه وزارت جنگ و وزارت معارف و امبدوار هستم که بهیمن ترتیب سایر بودجه هاهم بگذرد بودجه وزارت داخله و خارجه جزء آن هنوز فرستاده نشده است
نایب رئیس - آقای دکتر امیرخان راجع بقرنطینه اظهاری داشتید بفرمائید
دکتر امیرخان - البته آقایان نمایندگان محترم در خاطر دارند که در تابستان یارسال مذاکراتی بود برای و با بخت که بطرف رشت و آذربای و سایر جاهای دیگر هم آمده بود و برای دولت خیلی مخارج و خیلی اشکالات هم از انبابت رو داد بجهت اینکه هیچ اما کن قرنطینه نداشتیم نه در انزلی و نه در آستارا مگر چند اطاقی که همه عابرین که آنجاها آمد و رفت می کردند شکایت می کردند از نبودن قرنطینه خانها بعد بنده يك پیشنهادی چندماه پیش یعنی در زمستان کردم که مجلس مقدس يك کمیسیونی تصویب بفرمائید که کمیسیون صحبه باشد و در این باب مذاکره شود شاید از این مرض مهلك جلوگیری شود و خیلی خوف ترس داشتم که در این بهار و تابستان بروز بکند ولی چون زمستان خیلی سرد بود تا يك درجه طبعه جلو این مرض گرفته شد و با وجود این کمیسیون اقدامات خودش را کرده و راپورت نوشت و مجلس مقدس هم برای

مخارج فرانتین خانها مبلغ بیست هزار تومان تصویب فرمود و قرار شد که هر چه زودتر این اقدامات بعمل آید و آن اماکن فرانتین خانها زودتر تأسیس شود از طرف مجلس سنجه رسمی دولتی سه نفر مأمور یکی دکتر رژی یکی رئیس مجلس سنجه و یکی هم نماینده طبی وزارت داخله در همان ایام زمستان با وجود اینکه خیلی سرد بود باسرازم کمیسیون سنجه فرستاده شدند که بروند در انزلی و آستارا ملاحظه بکنند و محلی که مناسب است برای فرانتین خانها معین بکنند آن سه نفر رفتند و محلی را که معین کردند در باغ شاه است در انزلی که مخروبه شده است آنجا را معین کردند که برای تأسیس فرانتین خانها و گذارنده هر چه زودتر شروع بشود ولی مع التاسف از آنوقت تا حالا که مدتی است میگذرد نقشه‌های مفصلی از طرف مجلس حفظالصحه بوزارت داخله داده شده است و نقشه آن عمارت کشیده شده تا بحال اقدام صحیحی در تعیین آن محلها یا محل دیگری هیچ پسر به وجود نیامده است چون چندی پیش در اردیبهروز و با شده است اگر چه هنوز چیزی رسماً نرسیده است بجهت سنجیه ولی اینکه در اواسط و تقریباً سه نفر یا چهار نفر گرفتار باین مرض شدند صحیحاً اطلاع دارم لهذا چون احتمال میروید باین طرف و این حدود سربت کند باز از همان جائیکه در آنجا از دست سرما خوابیده بود و ممکن بود در مرتبه بروز کند اقدام در اینکار خیلی لازم است و بنده اینکار را فوری میدانم و بنده مقصودم این بود که شاید از طرف مجلس شورای ملی تا کنونی بشود که باوجودی که مجلس مقدس اقدام کرد بیست هزار تومان هم از برای این تأسیسات تصویب فرمود تا حال تأخیر شده است خیلی اسباب تأسف است و این راهم باید دانست که این مسئله مسئله حقوق ملت است و ملت خیلی در اینجا حقش ضایع میشود از ملت مالیات میگیرند البته برای حفظ جان باید پیش از این اقدام بکنند و اگر خدای نخواسته این مرض از حدود بگذرد مسئول آن نفوس که تلف خواهد شد کمی خواهد بود.

قائم‌الرئیس - در این باب اگر مجلس همراه است تا باین بوزارت داخله تأکید میشود و چند نفر اجازه نطق خواسته اند گمان میکنم که مجلس همراه باشد که همین قدر که اظهار شد در این باب اختطاری بشود که زودتر اقدام شود والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه بوجوب دستخطی که مرقوم فرموده اند از آقایان نمایندگان میخواهند روز دو شنبه ۷ چهار بیرون مانده در دربار شرقیای حاصل کنند دستور جنبه آذربایورت کمیسیون معارف راجع بماده ۶ قانون معارف راپورت کمیسیون بودجه راجع بحقوق آقای حاج شیخ الرئیس راپورت کمیسیون بودجه راجع بودجه درباری .

افتخار الواعظین - قانون تعرفه تلگراف از کمیسیون فواید عامه گذشته است و راپورتش را در دوسه روز قبل بنده تقدیم کردم و طبع و توزیع هم شده است استدعا میکنم در جزء دستور سه شنبه گذارده شود که از فراری که اظهار میدارند گویا این قانون خیلی لازم است باید جزء دستور شود .

نایب رئیس - اگر طبع و توزیع شده باشد

ممکن است (مجلس یکساعت از شب گذشته ختم شد).

جلسه ۲۵۶هـ
صورت مشروح مجلس در سه شنبه ۱۲۲۹ جمادی الاخری

آقای مؤتمن‌الملك رئیس ۳ ساعت و ۲۵ دقیقه قبل از غروب بکرسی ریاست جلوس فرمودند و سه ساعت و ده دقیقه قبل از غروب مجلس را رسماً منعقد نمودند .

آقای میرزا ابراهیم خان صورت جلسه قبل را قرائت کردند .

(اسامی غائبین جلسه قبل بقرار ذیل قرائت شد.)

آقای ناصر الاسلام بدون اجازه و آقایان مرتضی قلبخان - آقا شیخ رضای دهخوارقانی شیبانی مرتضی قلبخان نائینی با اجازه غائب بودند .

رئیس - ملاحظاتی در صورت مجلس نیست؟ (اظهاری نشد) ملاحظاتی نیست؟ (صورت مجلس تصویب شد) - استبصاحی است آقای نیرالسلطان از رئیس الوزراء کرده اند قرائت میشود و قرار روز استبصاح را هم میبیم و نوشته میشود بوزراء .

(بمبارت ذیل قرائت شد)

مقام منبع ریاست مجلس مقدس شورای ملی شیدا ارکانه .

این بنده در خصوص کلبه امور مازندران از اخذ مالیات وطول مدت انقلاب و قتل و غارت متعزمین در آن صفحه از آقای رئیس الوزراء استبصاح خواهم نمود مستعی است زودتر استبصاح راتمین فرمائید - نیرالسلطان .

رئیس - آقای معاون وزارت معارف شما می توانید از طرف وزارت روز استبصاح را معین کنید

معاون وزارت معارف و فواید عامه - خیر باید با وزرا مذاکره شود

رئیس - برئیس الوزراء نوشته میشود و قرار می دهد می شود - بعضی کاغذ ها از وزارت خانها میرسد چون مهم است بنده مسئولیت جواب این کاغذ ها را نمیتوانم تقبل کنم اینست که مجبور هستم که این قبیل مطالب را بدو در مجلس قرائت کنند هر طور مجلس تصویب کرد همانطور جواب داده خواهد شد کافنی است از طرف وزارت مالیه آمده است قرائت میشود هر طور که صلاح دانستند جواب داده خواهد شد (بمبارت ذیل قرائت شد)

مجلس شورای ملی - سابقاً بنمبر (۳۳۴ و ۴۹۸) در موضوع حقوق اشخاصی که جزو کتابچه بکصدو پنجاه و دو هزار تومان از وزارت دربار سرگشت کرد شرحی عرض شده بود که نسبت بحقوق مزبور در کمیسیون بودجه بعضی اصلاحات شده و صورتی از آن بطور غیررسمی بوزارت مالیه رسیده ولی بر حسب معمول تا کنون در تعیین تکلیف آنها رسماً مرفومه صادر نگردیده باین واسطه وزارت مالیه در صدور قبض داجان حقوق در محظور و بلاتکلیف مانده است چون آقایان غلام پیشخدمتان حقوقشان جزو صورتیکه بکمیسیون بودجه ارسال گردیده و حقوق آنها موروثی و شخصی است و بکمال عسرت و پریشانی دچار هستند من باب رفاه و آسودگی حال آنها در صورتی که اجازه فرمائید

قبوض هذه السنه تنكوز تیل حضرات موافق سنوات سابقه از وزارت مالیه صادر گردد تا اینکه صورت رسمی حقوق آنها از مجلس بوزارت مالیه ارسال شود .

رئیس - ممبر کمیسیون بودجه خوب توضیح بدهند تا مطلب واضح شود - حالا قبل از آنکه توضیح بنهید و داخل مذاکره بشویم چون جزء دستور نبوده باید معلوم شود که آقایان مایل هستند که امروز مذاکره شود یا اینکه جزء دستور برای جلسه دیگر بگذاریم که اذعان مسبق باشد (بعضی اظهار داشته پماند برای جلسه دیگر)

رئیس - اگر مخالفی نیست میگذاریم جزء دستور روز پنجشنبه - راپورت کمیسیون معارف راجع بماده ششم قانون معارف راجع باند (بمبارت ذیل خوانده شد)

تاریخ ۸ شهر جمادی الاولی شماره ۲۰ از کمیسیون معارف بمجلس شورای ملی پیشنهاد آقای حاج فم جمعه بمجلس شورای ملی در خصوص ماده ششم قانون اداری معارف و اوقاف با حضور خود خود آقای حاج امام جمعه مطرح مذاکره شد و معلوم گردید که در عبارتی هم که سابقاً در کمیسیون انشاء شده و از مجلس گذشته است نیت کمیسیون عیناً مطابق با مقصود ایشان بوده و علیهذا رأی کمیسیون معارف بر این قرار گرفت که مقصود مزبور در ضمن یکماده الحاقیه توضیح شود و ماده مزبور بطرح ذیل انشاء گردید بماده الحاقیه ملحق بماده ششم قانون معارف و اوقاف اداره کردن وزارت معارف و اوقاف موقوفاتی را که تویلت آنها مستقیماً راجع بشخص سلطان عصر بادولت است با اجازه سلطان در اول و دولت در ثانی خواهد بود و این در مواردی است که اجازه سلطان عصر یا دولت بوزارت اوقاف منافی غرض واقف نباشد .

حاج شیخ الرئیس - بنده مخالفت خود را در این پیشنهاد در دوسه عرض و اختصار می کنم یکی اینکه شاید این پیشنهاد باین ملاحظه شده باشد که در موقعیکه این ماده در مجلس مطرح مذاکره بود ترك اولائی یا سهو و خطائی شده باشد که محتاج باین مشروح و توضیح باشد بنده از طرف وجدان خود و سایر نمایندگان محترم می خواهم دفاع کنم که همان روزیکه این رای داده شده بود نه مقصود این بود که تویلت مخصوصه منصوبه پادشاه ایران در آن رقباتی که بر حسب تنصیب واقف بان ساخت قدس داده شده است انفی شود یا اینکه موقوف شود زیرا که الوقف علی حسیاً مایقها اوروقها اهلهای گویا در اسلام نباشد در تمام ملل متبوعه این مطلب مسلم است و جای تردید نیست که اگر کسی وقفی کرد همانطوریکه واقف معین کرده است که عایدات آن مصارف بشود باید همانطور عمل بشود و متولی را هر کس معین کرد باید عمل بقرارداد واقف بشود و نظر واقعین را البته در این مسئله و مرحله خوب می دانند آقایان که پادشاه را که متولی می کنند نظر بثروت و غنی و قوت است بنابراین بنده هیچ رأی ندادم که وزیر معارف کائناً ماکان هر کسی باشد البته حالا وزیر معارف محل اعتماد ما است

و دلیلش الغای اوست ولیکن بنده اینکار را اساساً غیر مشروع و خلاف شرع نمیدانم که يك متولی منصوب التوبه میخواد شاه باشد میخواد گدا باشد این تویلت منصوبه او را تبدیل کنند و تحویل کنند و بیک ماده دیگر میخواد وزیر اوقاف باشد یا وزارت اوقاف باشد فقط نظر بنده که این ماده را آروز تصویب کرده ام و گمان می کنم که سایر نمایندگان محترم هم با بنده هم نظر باشند این بود که در زمان هرج و مرج و استبداد پادشاه عصر که تویلت يك موقوفه مثلاً آستانه مبارکه با سایر موقوفاتی که مستقیماً بساحت اعلیحضرت راجع بود از طرف پادشاه يك پیشخدمتی یا غلام پیشخدمتی با اختیار خودش مراجعه میکرد مجلس مقدس بر حسب مناسبت و ملائمت همچو صلاح دید که چون مرجع اوامر پادشاه یا نایب السلطنه در اداره آن اوقاف که تویلتش باسلطان است یا سلطان باشد بنابراین این بنده اگر هم بخواهم این ضمیمه را داخل بکنم نمی گویم لازم نیست اما یکسندری بر میخورد بآن نظر بنده و سایر هم نظران بنده مثل اینکه توضیح واضح یا ایصال واصل یا تحصیل حاصل است این يك نکته نکسته دیگر هم اینجا لازم میدانم عرض کنم اینجا نوشته است رقباتی که و موقوفاتی که تویلتش با دولت است اولاً بنده هنوز ندیده ام که واقفی يك موقوفه قرار بدهد و تویلتش را بیعت دولتی واگذار کرده باشد هنوز بنده ندیده ام فرضاً اگر يك چنین وقفی هم شده باشد و اینجور تویلت را واقف منصور کرده باشد بنده هیچ نمی توانم تصویب کنم که وزیر معارف و اوقاف تنها میتواند ملاحظه بکنند زیرا که دولت عبارت است از يك هیئت اجرائیه که در هر عصر دولت را تشکیل میکنند و شاید يك نظر بتوان گفت که مجلس داخل آن هیئتی است که دولت را تشکیل میکنند و بالاخره اگر موقوفه بعنوان دولت تویلتش منصور شد در آن موضوع ابتدا دخالت وزارت اوقاف موضوعی ندارد بلکه او هم یکی از شرکاء و سهامی تویلت است و با موازین شریعه موافقت ندارد که وزیر اوقاف یا وزارت اوقاف شخصاً نمیتواند مداخله کند .

آقا سید حسن مدرس - فرمایشات آقای حاج شیخ الرئیس را تصدیق میکنم و عرضی هم فیدای این نداریم که باید ماده قانون واضح باشد که اشتباه نشود که حتی سلطان مجبور است در اینکه بوزارت اوقاف واگذار کند بواسطه اینکه در عبارت این شهبه میروید که سلطان مختار نیست مجبور است البته خلاف تمام ملل روی زمین است که وقف باید بحسب آنچه نظر واقف است عمل شود که اگر اینک البته و کلا میدانند که متجاوز هفتاد سال است که بهندوستان انگلیس استیلاء پیدا کرده در این مدت دولت انگلیس يك رفتار تصرف نکرده است بلکه نظارتی در اوقاف دارد اینجا هم همان است توضیحی است ماده علیحده نیست مقصود این است که معلوم باشد و فهمیده شود که سلطان مقهور نیست که اینکار را از مقام سلطنت بتمام دیگری داده باشد برای رفع این شهبه نوشته شده است يك قید دیگری هم در این ماده هست چون البته آقایان وقف نامه های زیادی دیده اند

و ما هم بعضی وقفنامه ها را دیده ام در بعضی از وقفنامه ها هست که سلطان معین بکند آن موضوعی که متولی را شخص سلطان شخصاً خودش فلان کار را بکند یعنی تصریح داده اند لا بد رسمی فلان جارا شخص سلطان معین کرده است ممکن نیست که بتوسط غیر اجرا شود ولیکن آنچه با اختیارات یعنی با اختیار سلطان است البته مصلحت امروزه که سلطان ملی است این است که سلطان واگذار کند ب اداره اوقاف تا تنظیمات را بدهند و بصارفتش صرف بکنند .

افتخار الواعظین - موقوفاتی را که در ایران تویلت او با دولت باشد و در وقفنامه اسم دولت نوشته شده باشد بنده علاوه بر اینکه ندیده ام اطلاع هم ندارم که تا کنون چنین وقفی شده باشد دوجا را بنده اطلاع دارم که تویلت آن مقوض است بسلطان عصر یکی تویلت موقوفات آستانه رضوی علیه السلام یکی هم تویلت مدرسه مرحوم سیهسالار این دوجا را از قراری که بنده اطلاع دارم معوض بشخص سلطان است لکن منموم است که فرض واقف این نبوده است مثل اینکه در وقف نامه موقوفه مدرسه سیهسالار که بنده دیده ام دارد که چون مباشرت تمام امور مخالف احترام سلطنت است لهذا شخص سلطان یکی از رجال دولت را که معروف بصلاح و امانت باشد بتصویب ناظر و مدرسین معین خواهد کرد پس معلوم میشود که مراد از واقفین نه این است که شخص پادشاه خودش حرکت کند برود مشهد مقدس و آنجا املاک آستانه رضوی را اجاره بدهد و دخالت در امور اوقاف آستانه بنماید بلکه غرض آنها معلوم است که برای قدرت و شوکت پادشاه با او واگذار کرده اند که از طرف خودش يك کسیرا که داری امانت و دیانت و شایستگی مباشرت داشته باشد از طرف خودش معین کند بفرستد برای رسیدگی امور موقوفات اینجا به بنیم آیا حقی واقفاً از پادشاه سلب شده است یا بنده است اگر چنانچه نوشته شود در همان قانونیکه از مجلس سابق نوشته شده است يك لفظ طوعاً رفع تمام مازیر را خواهد کرد بواسطه اینکه آقایان میفرمایند که تویلت این موقوفه منصوصاً با سلطان عصر است حالا آن موقوفه منصور التوبه را شایب حکم اجبار و بحکم قانون مداخله او را میباید بوزارت اوقاف بله بنده تصدیق میکنم اگر چنین باشد خلاف شرع است ولی اینجا باید بدید که چرا داده است مباشرت را نهاده است آن حق را که سابقاً داشت بتوسط صدر اعظم ایران متولی باشی برای آستانه مقدس رضوی معین میکرد و يك نفر هم بمست نایب التوبه میگردید برای مدرسه سیهسالار معین میکرد دلحق تعیین مباشرت را پادشاه میتواند بطوع برگذار بکند و وزارت اوقاف و این ایامه مخالفی با شرع ندارد در صورتیکه طوعاً اینکار را بکنند و بنده گمان نمی کنم این خبری که اینجا نوشته شده است که منافی با غرض واقف نباشد گویا این کلمه اشاره ب مدرسه سیهسالار باشد و آنجا هم نوشته شده است که پادشاه يك کسی را تصدیق ناظر و مدرسین حالا معین میکنند هم وزارت علوم و اوقاف باید هر کس را که معین میکنند تصدیق ناظر و مدرسین معین بکنند و اگر تصدیق ناظر و مدرسین معین بکنند و اگر تصدیق ناظر و مدرس معین بکنند است ابتدا خلاف غرض واقف بعمل نیامده است پس اینجا باید فهمید که غرض واقف

مباشرت شخص سلطان نبوده است مقصود چه بوده است تعیین شخص مباشر بوده است تعیین مباشر را که پادشاه بتوسط صدر اعظم می کرد امروز بتوسط وزارت معارف و اوقاف میکنند و هیچ مخالفی هم با شرح امور ندارد آنچه با کمال رضایت و میل خودش بنده با این ماده الحاقیه مغالتم و اگر يك کلمه طوعاً نوشته شود در ماده ششم قانون معارف رفع تمام این مخطورات را خواهد کرد و ابتدا محتاج باین ماده الحاقیه نخواهیم بود .

حاج امام جمعه - بنده هیچ گمان نمی کردم که در این موضوع بعضی از فرمایشات را بشنوم خاطر محترم تمام شاهما بخوبی مسوق است که وقف يك قسم تصرفی است که انسان در مال خودش میکند این در این احکام عقليه اولیه است اختیار مال خودش را دارد هر طور دلش میخواهد تصرف میکند این اختصاص بدین مقدس اسلام هم ندارد زنی در اقصی بلاد هندوستان وقفی کرده است که عایدات اوسال بسال بتوسط کار گزاران دولت انگلیس بدیلمای عیانت عالیات رسیده و قسمت می شود این اختصاص بدین اسلام ندارد و يك مقدمه دیگر این است که من در دلم از این عبارت این معنی را قصد کرده ام این کافی نیست یا اینکه این معنی رادرك کرده ام این کفایت نمی کند باید عبارت معمه مراد باشد خاصه در قانون قانون را باید طوری نوشت که هر کس بینهد بفهمد که مراد قانون گذار از این قانون چیست حالا در این ماده قانون وزارت معارف و اوقاف اینطور نوشته شده است اداره کردن موقوفاتی که تویلت آنها مستقیماً راجع بشخص سلطان عصر بادولت است و این ماده را از وظایف وزارت معارف و اوقاف قرار داده اند ظاهر این ماده این است که یکی از تکالیف وزارت معارف این است که باید موقوفاتی را که تویلت آنها شخصاً راجع بسلطان عصر است اداره بکنند باز خاطر همه شما مستحضر است که در مقابل احکام شرع اسلام شاه و گدا تفاوت ندارد و احکام اسلامی مشغول بنام افراد بتجو واحد عینی تسق واحداست همانطور که موقوفه که تویلتش با بنده است کسی نمی تواند معترض بنده بشود معین طوری وقفی را که پادشاه متولی است نباشد تویلت را از دست سلطان گرفت که شما نمی فهمید باید بوزارت معارف و اوقاف واگذار کرد و گمان هم ندارم که یکی از آقایان نمایندگان در این جزء مخالفت داشته باشد و این قابل مخالفت نیست حالا میفرمایند از خود این ماده این معنی استفاده میشود بنده می خواهم بدانم که از کجای این ماده معنی استفاده میشود این ماده مستحقتر می گوید که موقوفاتی که تویلت آن راجع بشخص سلطان بادولت است وزارت معارف آنرا اداره میکند ام از اینکه سلطان اجازه بدهد بنده رضی باشد یا نباشد و پس کسیکه مگویید مراد ما از این ماده قانون همین معنی بوده است این ادعا رفع ایراد از اینجمله نمی کند این ماده را بیش هر کس میگذارد خواهد گفت که این ماده مخالف با شرع اسلام است و حال آنکه مراد ما هیچ مخالف با اسلام نبوده است و اما اینکه اینجا ذکر میشود که تویلت را نباشد بوزارت معارف و اوقاف داد اینهم اینطور نیست گرچه بنده هم نظرم نیست که جائی تویلت موقوفه بدولت واگذار

شده باشد لکن در صورتیکه چنین موقوفه باشد که تولیت را بدولت واگذار کرده باشند آنوقت هیئت دولت که عبارتست از سلطان و هیئت وزراء اگر آنها صلاح دیدند که وزارت معارف و اوقاف آنرا اداره بکنند این بکجای دنیا ضرر وارد می آید می توانست که اجازه بدهند بدولت که دولت اداره بکند آن موقوفه را پس اینهمه بیچ جای دنیا ضرر وارد نمی آید و این قیده لازم است اینجا اما اینکه بنده بک چیزی در آخر ماده با استحضار آقایان اعضاء کمیسیون معارف اضافه کردم « که اجازه دولت یا سلطان منافی باغرض واقف نباشد » چون در بعضی موقوفات هست که ولو صوراً تولیت را سلطان داده اند لکن حقیقتاً نظری معین کرده است که باید سلطان بدیگری تفویض بکنند مثلاً همین مدرسه ناصری سیهسالار صاحب این مدرسه خدایش بامرزد مینویسد تولیت اینجا با سلطان است لکن چون منافی احترام مقام سلطنت است سلطان باید بیک نفری که متصف بصفات دیانت و صلاح و تقوی از درج اول باشد بدهد اینها بطوریکه گفته شد بداره وزارت معارف نمی شود داد بجهت اینکه معین کرده است که سلطان باید این تولیت را به نفری که متصف باین صفات باشد واگذار کند و نمیشود بوزارت معارف واگذار کرد و گمانم این است که اگر کمی نامل شود در عرایش بنده هیچ جای شبهه و اشکال نباشد .

آقای سید حسین اردبیلی

بنده این ماده العاقبه را مخالف هستم و صلاح نمی دانم که ضمیمه شود بقانون معارف و اوقاف چون یک حقیقتی است که در خارج مسلم است و از روی قواعد شرعی ثابت و محرز است آن دیگر جای مخالفت و اشکال نیست ولی بیچیزی است که آن از روی قواعد دیانتی ثابت است و هیچکس نمیتواند در آن تشکیکی بکند این را ما میخواهیم ضمیمه بک قانون بکنیم بعد از این چند ماهی که آن قانون از مجلس گذشته است این یک سوء اثری دارد و ضرری دارد بجهت اینکه این قانون در موقعی که از مجلس گذشته است آقایان هم در این جا تشریف داشتند و بنده نظرم هست که راپورتی که در ماده اول بواسطه همان اصلاحات نظری که در خصوص تطبیق با موازین شرعی در بین بود آن ماده بک کمیسیون رجوع داده شد بواسطه پاره نظریاتیکه پیش آمده بود کمیسیون لازم دید آقایان حجج اسلام در مجلس تشریف دارند آنهارا دعوت بکنند بندهم بودم و مخصوصاً از همه آقایان مجتهدین که در مجلس تشریف دارند دعوت شد آقای حاج امام جمعه تشریف داشتند مرحوم آقایان زین العابدین قمی هم آنوقت حیات داشتند در کمیسیون بودند آقای آقا شیخ ابراهیم زنجانی آقای حاج سید ابراهیم و آقای آقا شیخعی شیرازی و آقای حاج آقا و آقای هشتارودی و سایر آقایان مجتهدین که در مجلس تشریف دارند حاضر بودند آنوقت و نظر خودشانرا کمالاً بنمایند که یک راه نظری دیگر باقی نماندیم از مذاکرات زیاد مراد این قانون همان نظری که نظر آقایان بود نوشته شد و همه تصویب فرمودند و مسلم است در همان موقعی که این تصویب میگردند از همین نقطه نظر این تصویب فرمودند و غیر از اینهم

ممکن نیست بجهت اینکه تولیتی که راجع بشخص سلطان یا دولت است مادام که منافی با غرض واقف نباشد ممکن است بیک جایی واگذار بشود و همچنین وزارت معارف وقتی میتواند دخالت بکند در اوقاف که مجهول التولیه باشد والا در صورتیکه منصوص - التولیه باشد یعنی بک نوع تولیت خاصی دارد در این صورت واگذار بدیگری نمیتوان کرد مگر با اجازه آن متولی مخصوص چون از روی قواعد منهدمی این مسئله محرز شده است که بدون اجازه متولی دخالت یک کسی دیگر که تولیت ندارد دخالت صحیحی نیست و مسلماً بدون اجازه او و بطوری که مخالف باغرض با واقف باشد صحیح نیست و امکان ندارد کسی بتواند تصرف در آن بکند پس با وجود این تفصیلات و این نظرات که تمام آقایان تشریف داشته اند علاوه بر اینکه دو کمیسیون نظرات خودشان را به دقت کرده اند در مجلس هم آمده وقت شده باز هم آقایان تشریف داشته اند و نظریات خودشانرا کرده اند و بطور صحت این قانون گذشته است حالا بنده از مدتی اگر ما بیائیم یک ضمیمه باین قانون ملحق کنیم ولو این که آن ضمیمه خیلی صحیح است و از خارج هم آن نظر محرز شده است و یا بک قواعدی مبرهن شده است بنده گمان میکنم که این نظر استحکام و ثباتی را که این قانون باید داشته بین میرود و بعقیده بنده شاید اسباب سوء اثر هم بشود خوبست بهمان ترتیبیکه از مجلس گذشته است اکتفا بکنیم و این توضیحی را که بعنوان یک ماده العاقبه است قرار بدیم بجهت این که غیر از این هم مقصودی نداشته اند و مقصودی نمیتوانند داشته باشند و غیر از این از آماده استفاده نخواهد شد .

رئیس - بنده گمان میکنم در این ماده هم مثل سایر مواد قانونی باید دو شور بشود اگر آقایان این مذاکرات را باین درجه کافی میدانند مذاکره را باینجا ختم کنیم و بماند برای شور دو (بعضی اظهار کردند مذاکرات کافی نیست)

رئیس - پس رأی میگیریم در این که مذاکرات را کافی میدانند یا کافی نمیدانند آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند . معلوم می شود مذاکرات را کافی ندانستند - آقای حاج آقا بفرمائید .

حاج آقا - گویا در اصل این ماده که اینجا نوشته شده است یعنی این توضیحی که داده شده هیچکس مخالف نباشد حتی آقایانیکه این توضیح را لازم نمیدانند در اول مطب و حقیقت موضوع موافقت بجهت این که مطلب یک مطلبی است که قابل انکار نیست و همینطور آنکه فرمودند چون وقتیکه این ماده میگذاشت از مجلس شورای ملی نظر بهمان نکته بود که فرمودند که الان توضیح داده شود و تصریح شده است و شاید بر همین معنی ماده سیم و چهارم این قانون است که در آن تصریح شده است که آن اوقاتیکه متولی خاص دارد بدون اجازه متولی خاص هیچکس نمیتواند تصرف در آن بکند وقتی اداره اوقاف هم غیر از یک نظارتیکه در اوقاف باید بکند که عایدی اوقاف بتوسط متولی خودش بمصرف وقف رسد غیر از این دیگر هیچ دخالتی نمیتواند بکند در آماده سیم یا دویم هم که نوشته

شده و آماده خوب شامدی است برای اینکه مراد از این ماده همین چیزی بود که حالا در توضیح میکنیم و باینطور تصریح شده یعنی هیچ فرق ندارد که شخص سلطان متولی یک وقتی باشد یا غیر سلطان یک شخصی وقتی کرد و متولی را شخص سلطان قرار داد هیچ فرق ندارد و سلطان و غیر سلطان این متولی خاص است و آنوقتیکه نظر باین ماده بود و گذشت در موقوفاتی که تولیت با سلطان است من جهت سلطنته عنوان بود یعنی مقصود این بود که اگر تولیت با سلطان از جهت سلطنتش باشد آنوقت وزارت معارف عیب نداشت که از طرف دولت مامور باینکار میشد چون حقیقتاً وزارت اوقاف از طرف دولت معین میشود که مداخله در این امور بکند مثل این است که دولت معین کرده است و اجازه داده است و به همین نظرات است که وزارت معارف میتواند از طرف دولت مداخله و تصرف نماید و اگر تولیت وقتی بشخص سلطان راجع باشد ابتدا تصرف دیگری نمیتواند بدون اجازه او باشد و اگر تولیت وقتی راجع بشخص سلطان شد ابتدا نمیتوان بوزارت اوقاف تفویض کرد بجهت اینکه اسباب سوء تفاهم در آید نشود مجبور شدند که اینرا توضیح بکنند چون مقصود را این ماده ششم درست نمیرساند و این یک تصریح مخصوصی است و یک چیزی نیست که در خارج اسباب تخدیش اذهان بشود که مجلس شورای ملی یک قانونی را نسخ کرده است نسخ تذکره تا اسباب تخدیش اذهان بشود و اینکه آقای رئیس فرمودند که این مثل سایر قوانین باید دوشور بشود بنده گمان میکنم که این یک ماده قانونی باشد که دو شور لازم داشته باشد بنده تصور نمیکند که لازم باشد دو شور بکنیم بلکه این یک توضیحی است و بیان همان ماده شد و چهارم قانون گذشته است یعنی آن چیزیکه متولی خاص دارد و متولی خاص آن سلطان است بدون اجازه سلطان کسی نباید در آن تصرف بکند پس این یک توضیحی است از مقصودی که خودمان در قانونیکه از مجلس گذرانندیم و یک ماده جدیدی نیست که لازم باشد دو شور شود و بنده گمان میکنم آقایان اگر موافقت بکنند اینرا توضیح قرار بدیم و یک شور را در آن کافی دانسته رأی بگیری و نگذاریم که شور دیگر و وقت دیگری صرف این توضیح بشود .

رئیس - خاطر نماینده محترم را متوجه می کنم که در نظامنامه داخلی کلمه توضیح نوشته نشده است هر چه نوشته شده یا ماده قانونی یا لایحه قانونی است .

آقا شیخ رضا - بنده بعقیده شخص خودم تصور میکنم که اینجا یک اشتباهی در صفا شده و نزاع بین این کسانی که صحبت کردند نزاع ضروری است بله و چنانچه آقای حاج امام جمعه اظهار کردند در هردین و هر شرع از شرایع متولی یک موقوفه که از طرف واقف معین شد هر کس باشد نمیشود او را تغییر داد ولی این اصلاحات راجع است باینکه واقف قبض بکند در وقف نامه که ولی این موقوفه و متولی این سلطان عصر باشد این راجع بشخصی است که سلطان عصر ولی عام باشد و این واقف شخصی را متولی کرده است که دولت اسمش

باشد این واضح است اگر کسی گفت متولی این موقوفه شاه باشد نظرش از لفظ شاه معرفی بوده است نه اینکه نظرش بسلطنت بوده در مشتمه موقوفه سیهسالار مرحوم در وقتی که ناصر الدین شاه مرحوم بود وقتی که ایشان میگفتند شاه متولی است یعنی شخص شاه متولی باشد این مسلم است و در این هیچ شکی نیست که تغییر نا پذیر است در هیچ دینی تغییر نمیشود داد ولسی اگر مراد این نباشد مقصودش معروف باشد و شخص سلطان را نگفته است همچو گفته باشد که سلطان عصر یعنی سلطنت یعنی دولت اگر این تصور باشد که راجع بولی عام باشد در اینصورت معرفی متولی بولی عام شده است و آن چیزهایی که اگر متولی خاص نداشته باشد راجع باو میشود واقف در اینصورت همان ولی عام را معین کرده است در این موقوفه بنده بنظر شخص خودم هیچ کس ربط ندارد شخص خودم اینطور اعتقاد دارم که اگر یک واقفی موقوفه معین کند و از برای او متولی معین کند و متولی او را سلطان عصر فرار بدهد سلطان عصر شخص نیست دولت است منتهی این دولت در ایام استبداد تغییر بشخص سلطان میشد و راجع بشخص شاه بود هر کس بود و شخص شاه در آن دوره ها بهر کس راجع می کرد به آن دست خودش کاری کرد چه صدر اعظم و چه اشخاص دیگر پس سلطان در دوره استبداد چند خصوصیت داشت یکی اینکه ریاست کل مملکت را داشت که از او در عربی تعبیر بامام می شود بله ریاست کل مملکت که امام تعبیر می شود عربی در این اواخر سلطان گفته می شود و فرمان فرمائی راجع بایشان میشد علاوه بر ریاست و فرمان فرمائی که بایشان راجع بود یعنی وضع قرارداد ها و حکمها راجع بایشان بود وزراء مأمورین دولت آنوقت دست شخصی فرمانفرما یا صدر اعظم بود که اسسش را وزیر میگذاشتند هر چه می گذاشتند دست شاه بود و کرده کرده او بود یعنی دست شاه بود و وقتیکه دوره استبداد او گذشت و دوره مشروطیت شد این چند مطلب از یکدیگر جدا شد یعنی دولت که عبارت از شخص شاه بود که جامع بود از ریاست کل مملکت و هم فرمانفرمائی و قانون گذاری این چند نفر خصوصیت سلطنت فقط یکیش در شخص شاه باقی ماند و جهات دیگرش میان سایرین قسمت شد باین معنی که ریاست کل مملکت که امات باشد راجع بشخص شاه شد و لکن فرمانفرمائی که راجع بتمام اهل مملکت است که از آنها شخص شاه است به مجلس یا مجلسین رسیده است از طرف شاه پس در هر دوره مشروطیت وقتی که گفته میشود دولت مراد از او مجلس یا مجلسین شاه است چنانچه در دوره استبداد دولت راجع به شخص شاه بود وزراء و مامورین دولت نیستند عمال دولت هستند دست دولت هستند دست مجلس هستند دست سلطنت هستند چیز دیگر نیست دولت عبارت از مجلس یا مجلسین و سلطنت است عمال عبارت از هیئت وزراء و مأمورین است که عاملین این هیئت یعنی مجلس و یا مجلسین و سلطنت است پس وقتی که یک واقفی متولی موقوفه اش را قرار داد شاه آنوقت سلطان عصر بوده است زیرا در آنوقت چیز

دیگری تصور نمیشود کرد اینستکه اگر در آن دوره تعیین میکردند شاه را یعنی دولت که سلطان عصر ولی عام تعبیر شده حالا در هر دوره باید نگاه کرد ولی عام کیست آن زمانها همانطور که عرض کردم همه میدانند که ولی عام شخص شاه بود امروز معلوم میشود که ولی عام عبارت است از هیئت دولت که مجلس یا مجلسین و شاه است پس دیگر در این شبهه نیست مسلماً اگر کسی متولی موقوفه اش را شخص شاه قرار داد شخص ناصر الدین شاه یا کس دیگر اینرا نمیشود تغییر داد در هیچ دینی تصور ندارد اما اگر سلطان عصر را متولی موقوفه خودش قرار داد که ولسی عام است در آن عصر در این دوره عبارت از مجلس و یا مجلسین است پس بنده چنانچه اول عرض کردم اینجا نزاع ضروری است و تصدیق میکنم فرمایشات آقای مدرس و حاج امام جمعه را که اگر شخص سلطنت باشد نمیشود راجع نمود بداره اوقاف ولی وقتی که متولی دولت شد دولت با کدام دست کار میکند البته با اداراتش که راجع بداخله است و اینهم راجع است به وزارت معارف و اوقاف پس اگر امروز یک واقفی شاه را متولی موقوفه اش قرارداد مقصود هیئت دولت است نه غیردخالی بشخص سلطنت ندارد چنانچه اگر معلوم شد شخص سلطنت است آنهم در هر وقتی یکی خواهد بود امروز احمد شاه است چنانچه اگر معلوم شد که شخص سلطنت است آنوقت باید فهمید که مراد همان شخص است یا اینکه سلطان عصر اگر کنیم سلطان عصر ولی عام میشود البته اگر شخص ایشان شدند بهر کس که بخواهند میتواند رجوع کنند چه بوزیر چه بوکیل حتی بخارجه مطبئی نیست اما اگر دولت شد دولت هیئت می شود امروز هیئت دولت عبارتست از مجلس یا مجلسین و شخص سلطان و اموری که راجع است به هیئت دولت البته دولت دست های مختلف دارد و این مسئله وقف راجع میشود باوقاف و اما اینکه گفته می شود انگلستان درباره آن موقوفه که اهالی هند وقف کرده اند امروز هم هیچ تصرف نشده است اینجا هم کسی نگفته است موقوفه که سلطان یا کس دیگر بشخصه میشود آنرا طوری بکنند که خورده نشود البته مقصود اینستکه درست ضبط شود بلکه آنکسانی که متولی را هیئت دولت قرار میدهند برای اینستکه خورده نشود می دیدند که اگر بکسان دیگر رجوع میکردند خورده میشود و امروز هم کسی نگفته است که اگر بدولت راجع شد و متولی دولت شد آنها بخورند ابتدا همچو چیزی را کسی نگفته است و البته اگر کسی متولی را هیئت دولت قرار بدهد بهتر است که شخص سلطان را قرار بدهد برای آنکه هیئت که شد نظار یکی دوتا نیست بیشتر است مسلم است که امروز محکمتر میشود هندوستان هم همین طور در آنجا کم موقوفاتی قرار داده بودند تولیتش باسلطین هند باشد و تولیت او باسلطنت امروزی انگلستان که شده است و چون هر اموری از امور مملکت راجع بیکس از ادارات مملکت است امروز هم هندوستان چون راجع بآنها است این

اداره هم راجع بآنها شده است نه اینکه تولیت بآنها بوده است نمیدانم ممکن است با آنها هم بوده باشد بداره اوقاف و گذارنده است اینستکه اینطور شده پس کسی نخواست است که این تولیت که بدولت راجع می شود خورده یا بشخصیکه راجع میشود خورده شود اینطور نموده است و البته اگر بهیئت دولت راجع شود بهتر می شود باز مکرر عرض میکنم وقتیکه سلطان عصر گفته شد نظر بهیئت دولت میشود چنانچه گفته شده متولی خاص است چنانچه بعضی ها اظهار فرمودند .

رئیس - حالا مذاکره کافی است یا کافی نیست؟ (گفتند کافی است .)

شور اول اینصورت قانونی تمام شد شور دویم میماند بجلسه دیگر قانون بودجه دوباره شروع میشود مذاکره در کلیات است در کلیات اگر مخالفی نیست رأی میگیریم که داخل در مواد بشویم (مخالفی نبود) آقایانیکه تصویب میکنند داخل در مواد بشویم قیام نمایند .

رئیس - اکثریت است (ماده اول عبارت ذیل قرائت شد .)

ماده ۱ - اعلیحضرت هایونی - صرف جیب - نوروزی - و مولودی ۱۴۵۰۰ تومان .

رئیس - مخالفی نیست؟ (مخالفی نبود .)

رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه تصویب میکنند ورقه سفید خواهند انداخت و آنهایکه مخالف هستند ورقه (آبی شروع باخته آراء گردید حاج میرزا رضاخان بعد ذیل احصاء نمود) (ورقه سفید علامت قبول ۶۲) اسامی تصویب کنندگان : وحید الملک - دهخوارقانی - زنجانی - سبحان میرزا - صدر العلماء - حاج شیخ رئیس - آقامیرزا یانس - آقا شیخعلی - ذکاء الملک - آقا سید ابراهیم قمی - مساوات - انتظام الحکماء - قشقایی - آقا سید جلیل - دکتر علیخان - لسان الحکماء - حاج شیخعلی - دکتر امیرخان - رکن الملک - میرزا داودخان - علی زاده - معزز الملک - آقا سید محمد رضا منتصر السلطان - آقا میرزا احمد - ابوالقاسم میرزا - اعتصام الملک - افتخار الواعظین - حاج شیخ اسدالله آقا محمد مشیر حضور - آقا میرزا قاسم خان - باطنی - معذل الدوله - فرزانه - نجم آبادی - عز الملک - ارباب کبیر و سید الاطباء - نیر السلطان - حاج سید ابراهیم محمد شاه میرزا - آقا سید محمد باقر - ادیب ضیاء الملک - معین الرعایا - آقا شیخ غلامحسین - تربیت - آقا سید حسین کرازی - آدینه محمدخان - دکتر اسمعیل خان ادیب التجار - حاج آقا عز الملک - حاج سید نصرالله آقا میرزا اسدالله خان - دکتر لقمان - معاضد السلطنه - آقا میرزا ابراهیم خان - معتمد التجار - معین السلطنه - لواء الدوله - حاج میرزا رضاخان .

رئیس - با اکثریت ۶۲ رأی تصویب شد (ماده ۲ عبارت ذیل قرائت گردید .)

ماده ۲ - ولایت عهد از بابت صرف جیب و حقوق اجزاء ۱۸۰۰۰ تومان .

رئیس - مخالفی نیست (آقا شیخ غلامحسین بنده توضیحی دارم .)

آقا شیخ غلامحسین - میخواستم آقای مخبر توضیح بدهند چون این خیلی مجمل است تا اینکه مسوق بشویم .

حاجز الممالک (مخبر کمیسیون بودجه) - داخل جزئیات این شدن گمان میکنم که خارج از وظیفه مجلس باشد و کمیسیون بودجه دقت کامل در جزئیات این کرده است گویا کمتر از این ممکن نباشد.

رئیس - دیگر مخالفی نیست؟ (مخالفی نبود.)

رئیس - رای میگیریم بماده ۲ آقایانی که تصویب می کنند و رفق سفید خواهند انداخت والا ورقه آبی (شروع باخذ آراء کردند) .

حاج میرزا رضاخان - بمعد ذیل شماره نمود)

ورقه سفید علامت قبول ۵۹ - اسامی تصویب کنندگان :

محمد هاشم میرزا - دهنخوار قانی - زنجانی - سلیمان میرزا - صدرالعلماء - ادیبالتجار - حاج شیخ رئیس - معتمدالتجار - آقا شیخ علی - ذکاء الملک - حاج محمد کریمخان - دکتر لقمان - حاج سید نصرالله - دکتر اسمعیل خان - معاضدالسلطنه - آقا میرزا ابراهیم قمی - انتظامالحکماء و رکن الممالک - دکتر امیر خان - متینالسلطنه - مساوات - لسانالحکماء - منتصرالسلطان - حاج شیخعلی - آقا سید جلیل - علی زاده - آقا میرزا احمد - افتخارالواعظین - سعیدالاطباء - ابوالقاسم میرزا - حاج آقا - لواءالدوله - آقا محمد بروجرودی - آقا سید محمد رضا - آدینه محمد خان - ارباب کیخسرو - معذل الدوله - آقا میرزا قاسم خان - معززالملک - فرزانه - نجم آبادی طباطبائی - معززالملک - آقا شیخ غلامحسین معینالرعایا - ضیاء الممالک - آقا شیخ غلامحسین عزالملک - حاج شیخ اسدالله - آقا میرزایانس - حاج عزالملک - تربیت - نیرالسلطان - آقا میرزا ابراهیم خان - حاج سید ابراهیم - دکتر علی خان - حاج میرزا رضا خان - آقا میرزا اسدالله خان - آقا میرزا رضا مستوفی .

رئیس - با اکثریت ۵۹ رای تصویب شد (ماده ۳ عبارت ذیل قرائت شد .)

ماده ۳ - نیابت سلطنت عظمی و کابینه ۶۰۰۰ تومان .

رئیس - مخالفی نیست؟ (انتهای نشد)

رئیس - رای میگیریم آقایانی که موافقتند ورقه سفید خواهند انداخت و آن هائی که مخالفند ورقه آبی .

(اوراق رای اخذ گردید حاج میرزا رضاخان بمعدذیل شماره نموده)

ورقه سفید علامت قبول ۵۹ ورقه آبی علامت رد)

اسامی تصویب کنندگان .

ذکاءالملک - حاج شیخالرئیس - صدرالعلماء - محمد هاشم میرزا - رکن الممالک - معتمدالتجار - آقا میرزا ابراهیم قمی - ادیبالتجار - حاج محمد کریم خان - دکتر اسمعیل خان - آدینه محمد خان - حاج سید نصرالله - متینالسلطنه - انتظامالحکماء - معاضدالسلطنه - آقا شیخ علی - وحید الملک - دکتر لقمان - زنجانی - لسانالحکماء - حاج شیخعلی - دکتر علی خان - علی زاده -

آقا سید جلیل - منتصرالسلطان - حاج شیخ اسدالله - دکتر امیر خان - مساوات - لواءالدوله - آقا محمد بهجت - سعیدالاطباء - ابوالقاسم میرزا - آقا سید محمد رضا همدانی - ارباب کیخسرو - طباطبائی - افتخارالواعظین - آقا میرزا اسدالله خان - حاج سید ابراهیم - حاج آقا - معذل الدوله - آقا میرزا قاسم خان - اهتمام الملک - تربیت - آقا سید محمد باقر ایدب - فرزانه - نجم آبادی - عزالملک - مشیر حضور - نیرالسلطان - ضیاء الممالک - دهنخوار قانی - آقا شیخ غلامحسین - معینالرعایا - حاج عزالملک - حاج میرزا رضا خان - آقا میرزا ابراهیم خان - رد کنند - آقا سید حسن مدرس .

رئیس - با اکثریت ۵۹ رای تصویب شد اگر مخالفی نیست ماده ۴ و ۵ را بگذاریم بعد از تنفس آقای نیرالسلطان استیضاحی از آقای رئیس الوزرا نموده اند راجع باوضاع مازندران - آقای رئیس - الوزراء که تشریف دارند چه روزی حاضر خواهند شد برای جواب .

رئیس الوزراء - استیضاح را از وزیر داخله باید بکنند اگر از بنده میخواهند استیضاح بنمایند هر روزی که میخواهند بفرمایند بنده روز پنجشنبه را حاضرم (دراین موقع تنفس شد و ثانیاً مجلس یکساعت قبل از غروب آفتاب منقطع گردید .)

رئیس - بقیه قانون بودجه دربار از فصل ۲ ماده ۴ شروع میشود (ماده مزبور عبارت ذیل قرائت شد) .

ماده ۴ - وزارت دربار بانضمام ادارات محاسبات ۲۰۰۰۰ تومان .

حاج شیخ اسدالله - وزارت دربار بانضمام ادارات محاسبات ۲۰۰۰۰ تومان این اداره محاسبات را باید توضیح بدهند که چه اداره است و اعضاء او چند نفرند و حقوق آنها چقدر است تا آتوق بتوانم عقیده خود را در این باب اظهار بکنم بنده ۲۰۰۰ تومان را برای وزارت دربار و اداره محاسبات که کمیسیون بودجه هم تصویب کرده است زیاد میدانم و ۱۲۰۰۰ تومان بیشتر بنده تصویب نمیکنم و پیشنهاد میکنم که ۱۲۰۰۰ تومان تصویب شود

حاج عز الممالک (مخبر کمیسیون) - اولاً توضیح اداره محاسبات را عرض کنم این اداره محاسبات محاسبات کل دربار است که راجع به بیوتات سلطنتی و اداره نظاره و غیره و کلیه محاسبات در بار میباشد همانطور که در ماده ۵ شرح داده شده است این محاسبات راجع باین ادارات است و بیشتر خود این اداره محاسبات یک وزارت مستقلی بوده است بلکه وزیر باو هم میگفتند اند حالا یک اداره محاسبات است جزء وزارت دربار اما اینکه فرمودند ۲۰۰۰۰ تومان زیاد است این با چندین نظر ۲۰۰۰۰ تومان شده است الا خود وزارت دربار پیشنهادی که کرده بود ۳۱۴۰ تومان بود و نظرانی هم که وزارت مالیه کرده بود در اینخصوص ۲۴ هزار تومان تصویب کرده بود کمیسیون بودجه با دقت لازم درمخارج آن چه در اداره محاسبات وجه در کابینه وزارت دربار آن ۳۰۰۰۰ تومان را تصویب کرد گمان میکنم که هیچ کمتر از این مبلغ نشود در باب تشکیلات بیوتات و کابینه و اداره محاسبات هم نظر والا حضرت اقدس

نایب السلطنه و اگذار شده است که هر چه مصلحت بدانند معمول فرمایند .

بهجت - در ضمن این تشکیلاتی که در ماده بعد خواهد آمد بعضی تشکیلات درباری را دیدم نیست مثل اداره تعینات شاهی یعنی مواج معلمین شاهی در خارج هم تحقیق کردم اینچنانست بهر جهت مخالفت بنده راجع باین حقوق دربار است که حاج شیخ اسدالله مذاکره کرد - اگر تشکیلات دیگری هست غیر از اینها در دربار که بفرمائید والا این ۳۰۰۰۰ تومان زیاد است و همان ۱۲۰۰۰ تومان کافی است که حاج شیخ اسدالله پیشنهاد کرده است .

مخبر - تشکیلات دربار عبارت از مواج خود وزیر دربار است و اداره محاسبات کل سلطنتی کابینه وزارت دربار و اینکه فرمودند زیاد است تعجب میکنم خود وزیر دربار مواجش ۶۰۰۰ تومان خواهد بود و بقیه اش هم راجع بکابینه و سایر ادارات خواهد بود و جزئیاتش را اگر مجلس موافق بود شاید عرض میکردم ولی گمان میکنم که لازم نباشد و الا ممکن بود عرض کنم .

حاج شیخ اسدالله - بنده بر حسب آن وظیفه ای که دارم مجبورم که امروز اینجا از این ۲۰۰۰۰ تومان دفاع کنم و عرض میکنم .

رئیس - آقا شما که دفاع میفرمائید پس موافق هستید .

حاج شیخ اسدالله - بنده اشتباه لفظی شد دفاع از عقیده خود میکنم و مخالفم با این راپورت عرض میکنم یک نفر وزیر دربار و بعضی چیزهای دیگر که باو منضم کرده اند - میدانم عده آنها چند نفر است می نویسد وزارت دربار و اداره محاسبات یک قدری تحمل بفرمایند که اداره محاسبات چند نفر اجزاء لازم دارد و اینها چقدر حقوق میگیرند اینجا ۲۰۰۰۰ تومان کمیسیون بودجه تصویب کرده است از برای وزیر دربار و در ضمن این وزارت دربار می نویسد اداره محاسبات اینرا درست ملاحظه بفرمائید که این چه اداره است که کمیسیون چهارده هزار تومان تصویب کرده است آخر یک وزیر درباری از یک وزیر مشول ملکیتی چقدر بیشتر باید حقوق بگیرد می فرمایند که وزیر دربار مثل یکی از وزراء حقوق میبرد ۱۴۰۰۰ تومان او مال اداره محاسبات است آنوقت شاید رئیس الوزراء هم ۳۰ هزار تومان از ما تقاضا بکنند و همچنین سایر وزراء بجهت اینکه مزیتی و شغلی برای وزیر دربار که اضافه باشد از سایر وزراء بنده نمی بینم اگر بنا باشد برای وزارت دربار ما ۲۰۰۰۰ تومان حقوق در مجلس تصویب بکنیم از برای سایر وزراء باید بیشتر تصویب بکنیم وزارت دربار اینقدر کار مهمی ندارد در این ملک در خصوص کابینه درباری در جزو حقوق نیابت سلطنت است که تصویب کردیم وزارت دربار و اداره محاسبات دربار تمامش را وقتی که بسنجیم از روی دقت نظر می بینیم که این اداره محاسبات و وزارت دربار که یکی هم خود وزیر دربار باشد شش هزار تومان برای آن اداره محاسبات تصویب کنیم خیلی کافی است و ۶۰۰۰ تومان هم برای وزیر دربار - عقیده بنده اینست

که اگر ما زیاد از این تصویب کنیم ظلم است بر این ملت و این ملک .

مخبر - آقای حاج شیخ اسدالله این ۲۰۰۰۰ تومان را تمام راجع میکنم بوزیر دربار هیچ همچو چیزی نیست هیچ بوزیر دربار ۲۰۰۰۰ تومان داده نشده است ما ۲۰۰۰۰ تومان میدهم بوزارت دربار و اداره محاسبات و اداره محاسبات هم منحصر نیست بمعاسبات وزارت دربار این راجع است اداره جات کل بیوتات سلطنتی از قبیل فراش خانه آبدارخانه وغیره که در ماده ۵ شرح داده شده است و این اداره محاسبات هم رئیس خواهد داشت چندین منشی خواهد داشت این اداره کوچکی نیست عرض کردم که سابق بر این خود این يك وزارت مستقلی بود و کابینه وزارت دربار هم مثل کابینه سایر وزارت خاتنها رئیس دارد اعضاء دارد تقریباً هر کابینه خودش شش هزار تومان لازم دارد و بقیه هم برای مستخدمین جزء است و اینجا نباید اینقدر نظر را تنگ و کوچک گرفت و گفت که ۲۰۰۰۰ تومان زیاد است نظر بکلیه دربار بکنند که ۳۰۰۰۰۰ تومان مخارج دارد و بیشتر یک کرور می دادند دیگر داخل شدن در - جزئیات این بقیه بنده از وظیفه مجلس خارج است بلکه بنده عقیده ام این بود که کلیه این را بموجب یک ماده بدهیم بوالا حضرت نیابت سلطنت که خودش هر نوع تشکیلات دربار را لازم می داند تشکیل بدهد عاجلاً کمیسیون رای داده است بترتیب مواد پیشنهاد شود در این ماده ابتداء ۳۱ هزار و صد و چهل تومان وزیر دربار پیشنهاد کرده بود و توضیحاتی که داده بود وزارت مالیه هم پس از نظرات خودش ۲۴ هزار تومان تصدیق کرده بوده کمیسیون بودجه با يك دقت کاملی ۲۰۰۰۰ تومان تصویب کرده است و این هیچ زیاد نیست و این قدر نظر را تنگ نباید گرفت .

رئیس - مذاکرات را آقایان کافی نمی دانند (اظهار شد کافی است) پیشنهادی از طرف حاج شیخ اسدالله شده است قرائت میشود و در قابل توجه بودن اورای گرفته می شود (پیشنهاد مزبور عبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که وزارت دربار و اداره محاسبات صد و بیست هزار تومان رای گرفته شود .

رئیس - کمیسیون چه می گوید در این خصوص .

مخبر - ابدأ کمیسیون نمی تواند اینرا قبول کند .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله توضیحی دارید بفرمائید

حاج شیخ اسدالله - اینکه آقای مخبر فرمودند که اداره محاسبات تمام بیوتات سلطنتی است یک قدری التفات بفرمائید به بنده حقوقیکه ما تصویب می کنیم از برای تمام این بیوتات سلطنتی چقدر است و چند نفر در اداره محاسبات او باید باشد چقدر حقوق لازم دارند بنده عرض می کنم این ۲۰۰۰۰ تومان را بهیچ نظری نمی توانم رای بدهم بلکه اگر آنطوریکه فرمودند جزئیات این حقوق درباری را

بمجلس نیاورده بودند و داخل در جزئیات نمی شدیم و نمیفهمیدیم شاید بنده عرضی نمی کردم در اینباب ولی بمذاذ آنکه جزئیات او بمجلس آمده و میبینیم در این ماده فقط می نویسد که حقوق وزارت دربار و اداره محاسبات ۲۰ هزار تومان ایشرا بنده نمیتوانم تصویب کنم و پیشنهاد میکنم که ۱۲ هزار تومان تصویب شود و همان نظراتی را که عرض کردم دارم و اگر هم رای پیشنهاد بنده نماند بقیه خودم باقی هستم و پیشنهاد خودم را پس نمیگیرم

محمد هاشم میرزا - عرض میکنم بواسطه اختصاریکه اینجا نوشته شده است وزارت دربار و اداره محاسبات این اختلافات میشود ولی تمام اینها مدرک داشته است تمام جزئیاتش ملاحظه شده است حتی مواج اجزاء هم ملاحظه شده است آتوق تا از روی دقت آن ۳۱۰۰۰ تومان و کسری که پیشنهاد وزیر دربار بوده است تبدیل شده است به ۲۰۰۰۰ تومان اگر آقای حاج شیخ اسدالله و سایرین می خواهند بیشتر دقت بفرمایند بهتر اینست که امروز بنام این لایحه و بیانیه بکمیسیون بودجه و آن صورت را به بیئت و جزئیات آن اطلاع پیدا بکنند و برای شخص وزیر دربار هم آنچه معین شده است خیلی کمتر از حقوق وزارت است یا بنده تصور کم تر است منتهی ۴۰ یا ۳۵۰ تومان است بقیه او از برای ادارات درباری نوشته شده است فقط اینجا بطور اجمال و اگذار شده است والا مقصود از وزارت دربار تصور فرمایند که یکمتر به ۲۰۰۰۰ تومان وزارت دربار داده میشود بلکه آنچه بنظر بنده است برای وزیر دربار کمتر از سایرین منظور شده است اینها در مقابل تشکیلات يك وزارت دربار است نسبت با نوزارت آن وزارت خانه است و بهر گناه از وزارتخانه نظر کنیم می بینیم خیلی بیشتر از اینها حقوق دارد نه اینکه تصور بفرمائید راجع باین دو فقره است که خودشان تصور کردند اگر از توضیحات آقای مخبر فافع نشدند تشریف بیاورید کمیسیون ملاحظه کنند و بنده گمان ندارم این تشکیلاتی که بجزئیاتش رسیدگی شد وزارت دربار از عهده آن تشکیلات بر آید و کمتر از این ممکن نیست مان نمیکنم دیگر مذاکره داشته باشد

رئیس - رای میگیریم پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام نمایند (قیام نکردند)

رئیس - قابل توجه نشد حالا رای میگیریم بماده ۴ بودجه .

حاج عز الممالک - اگر اجازه بدهید یک توضیحی در اینجا لازم است عرض کنم و آن اینست که این اداره محاسبات منحصر بوزارت دربار هم نیست بلکه محاسبات انانیه سلطنتی هم از قبیل موزه و سایر چیزها با این اداره است که باید رسیدگی بکنند .

رئیس - آقایانی که ماده ۴ را تصویب میکنند ورقه سفید خواهند انداخت (اوراق رای اخذ شد و آقای حاج میرزا رضاخان از قرائت ذیل شماره نمود ورقه سفید ۴۰ ورقه آبی (۱)

آقایانی که تصویب کرده اند: دکتر اسمعیل خان - معتمدالتجار - میرزایانس - منتصرالسلطان - حاج

شیخعلی - لسانالحکماء - دکتر امیرخان - آقا میرزا ابراهیم قمی - متینالسلطنه - انتظامالعلماء - افتخارالواعظین - آقا شیخعلی - ذکاءالملک - حاج سید نصرالله - دکتر علیخان - حاج محمد کریمخان - آقا سید محمد رضا - دکتر لقمان - ابوالقاسم میرزا معاضدالسلطنه - ارباب کیخسرو - حاج آقا - طباطبائی - محمد هاشم میرزا - معذل الدوله - اهتمام الملک - آقا میرزا اسدالله خان - معززالملک - فرزانه - مشیر حضور ضیاءالملک - آقا میرزا علی - لواء الدوله - حاج معینالرعایا - آدینه محمد خان - ادیبالتجار - حاج عزالملک - آقا میرزا قاسم خان - حاج میرزا رضاخان آقا میرزا ابراهیم خان - حاج سید ابراهیم - رد کنند - حاج شیخ اسدالله .

رئیس - ماده ۴ با اکثریت چهل و یک رای تصویب شد ماده ۵ خوانده میشود .

(بمبارت ذیل قرائت شد .)

ماده ۵ - بیوتات سلطنتی - خادمان حرم - عمله خدمت - آغا یان خواجگه معملین اطباء حضور - کتابخانه - نقاشخانه - عکاسخانه - تشریفات کشیکخانه - دارالنظاره - آبدارخانه - قهوه خانه - فراشخانه - قابوچیان - صنوقخانه - رخت دارخانه - سر ابدارخانه - چراغخانه - اصطبل خاصه - زین خانه - کالسکه خانه - تفنگ دارخانه - اسلحه خانه - قاطر خانه - شترخانه - قیل خانه - شاطر خانه و شکارچیان سالیانه ۳۰۹۲۳۵ قران - نقد ۳۲۶۰ من گندم - ۸۲۶۷۰ من جو - ۱۷۹۱۹۰ من کاه - ۶۹۴۵۰ من قصیل - ۱۶۲۲۵ من پونه .

رئیس - در این ماده مخالفی هست .

معاضدالسلطنه - بنده فقط باینکه کلمه در این ماده مخالف هستم و آن اطباء حضور است چون سابق اطباء زیاد بودند در دربار و حالا بکنفر طبیب معین کرده اند از اینجهت گمان میکنم که اطباء حضور نوشتن صحیح نباشد که اسباب زحمت بشود همینقدر بنویسند (طبیب حضور) کافیست .

حاج عز الممالک صحیح است (طبیب حضور) بایستی نوشته شود و اینکه اینطور نوشته است اشتباه قلمی است .

محمد هاشم میرزا - بنده خواستم عرض کنم که اطباء حضوری که در اینجا نوشته شده است فقط یک نفر طبیب است و یک نفر معاون و بیش از این نیست .

رئیس - دیگر مخالفی نیست - رای میگیریم بماده پنجم بودجه که ۱۹۱۷۱۳۵ تومان ۵ قران نقد و ۳۵۱۲ خروار و ۹۵ من جنس تصویب کرده است کمیسیون بودجه - آقایانی که این ماده را تصویب میکنند ورقه سفید خواهند انداخت اوراق رای اخذ شده آقای حاج میرزا رضا خان آنها (رایعده ۴۶ ورقه سفید شماره نمود) آقایانی که تصویب کرده اند ادیبالتجار - منتصرالسلطان - میرزا یانس - معتمدالتجار - دکتر اسمعیل خان - آقا شیخعلی - دکتر لقمان - ذکاءالملک - انتظامالحکماء - حاج سید نصرالله - صدرالعلماء - حاج محمد کریمخان - آقا میرزا ابراهیم قمی - آقا سید محمد رضا - ابوالقاسم میرزا آقا مخبر - لسانالحکماء - ارباب کیخسرو - افتخارالواعظین - طباطبائی - معذل الدوله - اهتمام الملک - مشیرحضور - آقا میرزا قاسم خان - معززالملک - فرزانه - حاج معینالرعایا - عزالملک - حاج عزالملک - ضیاء الممالک - آقا میرزا ابراهیم

خان - زنجانی - حاج میرزا رضاخان - حاج شیعظلی - آقامیرزا علی - مساوات - آدینه محمد خان - لواءالدوله - ماضدالسلطنه - حاج شیخ اسدالله متین السلطنه - حاج آقا محمد هاشم میرزا - آقامیرزا اسدالله خان - حاج سید ابراهیم - آقا میرزا رضا مستوفی .

رئیس - ماده پنجم با اکثریت ۴۴ رأی تصویب شد .

رئیس - خوب بود از طرف کمیسیون یکماده در جمع کل پیشنهاد میشد که وقتی که میخواهیم در کلیات رأی بگیریم با آن ماده رأی بگیریم .

حاج عز الممالک - کمیسیون قبول نکرده است که کلاً بطور یکماده واحده پیشنهاد بشود و همینطور رایورت داده شده است بطور ماده بیسی در ضمن این چند ماده قبول کرده است که پیشنهاد مجلس بشود .

رئیس - چطور قبول نکرده برای ترتیب رأی گرفتن باید یکماده باشد که با آن رأی بگیریم .

حاج عز الممالک - برای ترتیب رأی گرفتن بطوری که در قانون محاسبات عمومی نوشته شده است باید در مواد را گرفته شود کمیسیون هم همینطور رایورت داده است و جمع کل اینها هم اینست که نقلاً و جنساً در اینجا نوشته شده است .

رئیس - اینکه نمیتود گفت که جمع کل نقلاً اینقدر جنساً اینقدر باید نوشت که مجلس شورای ملی برای بودجه دربار فلاقتور نقد فلاقتور جنس تصویب مینماید تا اینکه با آن رأی گرفته شود .

حاج عز الممالک - خیلی خوب ایسرا می نویسیم .

رئیس - در باب بودجه مجلس که بواسطه بلاتکلیف مانع ماده (۲) همینطور معوق مانده است اگر چه جزء دستور نیست لکن بواسطه معوق مانع بودجه خوب است تکلیف این ماده را هم امروز معین بکنیم (گفتند صحیح است)

(در این موقع پیشنهاد آقای حاج عز الممالک از طرف کمیسیون در جمع کل عبارت ذیل قرائت شد)

مجلس شورای ملی مبلغ (۳۹۲۶۳) تومان و پنجاه هزار نقد و مقدار (۳۰۱۲) خروار و (۹۵) من جنس برای مخارج دربار سلطنتی تصویب مینماید .

رئیس - در این ماده مخالفی هست (اظهاری نشد) مخالفی نیست رأی میگیریم به این ماده آقایانی که با این ماده موافقت ورده سفید خواهند داد و آقایانی که مخالفند ورده کبود .

(اوراق رأی اخذ شده آقای حاج میرزا رضا خان آنها را (۵۰) ورقه سفید شماره نموده) آقایانی که تصویب کردند: دکتر لقمان - حاج محمد کریمخان قشعانی - یوسف خان - میرزایانس - سدرالعلماء - انظام الحکماء - دکتر علیخان - مساوات - منتصر السلطا - دکتر امیر خان - آقای حاج شیعیلی خراسانی - حاج سید نصراله - ذکاء الملک - میرزا ابراهیم قمی - سلیمان میرزا - معتمدالتجار - ارباب کیخسرو - آقا شیعیلی شیرازی - دکتر اسماعیل خان - میرزا علی اصفهانی - آقا شیخ ابراهیم زنجانی - لسان الحکماء دهخوارقانی - اعتصام الملک - ابوالقاسم میرزا - آقا محمد - افتخار الواعظین - آقا سید

باقر ادیب - معدالدوله - سیدالاطباء - میرزا قاسم خان - معزز الملک - فرزانه - طباطبائی - حاج عز الممالک - تربیت - عز الملک - معین الرعایا - ضیاء الممالک حاج میرزا رضاخان - ناصر الاسلام آقا میرزا ابراهیم خان - وحید الملک - میرزا اسدالله کردستانی - محمد هاشم میرزا - ماضدالسلطنه - آدینه محمد خان - متین السلطنه - حاج آقا - لواءالدوله آقا سید ابراهیم مدرسی .

رئیس - با اکثریت (۵۰) رأی تصویب شد رایورت کمیسیون بودجه راجع به حقوق آقای حاج شیخ رئیس خوانده میشود (بمبارت ذیل قرائت شد) لایحه و وزارت مالیه راجع بحساب آقای حاج شیخ رئیس قرائت گردید و وزارت مالیه شرحی مرقوم داشته بودند در اینکه در سنوات سابقه سالی یا نصف تومان در جزء وجه افطاریه و صرف جیب حقوق داشتند و در سال نوبی ثلث اشتباهاً در جزء ثبوت این مبلغ قلمداد شده بود و چون جزء ثبوت بوده فعلاً وزارت مالیه تکلیف خود را نمیدانند و وزارت مالیه نظر بخدمات و اهتمامات کافیه جناب معظم الیه در ترویج شریعت مطهره و مشروطیت سالی یا نصف تومان بعنوان مدد معاش پیشنهاد نموده بودند میرزا مذاکرات لازمه کمیسیون سالیانه مبلغ سیصد تومان در حق جناب آقای حاج شیخ رئیس تصویب نموده ماده ذیل را پیشنهاد مینماید .

ماده واحده - سالیانه مبلغ سیصد تومان در حق آقای حاج شیخ رئیس مادام الحیات برقرار میشود .

سلیمان میرزا - بنده با وجود وضع مالیه مان و این ترتیبات و فقهانی که در مالیه داریم و محتاج بقرض هستیم و مخارجی که بی دریغی از برای ما پیش میاید این قبیل چیزها را که در حقیقت میتوان گفت کرایت است گمان نمیکنم مناسب باشد عملی الخصوص با آن شرحی که آقای معدالدوله در جلسه گذشته فرمودند که کما که هنوز از ترتیب بودجه و عایدی خودمان اطلاع نداریم و نمیتوانیم بجهت ترتیبات با این ترتیبات بیاییم یک چیز را باسم افطاریه یا سایر اسامی که سابق بوده است امروز شروع کنیم بتصویب کردن و گویا حاج شیخ رئیس خودشان هم راضی باین مسئله نباشند که امروز از برای ایشان لغت (افطاریه) تجدید بشود و اسباب این بشود که بعد از این بی دریغی از وزارت مالیه لواجیب بیاید و از برای هر کس یک افطاریه پیشنهاد بشود و این لغت در بودجه یک بابی بشود باین ملاحظاتی بنده این را رد میکنم و مخالفم باین ترتیب و تقاضا می کنم و آقای مخیر ارجاع این را بکمیسیون بخواهند و در آنجا بحضور خود آقای حاج شیخ رئیس در این باب اظهاراتی که لازم است بشود و اگر متقاعد شوند این مطلب مسکوت عنه بیاند .

حاج عز الممالک - رجوع بشود بکمیسیون ملاحظاتی نانوی بشود و بمجلس پیشنهاد خواهد شد .

رئیس - بر میگردد بکمیسیون - آقای بهجت سؤالی داشتید از وزارت امور خارجه در باب کمیانی لنج بفرمائید .

بهجت - سؤالات بنده از آقای وزیر امور خارجه راجع نامور عربستان که مربوط میشود بانگلیسها متعدد بوده است و حالا گویا برای آن قسمتی که راجع میشود بکارون علیا حاضر شده اند که جواب

بدهند و الا سؤالات بنده متعدد بوده است مسئله کارون علیا چنانچه خاطر آنتایان مسیوق است لابد استحضار دارند که کارون علیا فرق بوده است از سیرکشتی و گویا فقط یک کشتی باسم شوشان مال کمیانی لنج بوده است که این را هم تقدیم کرده است بیاد شاه که در آن عصر ناصرالدین شاه بوده است و آن کشتی هم داستانی دارد که حالا باشد مقصود اینست فقط همان یک کشتی است و دست کمیانی لنج است و در آنجا کار میکند یک کمیانی هم تشکیل شده بود در سنه ۱۳۰۷ به اسم کمیانی ناصری که بنای کشتی را همین کمیانی گذاشت و امتیاز کشتی رانی هم مطابق یک امتیازی است که صورت آن در وزارت خارجه یاد وزارت داخله و در واقع بنده نام کجا است ثبت است که کشتی رانی کارون علیا منحصر است بکمیانی ناصری و در یکسال قبل کمیانی فقط برای بعضی ضروریات درخواست کرد که یک (استمنج) از کنار سد کارون حرکت بدهد و بواسطه بعضی آلتی که لازم داشت و بمجلس هم رسید و گذشت و موقع او هم حالا گذشته است ولی فعلاً آن یک استمنج که عبارت باشد از یک کشتی کوچک که تا کشتی کوچک دیگری که باری است که با اصطلاح (دوبه) است برآ علاوه شده است بعلاوه کمیانی لنج هم که دخلی کمیانی لفظ ندارد سه (دوبه) دیگر بکارون علیا گذراننده و مشغول حمل و نقل است این میشود شش (دوبه) و یک (استمنج) و بنا بر این تقدیر باید گفت که فرق شکسته شده است و اگر شکسته شده است که آنوقت بین المللی میشود و آنوقت این بین المللی شدن با آن نظری که ما داشته ایم که کشتی رانی کارون منحصر است بیک کمیانی داخله مابین میشود در این خصوص سؤالی میکنم از آقای وزیر امور خارجه که درین باب اقدامی فرموده اند که اینها موقوف بشود یا اقدامی فرمودند و اگر اقدامی فرموده اند که بفرمائید .

وزیر امور خارجه - گویا یکسال یا قدری بیشتر قبل از این یک اجازه موقتی برای سیراستمنج بکارون علیا داده بودند آنها هم بواسطه آن کمیانی که در واقع دولت ایران هم در آن شرکت دارد تا اینکه اسباب و آلات و ادواتیکه لازم دارد حمل بکنند و قبلاً آنست منقضى شد از طرف وزارت خارجه هم بنده هم بکمیانی هم در اینجا سفارت انگلیس اختصار شد که اینست منقضى شده است و آنها دیگر حق عبور ندارند و بعد از اینهم این اجازه تجدید نمیشود آنها هم دیگر اظهاری نکرده اند مأمورین آنجا هم تعلیمات داده شد که اگر در این باب اقدامی که مخالف این امر صادره از دولت باشد جلوگیری بکنند این ترتیباتی است که از طرف وزارت امور خارجه شده است و اقداماتی است که بعمل آمده است و دیگر این جزئیاتی را که می فرمائید که چیزی تازه عبور داده اند وزارت امور خارجه از آنها اطلاعی ندارد آنچه که وزارت خارجه اطلاع داشت و اقدام کرد همان بود که عرض کردم و آنها هم دیگر اظهاری نکردند و اوامر هم بجای لازم صادر شده است .

بهجت - اولاً آن اجازه را که فرمودند

داده شده بود بکمیانی لنج و کمیانی فقط موقتی بود ولی کشتی زانی همان طور که عرض کردم تاکنون معمول بوده است حالا اگر تازه از طرف وزارت امور خارجه جلوگیری شده باشد بنده اطلاع ندارم ولی امید وارم که انشاءالله جلوگیری بکنند یک شوال دیگر بنده راجع است بکمیسیون و کمیانی ناصری اگر اجازه بفرمائید عرض کنم .

وزیر امور خارجه - بفرمائید .

بهجت - شوال بنده متعلق بهمین کمیسیون لفظ است که آقای وزیر امور خارجه همینش را در چندین جلسه قبل تصدیق فرمودند می خواستم بدانم چه اقدامی فرموده اند برای اینکه تقریباً یازده دوازده شوال راجع بتجاوزات کمیانی بنده داشتم و سابق هم عرض کردم که این کمیسیون تا تشکیل نشود نمی توانم آن سؤالات خود مرا عرض بکنم بجهت اینکه وزیر مسئولان که وزیر فوائد عامه باشد موضوعی پیدا نمیکند تا این که بنده شوال بکنم همین در خصوص کارگذار ناصری که چندی قبل سؤالی کردم و تصدیق هم کردند که لازم است و تاکنون نه کارگذار ناصری معین شده است و نه کمیسیون و باین واسطه تمام سؤالات بنده که راجع بتجاوزات انگلیسها است در آن حدود بزمین مانده است .

وزیر امور خارجه - در مسئله لنج که فرمودند و کشتی شوشان که بدولت ایران داده اند ملک دولت ایران است منتهی اینست که بطور موقت آنها کار میکنند و از موضوع مذاکره ما خارج است موضوع مذاکره راجع بان اجازه است که پارسل داده بودند و بعد از آن جلوگیری شد و اما در مسئله کمیسیون لفظ بنده در چند جلسه قبل آنچه که راجع بوزارت امور خارجه بود عرض کردم و باقی مسائل و جزئیات آن امر را بایست و وزارت فوائد عامه بهیئت وزراء پیشنهاد بکند و در آن باب هر چه که رأی هیئت وزراء بر آن قرار گرفت آن اندازه که راجع به وزارت امور خارجه است بنده کوتاهی نخواهم کرد کارگذار آنجا یعنی کارگذار عربستان را هم خواسته بوده آمده است و با تعلیمات لازمه با حکومت عنقریب خواهد رفت ولی جزئیات امر کمیسیون فقط راجع بوزارت فوائد عامه است بایستی بخواهید که جزئیاتش را اقدام بنمائید .

رئیس - آقای سلیمان میرزا راجع بمذاکرات مستور ولسن در پارلمان انگلیس سؤالی از وزارت امور خارجه داشتید بفرمائید .

سلیمان میرزا - تقریباً بنده این سؤال را یک هفته بمذاکرات سؤالی که مستر ولسن در پارلمان انگلیس کرده بود در (۲۸) ربيع الثاني کرده بوده و متأسفانه تا امروز طول کشیده است مستر ولسن در یک جلسه از جلسات پارلمان انگلیس از وزیر مستعمرات انگلیس در هندوستان سؤال میکنند که میگویند شما خیال دارید و گفتگو شده است که یک مقداری اسعداد بجهت حفظ سیمهای تلگراف و منبع قاچاق تفنگ بطرف مکران و بلوچستان اعزام بدارید آیا خیال چنین اقدامی با اطلاع دولت

ایرانست یا خیر جوابی که وزیر می دهد اینست که مطابق قراردادی که در این موضوع با دولت ایران در بین است اعزام این قشون بطرف مکران و بلوچستان میشود روزنامه (تیمس) که روزنامه نیم رسمی و ارگان دولت انگلیس است اوهم تقریباً راجع باین مطلب و قراردادی که راجع است باین مطلب مشروحاتی میدهد خواستم حالا از آقای وزیر امور خارجه سؤال بکنم که آیا چنین قرار دادی بوده است فقط راجع بدریاست یا راجع بخشگی هم بوده است و اگر هم چنین قراردادی بوده است آیا شفاهاً هم در ضمن ملاقاتها و مذاکرات صحبتی در این موضوع شده است یا خیر ؟

وزیر امور خارجه - مسئله قاچاق تفنگ در بنادر فارس یک امری است که از مدتی پیش تا بحال رایج بوده است حتی اینکه حالا هم در خیلی از بنادر بحرمان معنی برای اینکار است که اسلحه جمع آوری میکنند و بطور قاچاق عبور میدهند و در مسئله اینکه قرار دادی فیما بین دولت ایران و دولت انگلیس باشد که آنها سر باز بفرستند بسمت مکران و خودشان جلوگیری بکنند در خاک مکران چنین قراردادی در بین نیست و در مذاکرات شفاهی هم چنین مذاکراتی را بنده سراغ ندارم که با آنها شده باشد و در این موضوع بخصوص هم بعد از آنی که خبر رسید که آنها کشتی و یکمده سر باز بحری فرستاده اند بطریق فارس برای جلوگیری قاچاق چای که مسیر برکتیش میگویند و از مدتی با نظرف خیلی شرارت ها کرده است وزارت امور خارجه صریحاً سفارت انگلیس اظهار وحشی بنندن همان نزدیکی اقامت آنها هم گویا چند روزی بیشتر طول نکشید و با خود سفارت انگلیس هم که وزیر تجار نشان آمده بودند بنده شفاهاً در این باب با ایشان مذاکره کردم ایشان بین صریحاً گفتند که احکام صادر شده است که مراجعت به بیستی بکنند و بخصوص در آبهای ایران مذاکره شد که چنانچه سابق برایش هم بطور بود اگر اقدامی لازم بدانند بشود بایستی با اولیاء دولت اطلاع بدهند خودشان البته بطوری که مقتضی است جلوگیری میکنند چنانکه امسال هم یک قدری از اردوئی که برای فارس فرستاده بودند برای جلوگیری قاچاق چایها بطرف بلوچستان فرستادند اگر چه آن اردو هم صحیح است که بکندری در حرکت کرده بود و قاچاقچها یک اندازه حرکات ناصواب خودشان را بعمل آورده بودند لکن امیدواری داریم که من بعد چنین اتفاقی نیافتد و جلوگیری خواهد شد و بنده هم تعلیمات داده شد که با وزیر امور خارجه انگلیس هم داخل مذاکره بشوند که اگر نگرانی در باب قاچاق داشته باشند بخود دولت ایران فوراً اطلاع بدهند که بمقتضیات وقت رفتار خواهد کرد این سابقه اطلاعاتی بود که بنده داشتم و عرض کردم .

سلیمان میرزا - در موضوع قاچاقی که فرمودید از مدتی بوده در قرار دادی که در موضوع قاچاق در بنادر است ذکر شده است که تفنگهایی را که در آبهای بندر گرفته میشود باید تجویب دولت ایران بدهند

آیا باین قرارداد رفتار شده است یا خیر و تفنگهایی که از طرف انگلیسها از قاچاقیان میگيرند بدولت ایران میدهند یا نمیدهند و اگر نمیدهند در این موضوع چه اقدامی کرده اند زیرا که ما خیلی محتاج اسلحه هستیم **وزیر امور خارجه** - بکندری از این تفنگها را که در این اواخر گرفته اند بکمرک داده اند یعنی از قراردادی که مأمورین کمرک ایران گفته اند لکن خیلی از اینها را میدانید که درست عیان و در آن طرف ساحل عیان این قاچاقها اتفاق می افتد و در آنواقع که گرفتار میشود معلوم است که دیگر راجع باین نیست ولی آنچه که در سواحل و بنادر ایران گرفته میشود معلوم است که مأمورین کمرک ایران هم مداخله دارند و بکمرک ایران تسلیم میشود و بوقوع هم بصرف میرسد ولی قاچاقهایی که در آن ست سواحل عیان و برعرب اتفاق می افتد خارج از بر ایران است و بکمرک ایران داده نمیشود .

رئیس - آقای معتمدالتجار راجع براه آهن از وزارت امور خارجه سؤالی داشتید ؟

معتمدالتجار - چندی است که در جرائد خوانده میشود که دولتین مجاورین پیشنهاد خط آهنی بدولت ایران کرده اند از آقای وزیر امور خارجه سؤال میکنم که این مسئله صحت دارد یا خیر و اگر صحت دارد ترتیب آن چیست و دولت علیه ایران چه جوابی در آنخصوص داده است .

وزیر امور خارجه - در این باب دو نفر از نمایندگان محترم سؤالی فرموده بودند این مسئله راه آهن مدتی است کدر جراید و محافل محل مذاکره و گفتگو است و بعضی نظقیهای پارلمانی هم راجع باین مسئله در اروپا واقع شده است آقایان اطلاع دارند چندی بیشتر از طرف سفارت انگلیس در ورقه رسمی متذکر شده بودند دستخطی را که از ناصرالدین شاه مرحوم به وزیر مختار انگلیس داده شده بود و ضمناً خواسته بودند که از طرف ایران یک (الیونی) در باب راه آهن جنوب داده شود یعنی یک حق تقیمی برای کشیدن راه آهن برای خط معینی و یک بندری در خور موسی که در آنجا آن بندر تأسیس بشود و در آنجا راه آهن بسمت جنوب تا یک حد معینی بیاید و در این باب وزارت امور خارجه رهت دولت مذاکراتی کردند و بالاخره کتباً سفارت انگلیس اظهار شد که دولت ایران از دادن (الیونی) معذرت می بخواند دولت انگلیس هم با حسن ترتیبات و حسن سیاستی که دارند این مسئله را کتیباً پذیرفته و لکن ضمن اظهار کردند که در موقعی که دولت ایران بخواهد داخل مذاکرات راه آهنی بشود و از طرف کمیانهای تجارتی انگلیس پیشنهادی بشود آن پیشنهادها را دولت ایران گوش خواهد داد و هر کدام که بصره دولت ایران باشد قبول و الارج خواهد کرد و جواب این مراسم هم بعد از مشاوره لازمه سفارت انگلیس داده خواهد شد پیشنهادی که کرده بودند همین بود که عرض کردم که یک ایونی) خواشد آن (الیونی) هم مطابق مراسم رسمی صدر خواسته شد و آنها هم این صدر خواستن دولت ایران را قبول کردند دیگر از طرف دولت روس در این باب پیشنهادی نشده است فقط در یک مجلس

که یکی از دیدنهای خصوصی شده بود مذاکره کرده بودند که راه آهنی که در سمت ماوراء قفقاز جدیداً هست تا بسواحل ایران و جلفاء و غیره خواهد آمد اگر دولت ایران بخواهد آن راه آهن تا تبریز کشیده میشود آنرا هم دولت ایران داخل مذاکره نشده چون مسئله رسمی آنرا مسکوت منه گذاشتیم ولی این مسئله پیشنهاد دولت انگلیس چون رسمی و کتبی بود اینطور جواب داده شد.

رئیس - آقای حاج عزالمالک و آقای حاج سید ابراهیم بجوابی که داده شد متقاعد شدید یا اینکه باز سؤال خواهید کرد چون این سؤال را شما هم کرده بودید.

حاج سید ابراهیم - بله عاجالتاً قانع شدم.

رئیس - آقای حاج عزالمالک در باب اتباع ایران ساکنین عراق عرب سئوالی داشتید.

حاج عزالمالک - چندی قبل بنده این سئوال را از آقای وزیر خارجه کرده بودم از قرار اطلاعاتی که از عراق عرب رسیده بود راجع باهالی ایران ساکنین عراق عرب گویا دولت عثمانی بعضی ترتیبات خواسته است راجع بتراپیه یا آنها تمحیل بکنند چون تا بحال همچو چیزی معمول نبوده است بنده از وزارت امور خارجه سئوال میکنم در اینخصوص چه اقدامی کردند و رفع این اقدامات دولت عثمانی شده است یا خیر.

وزیر امور خارجه - عثمانیها بعد از این مشروطه برای اخذ بعضی مالیاتها نسبت بتابع سایر دول خواستند که وضع مالیاتی بکنند از تراپیه و تمتع و عمل مکلفند و غیر ذلک و این از برای تبعه ایران که در خاک عثمانی خاصه در عراق عرب زیادتر بیشتر محل ابتلاء و گرفتاری شده است و بطوریکه خودشان اظهار داشته اند اینها قوانین یعنی مالیات ها بکنند بطور قانونی وضع کرده اند که از مجلس شورای ملی خودشان خواهد گذشت و نسبت بیهه این قاعده را مجری میدارند در این خصوص باید گفت که بیکفادری این فتاریکه بتابع دولت ایران وارد می آید بواسطه اینستکه در خاک عثمانی که سفارت ما در اسلامبول و ژنرال فونسلوگری در خاک بغداد از ما مورین خالی مانده بود و بطوریکه بایستی اقدامی که لازم بوده است برای جلوگیری از این مسائل بعمل نیامده حالا خیلی از این مسائل بسفر کبیر خودمان که قریباً وارد خاک اسلامبول خواهد شد دستور العمل داده شده است که مجدداً داخل مذاکره بشوند و چیزهایی که قانونی است و میشود قبول کرد بموقع اجرا بگذارند و چیزهایی که از سایر اتباع دول گرفته نشود دفعین بشود که از اتباع ایرا هم مطالبه نشود و امیدواریم که بعد از ورود ایشان باسلامبول بتناجج حسن گرفته شود و اسباب آسایش اتباع ایران در خاک عثمانی کاملاً فراهم بشود.

رئیس - آقای ادیب التجار از وزیر خارجه سئوالی داشتید.

ادیب التجار در خصوص سفیر کبیر و تأخیر ورود ایشان باسلامبول چندی قبل یعنی مدتی قبل از حضرت وزیر امور خارجه سئوال کردم اهمیت آنرا هم با شرح مفصلي عرض کردم که خودشان هم تصدیق کردند و بعضی

دوای و مقتضای بجهت سرعت و ود ایشان بسر کز سفارت کند و همه اش را حضرت وزیر امور خارجه تصدیق کردند مع ششی زاید که فرمودند ادیب - التجار بعضی چیزها ذکر نکردند در اهمیت ورود سفیر کبیر باسلامبول در آن موقع فرمودند همین چند روزه که اعتبار نامه و احضار نامه سفیر کبیر فرستاده شده و همین چند روزه سفارت اسلامبول وارد می شود همان چند روزه ایشان و وعده که در مجلس شورای منی فرمودند تقریباً دو ماه میشود که ما منتظریم و همه روزه هم از اسلامبول برای بنده و بعضی آقایان که اینجا حاضرند بعضی مشروح می نویسند که ورود ایشان بجهت اینجا هر قدر زودتر بجهت همان مطالبی که حضرت وزیر میفرمایند و برای عمل مکلفندو تمتع و این تراپیه که حالا ذکر شد خیلی اهمیت داشت حالا هم اشاره فرمودند در ضمن جواب سئوال آقای حاج عزالمالک که قریباً میرسد بنده استدعا میکنم که این « قریباً » را توضیح بفرمایند یعنی آن محذورات رفع شده است و واقعاً همین چند روزه میرسد یا اینکه این « قریباً » يك تغییر دیگری دارد حضرت وزیر بفرمایند.

وزیر امور خارجه - علت تأخیر عزیمت سفیر کبیر را چون خود آقایان میدانند بنده دیگر محتاج باظهار نمیدانم اما این قریباً که عرض کردم میرسد برای اینست که دفع آن محظوری که می فرمایند شده است و واقعاً قریباً خواهد رشت.

رئیس - آقای وحیدالملک در باب کشیدن نطق از انزلی برشت سئوالی داشتید.

وحیدالملک - اگر چه در این موضوع يك لایحه از طرف وزارت خارجه پیشنهاد شده است ولی باز بنده سئوال میکنم از فراری که می شنوم همسایه های شمالی مشغول کشیدن لوله نطق از انزلی برشت هستند بنده میخواستم سئوال کنم از آقای وزیر امور خارجه که آیا اطلاع از این مسئله دارند یا خیر و آیا با اجازه دولت ایران بوده است یا بدون اجازه بوده است چه اقدامی تا بحال کرده اند.

وزیر امور خارجه - بله از این مسئله وزارت امور خارجه با اطلاع است و مشغول کشیدن لوله هم نیستند این مسئله زیادت از یکسال است که در وزارت امور خارجه محل مذاکره است وقتی وزارت امور خارجه اطلاع دادند که کمیانی نوبل که متصدی تجارت نطق است و بزرگترین کمیانی های نطق است میخواهد از پیره بازار برشت لوله بکشد برای آوردن نطق و اراضی هم اجاره کرده است در خط راه و اجازه نامه هم ترتیب داده بودند که حالا هم در وزارت امور خارجه هست آقای حسین قلی خان نواب که آنوقت وزیر امور خارجه بودند اقداماتی کردند و تحقیقاتی بعمل آوردند و مجلس از تجاری که در این باب بصیرت داشتند در وزارت امور خارجه تشکیل داده اند که صورت آن در وزارت امور خارجه موجود است در اینباب بدقت رسیدگی کرده اند و رای تجاری بر این شده که این مسئله مضر نیست چرا که او بطور امتیاز نمیخواهد و فقط راهی میخواهد که موقتاً هفت هشت ساله نطق خودش

که صورت قضیه را با اطلاع مجلس شورای ملی رسانیدیم حالا در کمیسیون نظرات خودشان را بکنند به بنده صلاح است یا خیر اگر صلاح هست فیهالمطلوب تصویب میکنند و اگر صلاح نیست که رد میکنند.

رئیس - آقای نیرالسلطان سئوالی از وزارت داخله داشتید.

نیرالسلطان - چون بنده از آقای رئیس الوزرا استیضاح خواستم سئوال خودم را پس میکنم.

رئیس - آقای ارباب کبخسرو راجع به رشیدالملک سئوالی داشتید.

ارباب کبخسرو - بنده در وقت وزارت شاهزاده عین الدوله در مسئله رشیدالملک و اردبیل سئوالی کردم و شاهزاده عین الدوله که آنوقت وزیر داخله بودند اقرار کردند بر آنچه که او کرده است بنده آن سئوال را تبدیل باستیضاح کردم و تغییری در کابینه حاصل شد که بنده تا بحال موفق نشدم آن استیضاح را بشنایم اینستکه تا بنده سئوال میکنم اولاً در مسئله آنجوسینی که رشیدالملک مبلغ زیادی از آنها گرفته و مرخص کرده که الان دولت را دچار اینهمه زحمت کردند خواستم ببینم از طرف وزارت داخله بعد از آنهمه زحمتی که پس از آن اقدام رشیدالملک عاید دولت شده است چه اقدامی شده است آیا باز رشیدالملک بحکومت و همان استقلالی که در حکومت آنجا داشته باقیست یا خیر و ثانیاً در باب آنجوسینی که او را کرده است و مبلغ گزافی که از آنها گرفته است چه اقدامی برای جبران آن شده است.

معاون وزارت داخله - همین طور که نماینده محترم اظهار داشتند این سئوال سابقه دارد و برای اطلاع خاطر نمایندگان محترم عرض میکنم حاکم جدید عنقریب معروض تعلیمات لازم هم با داده میشود که اقدامات لازم را در اینباب بکند و سعی وجاهد باشد و نتیجه را که بوزارت داخله راپورت داد بعرض مجلس شورای منی میرسانم.

رئیس - دو فقره سئوال دیگر هم داشتید.

ارباب کبخسرو - بنده آن سئوالی را که کردم متسی داشت متمم این بود که وزارت داخله قسمی اقدام بکنند که فقط بوعده نگذرد و احقاق حق آن بیچارگانی که دچار آنهمه ضدمات شدند که رشیدالملک در آنجا اسباب اینهمه زحمت از اول تا حالا شده است بشود سئوال دیگر بنده راجع بکرمان بود و چون از طرف وزارت داخله اقداماتی کرده اند و منتظر نتیجه هستم و از اقدامات وزارت داخله در این باب متشکرم علی العجالة آن سئوال را مسکوت عنه می گذارم ببینم از اقدامات وزارت داخله چه نتیجه ظاهر میشود سئوال دیگر بنده همان بود که آقای فهیم الملک در چند جلسه قبل کردند بنده سابق هم این سئوال را کرده بودم و تا نتیجه نگرفته باشم لابد این سئوال را مکرر بکنم که آیا وزارت داخله در باب مجازات حکامی که مأمور حکومت میشوند و تجا از آن قانون حکومتی خودشان میکنند و ترتیبی داده اند برای اینکه آنچه بنده میدانم اگر

بخواهم باسم یکی یکی را بیان بکنم خیلی مفصل میشود و خود آقای معاون بهتر میدانند که حکام خیلی تجاوزات میکنند ادارات را تطویل میکنند و در حق بیچارگان آنچه می خواهند بکنند میکنند تا کتوتهم نتیجه از مجازات آنها دیده نشده است خواستم ببینم وزارت داخله در اینباب چه ترتیبی داده اند تا واقفا اسباب اطمینان مردم بشود که حکامی که از اینجا فرستاده میشوند اگر تجاوزی بکنند عقب آنها يك مجازاتی هست.

معاون وزارت داخله - در آن موضوع عرض میکنم که اطمینان دارم که وزارت داخله عقیده خودش را تعقیب خواهد کرد در مسئله کرمانهم اگر چه فرمودند مسکوت عنه گذارده ایم لکن چون برای اطلاع سایر آقایان نمایندگان لازم میدانم اظهار میکنم که اقدامات لازم وزارت داخله حسن نتیجه داد خود آقای ارباب کبخسرو هم تا يك اندازه مطلع هستند اما مسئله نتیجه مجازات حکام چندی قبل یکی از نمایندگان محترم این سئوال را کردند بنده هم جواب دادم که وزارت داخله همینکه شکایتی از يك حاکمی رسید بوسائل مقضیه مکلف است تقشش و رسیدگی بکند همین که ثابت شد و دید آن شخص حاکم واقعاً تصدی کرده است وزارت داخله او را از درجات خواهد انداخت اگر در جرات داشته باشد اگر چه از برای اینستکه قانونی وضع شده است ولی اگر چنانچه تصدیك حاکمی خیلی سخت باشد او را عزل میکنند یا تنزل رتبه باو می دهند لکن پس از آنکه بر سر رسید عارضین قاعداً باید در عدلیه اعظم شکایت بکنند و مواد شکایت را با آن قضاایه عرضه بدارند تا اینکه در موضوع آنجا که هر چه قانون ملکات است رفتار بشود وزارت داخله نمی تواند قانونی در آنخصوص وضع کند و آنرا بموقع اجرا بگذارد.

ارباب کبخسرو - بنده همبفکر عرض می کنم که وزارت داخله فقط يك کاری که علی العجالة میتواند بکند حکامی که از حدود قانون حکومتی خودشان تجاوز کرده اند و بان علت معزول می شوند دوباره آنها را بحکومت بفرستند از یکجا بر ندارند و جای دیگر بگذارند و همبفکر که اینکار را بکنند تا بیکدر به برای آنها مجازات کاملی است.

معاوض الملک معاون - وزارت داخله هم در این عقیده اشتراك دارد.

رئیس - لازم است عرض کنم که در اینجا بکنوع سئوالی میشود که سئوال است و نه استیضاح و باید آقایان حتی المقدور هر مرامی داشته باشند که این سابقه برای آتیه نباشد و بر خلاف نظامنامه عمل نشده باشد - آقای ادیب التجار راجع باصلاح بلدیه چندی قبل سئوالی کردید دوبرمه می بینم که آن سئوال را تجدید کرده اید.

ادیب التجار - بله با اجازه حضرت رئیس تجدید میکنم سئوال را که وزارت داخله اصلاح بلدیه رامو کول کردند که کمیونی تشکیل شود و اصلاحی در باب بلدیه بکنند و برض مجلس مقدس برسانند نتیجه اقدام آن کمیسیون و توجه وزارت داخله در آن خصوص چه شد بعرض مجلس برسانند.

معاون وزارت داخله - بطوریکه عرض کردم چند کمیسیون برای اصلاح بلدیه در وزارت داخله تشکیل شد وزارت داخله هم باصلاح بلدیه قانز شده است عنقریب تا یک هفته دیگر آن صورت اصلاحی گذر کمیسیون داخله شده است بعرض مجلس شورای منی خواهد رسید.

رئیس - سی و شش فقره سئوال از وزارت داخله شده است و گمان میکنم که تمام اینها را نمیتوانیم سئوال کنیم و قتم گذشته است خوب است که سه جلسه بی درسی در اول جلسه حاضر شوید که آن سئوالات بشود.

معاون - در جلسه آتیه حاضر میشویم.

رئیس - در جلسه آتیه و جلسه بعد آقایان آقا میرزا ابراهیم خان - لواء الدوله

آقای ابراهیم خان - آقای طباطبائی از کمیسیون بودجه استفاداده اند باید شعباتی که ایشان را انتخاب کرده اند منعقد شود و بجای ایشان انتخاب کنند آقای آقا میرزا ابراهیم خان از شنبه پنجمی که در ۱۴ تیر آن معین شده بود و آقای لواء الدوله از شنبه دویم آقا عبدالحمید و آقای طباطبائی در شنبه اول این شعب پنجمین قبل از اینکه مجلس تشکیل شود باید منعقد بشود و معین شوند دستور روز پنجمین انتخاب دوفرمشتی برای هیئت رئیسه (۲) شور دویم قانون تفرقه تلگرافی (۳) راپورت کمیسیون قوانین مالیه راجع به سهام وراثتی که حقوقشان از دوتومان کمتر است - اگر هم وقت داشته باشیم قانون عقبات را شروع می کنیم مخالفی نیست؟

دکتر امیر خان - بنده خواستم عرض کنم کدر جلسه آتیه بجای یک نفر عضو کمیسیون نظام وظیفه که استعفاء داده اند انتخاب شود.

رئیس - خیلی خوب آقای مشیر حضور استعفا داده اند بکنفر در جلسه آتیه بجای ایشان انتخاب بشود.

عز الملک - طرحی است که بنده عرض کردم که نمایندگان تا آخر دوره تقنینیه نتوانند قبول شغل دولتی را نمایند تقاضا می کنم که اینهم جزء دستور جلسه آتیه گذاشته شود.

رئیس - عهده کافی نیست برای رای گرفتن مطابق نظامنامه داخلی مجلس همیشه میتواند دستور خودش را تغییر بدهد در جلسه آتیه اگر مقتضی شد رای میکنیم ممکن است که آقایان آن قانون را همراه بیاورند.

افتخار الواعظین - قانون عقبات را که جزء دستور پنجمین مقرر فرمودند بنده همچو تصور می کنم که قانون عقبات تا روزه شنبه راپورتش حاضر نشود استعفا می کنم که قانون تفرقه تلگراف را جزء دستور پنجمین معین فرمایند.

رئیس - همبفکر نوشته شده است که اول قانون تفرقه تلگراف اگر وقت داشتیم قانون عقبات ولی گمان نمی کنم وقت داشته باشیم و قانون تفرقه تلگراف را جزء دستور روز پنجمین و قانون عقبات را جزء دستور شنبه که شاید نتوانند راپورت بدهند قرار خواهیم داد.